

## در صفحات دیگر این شماره:

- وضعیت زندگی کارگران کوره پزخانه، ۲۲ سال پس از اعتصاب خونین ۲۳ خرداد و بازهم مبارزه صفحه ۳
- پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: به رفقای که مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر گرفته اند! صفحه ۱۳
- چگونه یک گزارشگر خوب باشیم؟ صفحه ۱۴
- چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟! صفحه ۲۰

کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

۱۱۱

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱ تیر ۱۳۶۰

## منشاء مذهبی لایحه قصاص و برخورد مجاهدین با آن (۱)

بسی جامعه‌ای بی طبقه مانع گردد و حرکت انقلابی کارگران و زحمتکشان را بسوی نابودی سرمایه - داری به تاخیر اندازد. یکی از وسایلی که رژیم جمهوری اسلامی، بخصوص از آن استفاده فراوان می‌کند، اعتقادات مذهبی بوده‌هاست. رژیم هر چه را که بقیه در صفحه ۱۹

رژیم جمهوری اسلامی براساس ماهیت سرمایه‌داری و ارتجاعی خود، بر ضد کارگران و زحمتکشان و آگاهی آنان عمل می‌کند و با یکی امری طبیعی است. او میکوشد با هوسیه ممکن، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران را از ادامه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی و از پیشرفت تاریخی طبقه کارگر

## سرمقاله

### دفاع از آزادیهای دمکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری رابه اهرمی در جهت گسترش انقلاب تبدیل کنیم!

سیر تحولات سیاسی حاضریست و سوی حرکت آن بیش از پیش صحت این تجنیل ما را که ائتلاف حکومتی در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب از یکسو در مسیر شدت‌تفادهای درونی دو جناح رژیم از سوی دیگر، به بین بست رسیده و این بست می‌بایست به نفع این یا آن جناح، یعنی به نفع یک سیاست واحد و جاری از تعرض شکسته شود، تا شید نمود. ما در یادداشت‌های سیاسی پیکار ۱۰۲، در سرمقاله و یادداشت‌های سیاسی پیکار ۱۰۸، به توضیح این نکته پرداختیم و دلایل ایجاد این بست تناقض آفرین و فلج کننده برای بورژوازی را توضیح دادیم. و ضرورت شکستن آن از نقطه نظر منافع بورژوازی را به نفع یک جناح معین، مورد اشاره قرار دادیم. حوادث روزهای اخیر، که در آن جناح حزب جمهوری اسلامی، به سمت تمغیه کامل قدرت سیاسی از لیبرالها حرکت نموده و در این بست آفرین قدمها را می‌بینیم، یاد این مسئله را بوضوح تائید نمود. در حال حاضر، حزب آفرین برده نمایی تسلط کامل خویش را بر حکومت و حذف کامل لیبرالها را از آن، به اجرا گذاشته است: طرح "پرسی عدم کفایت بنی صدر" در مقام ریاست جمهوری در مجلس، در واقع سناریوی این نمایش آفرین است!

بقیه در صفحه ۲

بد بیال تظاهرات چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی قزوین و ساعتها درگیری با مزدوران:

## دهها کارگر زحمتکش توسط پاسداران جمهوری اسلامی بخاک و خون کشیده شدند

صفحه ۲۶

## بازهم میلیونها تومان برای سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی!

پیکار میکند، "سود ویژه"، فوق العاده شغل و اضافه کاری کارگران را که بخشی از مزدها آنهاست قطع می‌کند و... اما سرکوب رژیم برای سرکوب زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی که دفاع از منافع شما مبارزه میکنند با زاست: بقیه در صفحه ۲۸

کارگران، زحمتکشان و خلقهای مبارز ایران! اگر رژیم جمهوری اسلامی به بهانه شرایط جنگی، کمبود بودجه و هزاران حيله و فریب دیگر از پرداخت دستمزد ناچیز زحمتکشان جنگ زده خودداری میکند، هزاران کارگر را از کار

## تظاهرات عظیم ۱۰ هزار نفری علیه رژیم حاکم در تهران!

صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله...**

بی تردید، همانطور که در گذشته نیز یاد آور کردیم، هجوم حزب به لیبرالها در سال برای کسب کامل مواضع قدرت، تلاشی است برای ایجاد یک صف فشرده ضد انقلاب در بالا، بمنظور مقابله هر چه بیشتر با بحران سیاسی موجود و روند گسترش انقلاب، حرکت حزب در این مسیر که به موازات حرکتش در جهت تشدید جوسو خفقان و سرکوب درجا معده بوده است، علیرغم اینکه از تضاد عینی وی با لیبرالها در نحوه سرکوب انقلاب، بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و مقابله با بحران درونی آن حکایت می کند، اما اساساً از دیدت وی با انقلاب و توده ها و نیروهای انقلابی حکایت می کند. چرا که در واقع حزب و لیبرالها، به مثابه دو جناح از بورژوازی ضد انقلابی، دارای وحدت طبقاتی هستند و تعارض آنها با یکدیگر تعارض میان دو قشر معین از بورژوازی بر سر کسب هژمونی و تسلط بر قدرت سیاسی حاکم است. به همین جهت، تعرض حزب به لیبرالها، ضد انقلابی، که اکنون عوام فریبانه در لباس "دموکراسی" ظاهر شده اند، بنوبه خود، سرآغاز تشدید تعرض حزب به انقلاب است. او می خواهد قدرت در بالا را یکپارچه کند و از تعرض و بحران بری سازد، تا هجوم خویش به انقلاب را بهتر سازمان دهد. لیبرالها نیز خواهان چنین چیزی بودند، آنها نیز ظالمان به وجود آوردن آنچنان کیفیتی از قدرت در بالا بودند که سرکوب انقلاب و مقابله با بحران را به شیوه خاص آنها سازمان دهد. لیکن تناسب قوا در میان نیروهای حاکم بگونه ای بود که حزب امکان یافت این کشاکش را به نفع خویش خاتمه دهد.

در بستر این تحولات، که از مدتها پیش آغاز گشت و حوادث هفته اخیر تنها مراحل تکاملی آن بود، لیبرالها، از یک جریان و حزب سیاسی حکومتی، بتدریج به یک اپوزیسیون در برابر حکومت تبدیل گشتند و در متن این تغییر کارکرد سیاسی، در همسویی ظاهری با انقلاب قرار گرفته اند و عوام فریبانه می کوشند، این همسویی را در منافع و مضمون خواست های مرحله ای کنونی انقلاب در دفاع از آزادیهای دموکراتیک، جلوه دهند. حال آنکه این همسویی در شرایطی که حزب جمهوری اسلامی نقش سرکوب انقلاب، و جنبش انقلابی را ایفا می کند، یک همسویی در شکل است که در رابطه با کیفیت آرایش سیاسی نیروها در شرایط حاضر شکل گرفته است. این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر، وجهت گیری تضادها و نقش و کارکرد سیاسی متفاوت و جناح حزب و لیبرالها (طبیعی است که ما خمینی را در جبهه حزب می دانیم و وقتی سخن از حزب می گوئیم، این مجموعه متحد

را مورد نظر داریم). با جابجایی کندگیها پرولتاریا و دموکراسی انقلابی نیز روش سیاسی و تاکتیک معینی را از نقطه نظر مقابله با این اوضاع و گسترش امر انقلاب و مبارزه طبقاتی در پیش گیریم. ما در اینجا، این تاکتیک معین را به اختصار و در خطوط اساسی آن توضیح دادیم. در این جا می گوئیم که نکاتی چند را پیرامون این تاکتیک مورد اشاره قرار دهیم.

شکی نیست که پرولتاریا، دموکراسی انقلابی در مرحله حاضر انقلاب ایران، خواهان سرنگونی رژیم سیاسی حاکم به مفهوم طبقاتی آن است، یعنی سرنگونی سلطه امپریالیسم و بورژوازی (که در ایران بورژوازی وابسته است) و این خواستی است که حتی یک لحظه نباید از آن غفلت نمود ما سادهلوحانه نخواهد بود اگر تصور کنیم که "انقلاب بروی خطی مستقیم ما نند پرواز یک تیرتاکامل خواهد یافت." (۱) اگر مناسبات اساسی طبقات در هر مرحله انقلاب، تعیین کننده مضمون و استراتژی انقلاب در آن مرحله معین است، بهمان ترتیب آرایش سیاسی نیروها و تناسب قوای طبقاتی در هر مقطعی از روند مبارزه طبقاتی، تعیین کننده تاکتیک و روش سیاسی پرولتاریا در این مقطع می باشد. اشتباه است تصور شود که تاکتیک های حزب انقلابی نه بر اساس مناسبات نیروهای طبقاتی آنطور که هستند، بلکه بر اساس مناسباتی که ما می خواهیم وجود داشته باشند، پایه ریزی شوند. (۲) این آرایش سیاسی در شرایط حاضر چگونه است؟ ما اکنون در دوران کشاکش انقلاب و ضد انقلاب از یک سو و کشاکش درونی ضد انقلاب بورژوازی، بر سر سلطه این یا آن جناح معین در قدرت سیاسی هستیم. در جبهه انقلاب، شاهد توسعه و گسترش روز افزون مبارزه توده ها هستیم، لیکن توده ها، در وسیعترین بخش خود، دارای توهم نسبت به لیبرالیسم ضد انقلابی بورژوازی لیبرال هستند، بعلاوه اینکه کیفیت جنبش در این شرایط بگونه ای است که توده ها، در سطح نسبتاً وسیعی، نسبت به حزب جمهوری، در تعارض قرار گرفته و از آن بریده اند، لیکن بورژوازی لیبرال، با نفوذ و اشاعه لیبرالیسم ضد انقلابی خویش در بین توده ها، بطور عمده نقش یک ارتجاع ایدئولوژیک را در میان توده ها ایفا می کند. و به همین لحاظ به مهمترین مانع در برابر پرورش و رسوخ ایده سرنگونی کل قدرت سیاسی بورژوازی (وابسته)، که طبعاً سرنگونی

(۱) - از سخنرانی مانوئیلسکی، عضو کمیته مرکزی حزب بلشویک در هفتمین کنگره کمیونترن تحت عنوان "تاکتیک پرولتری را از انگلیس بیا موزیم".

(۲) - همانجا

همه جناحهای بورژوازی را در بردارد تبدیل شده است. نیروهای بورژوا دموکرات به ناکامی کشان این لیبرالیسم ضد انقلابی در درون اردوی انقلاب تبدیل شده اند و از همین لحاظ نقش مهمی در پایه گرفتن لیبرالیسم ضد انقلابی در درون جنبش ایفا می کنند.

از طرف دیگر در اردوی ضد انقلاب شکاف افتاده است. حزب جمهوری اسلامی، در هیئت سرکوب بورژوازی (جناح معینی از آن)، در شکل خاص شاه آن هستیم، عرض اندام می کند و لیبرالها، بنا بر تضاد که با جناح حزب داشته و موقعیتی که کل حکومت از یک سو و در آرایش نیروهای سیاسی از سوی دیگر یافته اند، کارکرد سیاسی کاملاً متفاوتی با حزب در پیش گرفته اند. وضعیت آنها، اکنون موقعیت یک اپوزیسیون کامل در برابر هیئت حاکمه را ترسیم می کند و نه یک نیروی مخالف دولتی که صرف نظر از وحدت طبقاتی، از لحاظ سیاسی نیز عمدتاً در وحدت با جناح دیگر قرار داشته باشند.

سیاست کاملاً متفاوت حزب و لیبرالها، در رویارویی با انقلاب و بحران حاضر، آنها را بطور کامل در برابر یکدیگر قرار داده و بیشتر این حدتت و پراکنندگی را تاکنون در صفوف ضد انقلاب بورژوازی بوجود آورده است. تاکتیک پرولتری و صحیح، اکنون در گرو آن است که این سیمای سیاسی، و این آرایش سیاسی نیروها، هم در جبهه انقلاب و هم در اردوی ضد انقلاب بروشنی باز شناخته شود. عبارت برداری و کلی گویی در مورد "گسترش انقلاب" در شرایط حاضر، هیچ کمکی به دست یابی به تاکتیک صحیح نمی کند. آنچه مهم است این است که اکنون چگونه می توان انقلاب را گسترش داد؛ چگونه می توان، آنچنان تاکتیک و روشی در پیش گرفت که به بهترین وجهی از یک سو ما را در بستر استراتژی انقلابی مان به سرنگونی کل رژیم سیاسی حاکم رهنمون سازد و مبارزه توده ها را در این بستر به پیش رانده و ارتقاء و تکامل دهد، و از سوی دیگر، توده ها را از زیر نفوذ لیبرالیسم ضد انقلابی لیبرالها و توهانات خرده بورژوازی خارج ساخته و به زیر پرچم دموکراسی انقلابی سرازیر سازد و به عبارت دیگر جذب توده ها را به سمت دموکراسی پرولتاریا و نیروهای مدافع آن تسهیل نماید، اگر این درست است که حلقه اصلی زنجیر تکامل مبارزه توده ها و جنبش انقلابی، بنا توجه به کیفیت تعرض حزب و کارکرد لیبرالها، (که در اینجا به نفع ما توضیح داده شده است)، از دفاع از آزادیهای دموکراتیک و گسترش آن در شرایط حاضر تشکیل می دهد، و اگر این درست است که حزب جمهوری، با غلبه بر حکومت، نیروی اصلی به حرکت در آورنده زنجیر سرکوب

## رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

# جنبش کارگری



## توطئه اخراج کارگران راختنی کنیم!

با گسترش توطئه های رنگارنگ رژیم برای اخراج کارگران، موج مقاومت و اعتراض آنها نیز گسترش یافته است که تنها در صورت تعمیق این مبارزات و تلفیق آنها با آگاهی طبقاتی کارگران و ایجاد شوراهای واقعی میتوان توطئه های رژیم را خنثی نمود. برای آشنایی بیشتر با این توطئه ها نمونه های زیر را می آوریم:

### ۱- خانه سازی تبریز:

موج اخراجهای دسته جمعی کارگران ایران بوسیله رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. اخیراً رژیم قصد دارد حدود ۱۰۰۰ تن کارگران و همچنین کارکنان کارخانه سازی تبریز را به بهانه "پایان کار" اخراج و باز خرید نماید. استاندار مرتجع ماه گذشته در مقابل اعتراض کارگران و کارکنان گفته بود:

"اکنون موقع جنگ است. چون کارمان تمام شده و پول هم نداریم، مجبور هستیم کارخانه را تعطیل کنیم."

کارگران با اینکه حقوق اردیبهشت را دریافت نکرده و در نسیمه اول خرداد ماه هم علی الحساب گرفته و سخت در مضیقه هستند هر روز به کارخانه رفته و سعی دارند توطئه رژیم را خنثی نمایند.

به نقل از "پشچیلر شماره ۶" با تغییر

### ۲- صنایع الکترونیک شیراز:

از مدتی پیش انجمن اسلامی صنایع الکترونیک شیراز که وابسته به ارتش میباشد، در پی دستگیری سه تن از کارکنان مبارز که هوادار سازمان مجاهدین هستند دست به توطئه های گوناگون زده و سرانجام در تاریخ ۶۰/۳/۱۹ دادگاه انقلاب اسلامی از طریق دژبان اقدام به جلب سه تن نامبرده میکند. کارکنان مجتمع که بالغ بر ۱۲۰۰ نفر هستند یکپارچه جلوی ساختمان امور اداری اجتماع کرده و مخالفت خود را برای مبارزین میدارند. عناصر مترقی شورای کارخانه هم حمایت خود را از خواست انقلابی کارکنان اعلام میکنند. بهر حال عوامل رژیم موفق نمیشوند کارکنان مبارز را دستگیر نمایند. مزدوران انجمن اسلامی در شرایط حاضر، انحلال شورا را خواستارند، اما کارکنان در مقابل انحلال شورا و دستگیری سه تن از کارکنان صنایع مقاومت میکنند.

به نقل از خبرنامه محلی تشکيلات شیراز شماره ۷ - با تلخیص و تغییر

## وضعیت زندگی کارگران کوره پزخانه، ۲۲ سال پس از اعتصاب خونین ۲۳ خرداد و بازهم مبارزه!

خرداد، هیچ سخنی از آنان به میان نیاورده و بر مبارزات کنونی آنان برده ماستر می کشد. برای درک بهتر شرایط عینی کارگران کوره پزخانه ها و استشار و حشبانه آنان توسط سرمایه دارانی که با تکیه بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی خون کارگران را می مکند، نگاهی به وضعیت دستمزدها، وضعیت مسکونی کارگران، بیمه، بهداشت و... کوره پزخانه های تهران می اندازیم:

کوره پزخانه های تهران در مناطق زیر واقع شده اند:

- ۱- قرچک ورامین
- ۲- خاتون آباد
- ۳- فرون آباد
- ۴- محمودآباد
- ۵- یافت آباد
- ۶- اسماعیل آباد
- ۷- شمس آباد
- ۸- چهار دانگه

بقیه در صفحه ۴

رشد بحران اقتصادی - اجتماعی سیستم سرمایه داری وابسته ایران، شرایط را هر چه بیشتر برای کارگران و زحمتکشان سخت و طاقت فرسا نموده است. کارگران کوره پزخانه ها که در شرایط نیمه بردگی استعمار قرار دارند نیز از این گل مستثنی نمیباشند. این کارگران اکنون میبینند که نه تنها شرایط زندگی شان نسبت به قبل فرقی نگرفته بلکه با تشدید تورم و گران شدن کالاها و مورد نیازان، به مراتب بدتر شده و فشار زندگی را بر دوششان چند برابر کرده است. می بینند که در حالیکه اعتصاب ۴۰ هزار نفری و پرشکوه آنان در سال ۱۳۳۸ زمینه ساز قیام پانزده خرداد بوده و ۵۰ تن از کارگران قهرمان کوره پزخانه ها به بدست جلادان رژیم پهلوی به خون کشیده شدند، رژیم فداگویی جمهوری اسلامی در به اصطلاح بزرگداشت قیام تسوده ای

## اجبای روابط "استاد-شاگردی": طرحی از تجامی بر علیه کارگران

کارگران، خلاصه نمود، که هدف "حل بحران اقتصادی سود طبقه سرمایه داران را از انتقال هر چه بیشتر با بحران بردوش کارگران و زحمت کنان راندن بال می نماید. برای روشنتر شدن ماهیت این طرح و اهداف ضدکارگری طراحانش به بررسی آن می پردازیم:

یکی از محورهای توجیه طرح مذکور این است که گویا موجب حرکت جامعه در جهت وابستگی "شده و زمینه رشد صنایع ملی را بوجود خواهد آورد!!" معاون وزارت کار در این باره می گوید:

"در شرایط کنونی کشور ما از نظر صنعتی آنچنان فقیر است که جز اسیر بودن در جنگال تکنولوژی و از داتی چاره ای ندارد مگر اینکه در زمینه تربیت و آموزش متخصص

بقیه در صفحه ۷

مدتی است که مسئله اجبای روابط فرتوت استاد - شاگردی از جانب عوامل وابسته به حزب جمهوری اسلامی طرح می شود و اخیراً وزارت کار با ارائه طرحی در این مورد، به دفاع از آن پرداخته است. آنچه که زورای کلیه عوامل مغربسای - های مدافعین این طرح نظیر حرکت در جهت عدم وابستگی، نابودی استعمار و برقراری روابط پدران (؟!) میان کارگر و کارفرما و... میتوان استنباط نمود، تلاشی است که سردمداران حزب جمهوری اسلامی برای خارج کردن سیستم سرمایه داری وابسته، از بحران حاد اقتصادی موجود، بعمل می آورند.

ویژه گیهای کلی این طرح را می توان در برقراری آشتی طبقاتی میان کارگر و کارفرما، سازماندهی تولید بر طبق سیاستهای ویژه حزب جمهوری اسلامی و افزایش استثمار

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





بقیه از صفحه ۳ وضعیت ...

- ۹- خانلق ۱۲- زلف آباد
- ۱۰- ولی عمر ۱۳- غمار آباد
- ۱۱- شهریار ۱۴- فتح آباد

سن کاروسا عت کار:

بنا بر شیوه تولید و کارمزدی بودن کارگران، کوره پزخانه ها ساعت کار خصوصی ندارند و شیوه پرداخت دستمزد بصورتی است که کارگران را از ابتدای ترین حقوق محروم نموده و بشدت استثمار میشوند.

سن کار، گاها از زمانیکه بچه قادر باشد خشت ها را حمل نماید شروع میگردد و ساعات کار برای کارگر پنا بر نوع کارشان از ۸ الی ۱۶ ساعت در ۲۴ ساعت میباشد و اگر محاسبه درآمد کارگران کوره پزخانه ها در بعضی موارد نسبت به کارگران دیگر بیشتر به نظر میرسد به علت شدت استثمار، کارگران فرسایش و ساعات کار طولانی است. کارگران کوره پزخانه ها به علت اینکه از بیمه ازکارافتادگی، بیمه حوادث ناشی ازکار، بازنشستگی و... محروم میباشند تا سرحد توان کار کرده و بشدت استثمار میشوند. ساعت کار کارگران دائم (آتشکار) از ۱۲ شب شروع شده و تا ۴ الی ۶ بعد از ظهر ادامه مییابد (حدود ۱۶ ساعت). ساعت کار کارگران فعلی از حدود ۲ صبح شروع شده و تا جاشیکه توان داشته و قادر باشدندوری با با بستند ادامه میدهد.

این استثمار وحشیانه و طاقت فرسا بصورت خانوادگی با فامیلی از طفولیت شروع شده و گاها تا مرگ ادامه مییابد. ضمن آنکه میانگین سن کارگران کوره پزخانه ها بسیار پایین میباشد.

چگونگی برخورداری از مزایا:

کارگران دائم (آتشکار) غالباً از مزایای نظیر حق مسکن، خواروبار و... استفاده میکنند و در مورد بیمه فقط بیمه درمانی میباشد. استفاده از این مزایا بر اثر فشار کارگران و سابقه کار آنها میباشد.

کارگران فعلی، بطور کلی از این حقوق محروم میباشند. کارفرمایان باین دلیل، عدم پرداخت این مزایا را فعلی بودن و کارمزدی بودن آنها دانسته و از اینکه این دسته از کارگران بنا بر نوع کارشان نمیتوانستند در یک کوره کار کنند، از پرداختن بخشی از دستمزد واقعی آنان طفره میروند.

وضعیت مسکنی:

کارگران فعلی عموماً با خانواده های خود و کارگران دائم تدریاً، در اتاقهای ۱۲ تا

۲۰ متر مربع که ارتفاع آن حتی به ۲ متر هم نمیرسد زندگی میکنند. گاها دیوارها نواحی که اعلامی با یکدیگر ندارند و ساکن این سولوها هستند که دهه ۲۰ تا ۱۲ نفر در تنگنای آنجا زندگی میکنند. کارفرمایان اتاقها را بنا بر سابقه کار، تعداد افراد خانواده و... به کارگران اجاره و حق تعیین افراد ساکن پس از آن به عهده آنها میباشد.

کارگران زحمتکش در همین اتاقهای محقر میخواهند، آشپزی می کنند و زنان بچه بدنیا می آورند و به اصطلاح زندگی میکنند. این اتاقها از کمترین امکانات نیز برخوردار نمیباشند. از آنجا شیکه تفاوتی در شرایط کار کارگران نسبت به قبل از قیام موجود نبوده، خیرادران فشار کارگران، وزارت کار مجبور به صدور دستورالعملهایی به کارفرمایان مانند: سفید کردن اتاقها، ایجاد حمام، ساختن چند توالت چنددوش (عمومی یا خصوصی)، ایجاد دستکوی رختشویی و ظرفشویی با چند شیر آب، احداث فروشگاه های شهروستا در مناطق اصلی، تعیین پنجره در اتاقهای بدون پنجره، گشته است.

کارفرمایان خونخوار رنجی از حق مسکن کارگران را با بت گرایه همین سولوها به جیب می زنند.

در محوطه کوره ها از بیماران و درمانگاه آمبولانس و داروخانه و... اطلاع رسانی نیست. یکی از کارگران منطقه محمودآباد می گفت که اگر زن کارگری بخواهد وضع حمل نماید و طرف غربی باشد باید خود را بپوشد و رفتن او ممنوع است، با بدزن حامله را توسط فرغان تا کناری رجا ده حمل نمودند و وسیله دیگری پیدا شود جان زن و بچه هر دو در خطر است.

آلودگی محیط کار و زیست:

محیط کار کارگران کوره پزخانه ها بشدت آلوده بوده و امراض جلدی و ریوی معمول و رایج است. علاوه بر آنها بیماریهایی چون یرقان، انواع انگل و چشم درد بکارگران و خانواده هایشان را تهدید می کند.

در کوره پزخانه ها بطور کلی دو دسته کارگر مشغول بکار هستند:

الف) کارگران دائم (آتشکار) که بر طبق نرخ سال ۵۹ که به ازای هر هزار رخت ۱۰۰۰ ریال پرداخت میشود، بصورت زیرمزد میگیرند: کارگران گل ساز، قالب زن و قالب کش هر کدام ۲۵۰ ریال. خشت جمع کن ۱۰۰ ریال و استادکار که ممکن است یکی از کارگران باشد، ۱۰۰ ریال حق استادکاری میگیرد، ۵۰۰ ریال باقی مانده بین گل ساز، قالب زن و قالب کش تقسیم میگردد. میزان متوسط کار این گروه در روز بین ۶ تا ۷ هزار رخت است.

بقیه در صفحه ۳۰

## کارگران مبارز کفش ملی دروغگویی مدیران دولتی را افشامی کند

"حوزه کاری کفش ملی" سازمان اعلامیه ای انتشار داده است که هیئت مدیره دولتی کارخانه را افشاء مینماید. خلاصه این اعلامیه را با اندکی تغییر در زیر می آوریم:

کارگران زحمتکش و مبارز کفش ملی ما به خوبی بیاد داریم هر بار که خواهستهای به حق خود نظیر افزایش دستمزد، حق تولید، سود، ویژه، عیدی، پاداش و... را مطرح کرده و دست به مبارزه زده ایم، هیئت مدیره دولتی کفش ملی آه و ناله سرداده و قسم! خورده است که: "وضع مالی ما پاک خراب شده، دیگر آهی در بر مساط نداریم، تولیدات زایل شده، گذشته بسیار پشیم - ترا شده است، جنگ و بحران اقتصادی بقه مان را گرفته و..."

اما دروغگو همیشه کم حافظه است. اطلاعیه زیر که افزایش تولیدات سال کفش ملی را نسبت به سالهای ۵۸ و ۵۹ نشان میدهد، گویای دغلیکاری و خیانت رژیم جمهوری اسلامی نسبت به کارگران است:

**فروش کارتنی**

بسته بندی مناسب تر، قیمت مناسب تر، ارسال سریع تر

به تلفن ۰۲۱۳۳۳۳۳۳۳ و شماره کارکنان، سفارش و دولت جمهوری اسلامی ایران تولید کفش ملی را در سال ۱۳۵۹ شروع کردیم. لذا ما را در فروش انواع تولیدات کفشی و ورزشی، انواع تولیدات کفشهای لاستیکی، انواع تولیدات کفشهای چرمی

شماره واحد فروش کارتنی: ۰۲۱۳۳۳۳۳۳۳۳  
تلفن: ۰۲۱۳۳۳۳۳۳۳۳

انقلاب اسلامی ۱۵ خرداد

طبق گفته خود اینان تولید و سود کارخانه چندین برابر سالهای قبل شده است. اما پول آن به جیب چه کسی رفته؟ ما کارگران که هیچ نمیبی از این سود سرآم آورنده و هر روز کمرمان بیشتر زیر فشار زندگی و مغایر کمر شکن آن خم میگردد. پس مسلم است که این میلیونها تومان سود کارخانه که از یکیدن شیر جان و خون ما کارگران بدست آمده است، به جیب کشاد دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی سرازیر شده است.

بیشتر می اینان حدی ندارد، ما بارها و بارها با گوشت و پوست خود لمس کرده ایم که بالا رفتن تولید کارخانه نه با میل و همکاری کارگران

بقیه در صفحه ۲۹

## شوراهای واقعی ایجاد باید گردد! شوراهای قلبی منحل باید گردد!



# خلق ها و مسئله ملی



## حزب دموکرات از کدام دموکراسی دم میزند؟

حزب دموکرات با ردیگر در ادامه دشمنی خود با کمونیستها، ۶ نفر از رفقای ما در بوکان را دستگیر و سپس آزاد نمود. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بوکان بنا بر تاریخ ۶۰/۳/۱۶ اعلامیه‌ای در این مورد منتشر کرده که ما قسمتی از آن را در اینجا می آوریم:

خلق رزمنده کرد!  
مردم مبارز بوکان و حومه!

سرتاجا همس از ۵۴ روز، رفقای ما که در زندان حزب دموکرات اسیر بودند آزاد گردیدند. تشکیلات بوکان حزب دموکرات که در این زمینه از سوی نیروهای انقلابی، نهادهای دموکراتیک، خانواده رفقا و... تحت فشار ریخته شده است. دنبال آزادی رفقای دربند ما، با ردیگری اعلامیه‌ای، عوام فریبانه همان اکاذیبی را که در اطلاعیه مورخه ۲۲ فروردین خود منتشر نموده بود تکرار کرده و دنبال آن با وه‌هایی درباره دموکراسی و آزادیهای دموکراتیک سر داده است. ما اولاً یکبار دیگر تحریفاتی را که تشکیلات بوکان حزب دموکرات در رابطه با واقعه شب ۲۱ فروردین انتشار داده رد کرده و آنرا توطئه دیگری بر علیه خود ارزیابی می‌نماییم که خود جدا از خط مشی کلی حزب در رابطه با نیروهای انقلابی نمیتواند با دشواری آن دموکراسی را نیز که حزب از آن دم میزند کاذب و بورژوازی میدانیم، چرا که این دموکراسی ادعای ما هیت خود را صرف نظر از مورد اخیر که جلوه‌ای بارز از آنرا مشاهده نمودیم با رها و به دفعات مکرر نشان داده است.

حزب دموکرات به دنبال تیراندازی افراد مسلح به دو نفر از هواداران ما، که در شب ۶۰/۱/۲۱ عازم خانه یکی از رفقای ما بودند، (آنهم درست در داخل کوچه‌ای که خانه این رفیق در آن واقع است) بطور حساب شده‌ای پس از یک ساعت تیراندازی هوایی بیهوده و زمینه سازی لازم خانه مذکور را محاصره کرده، بخشی از اموال آنجا را با غارت برده و رفیق ما حب خانه و چند تن از رفقای ما را دستگیر مینمایند، رفقای دستگیر شده را مورد ضرب و شتم و توهین قرار میدهند سپس آنها را با مزدوران رژیم، جاشها و... در یک بند قرار میدهند و حداقل حقوق آنها را بعنوان زندانیان سیاسی از آنان سلب مینمایند و در اطلاعیه‌ای سراپا تحریف و دروغ از رفقای ما بعنوان عناصر مشکوک با میکنند و... بدینسان حزب گوشه‌ای از "دموکراسی" قد -

## "شورای مرکزی سنت": توطئه‌ای علیه خلفهای کرد، بلوچ و ترکمن! و سکوت خائنانه فدائیان (اکثرت) در قبال سابقه سردمداران آن

طبقه‌ای رژیمهای ارتجاعی را وحشیانه سرکوب می کردند. و اکنون که در روند قبضه شدن تمام مواضع قدرت در دست حزب جمهوری اسلامی از یکسوم منافع خود در قدرت سیاسی را در مغاظره بی بیندوا از سوی دیگر نظارت‌های استعماری انقلابی توده‌های زحمتکش و خلقهای استمده ایران هستند پرچم عوام فریبی را برافراشته و با "خود مختاری" خواهی و عنوان کردن "رفع ستم ملی - مذهبی - طبقاتی" در صدد تحمیل و سوار شدن بر جنبش توده‌ها برآمدند.

شورای مرکزی سنت "وتشکلات ارتجاعی و فذخلقی نظیر آن از جمله "وحدت اسلامی بلوچستان" می کوشند بمواضع تلاشهای لیبیرالها در جهت سوار شدن بر جنبش توده‌ای و همسویی صوری و عوام فریبانه آنها با توده‌ها، و منحرف کردن مبارزات زحمتکشان و خلقهای استمده در جهت تامین منافع طبقاتی خود بر علیه حزب جمهوری اسلامی، برانقلاب توده‌ای مهار زده و سیستم سرمایه داری وابسته را از آسیب توده‌ها مصون نگهدارند. در شرایطی که هر روز بیش از پیش توده‌های زحمتکش و خلقهای استمده ما که در اثر فشار طاقت فرسای بحران اقتصادی گرانی، بیکاری و گرسنگی و عوارض فلاکتبار ناشی از جنگ از یکسوم سرکوب مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای استمده از سوی رژیم و افشاگری و کارآگاه - گرانه کمونیستها و نیروهای انقلابی از سوی دیگر، به ما هیت فذخلقی حزب جمهوری مینمایند به جناح کاملاً مسلط در هیئت حاکمه پی برده و در مقیاسی وسیع به مهار زده بر علیه آن کشته می شوند، "شورای مرکزی سنت" و خلقهای استمده بر علیه سالها ستم ملی -

اخبار ارتجاع محلی کردستان، ترکمن و بلوچستان، در بلوچستان تشکیلاتی بنام "شورای مرکزی سنت" (شمس) ایجاد کرده و بغداد اساساً به موقت خود را بشرح زیر اعلام کرده اند: "احیای امت واحد اسلامی و زدودن مظالم و تفرقه از قیافه امت، فعالیت پیگیر برای رفع ستمهای مذهبی، ملی و طبقاتی، اصلاح اصول قانون بخصوص اصل دوازده، در تعیین ائمه جمعه و حاکم شرع در مناطق سنی نشین باید بانظر مردم محل و تأیید این شورا باشد". (تلخیص از انقلاب اسلامی ۲۲ فروردین ۶۰).

سردمداران این شکل ارتجاعی، احمد مفتی زاده از کردستان و مولوی عبدالعزیز از بلوچستان می باشند. تشکیل شمس از طرف این عناصر مورد حمایت لیبرالها نیز قرار گرفته است. همچنانکه از مفاد اساساً ماه شمس برمی آید، شورای مرکزی سنت قبل از هر چیز، تحمیل توده‌ها و خلقهای استمده و مهار زدن بر جنبش انقلابی و منحرف نمودن آن در جهت منافع خود را وظیفه خود قرار داده است.

رهبران این جریان از رفع ستم مذهبی ملی - طبقاتی دم می زنند و با مستمک قرار دادن این خواسته‌های برحق خلقهای استمده کرد، ترکمن و بلوچ می خواهند دستهای آلوده بخون خود در کشتار خلقهای ایران، طی دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی را پوشیده نگهدارند. حال آنکه کیست که نداند همین عناصر ارتجاعی تشکیل دهنده شورای مرکزی سنت همانها هستند که بهنگام کشتار خلقها و انقلابیون کرد و ترکمن و بلوچ، با بیای تمام جناحهای رژیم و ارگانهای سرکوبگران، مبارزات انقلابی و خلقهای استمده بر علیه سالها ستم ملی -

### حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



انقلابی خود را انعکاس میدهد و آنگاه که بر اثر افشاکری و فشار نیروهای انقلابی و... مجبور به آزادی آنان میگردد به "دمکرات نمائی" با شگرد مخصوص خود میپردازد.

### اشغال انقلابی قسمتهائی از مهاباد و ضربات پیشمرگان کومله بردشمن

۶۰/۳/۱۳ در این روز ۵ دسته از پیشمرگان کومله: ازبیل شهید محمدحسین کریمی پهل شهیدخانه و دسته سه چوارچا و وارد شهر مهاباد شدند. در ساعت ۷ بعد از ظهر محله های جامجم - سآسیاب - باغ سیسه - به رادش - غیا بان پهلوی سابق و غیا بان حافظ را به کنترل کامل خود درآوردند و به کسین نیروهای دشمن نشستند.

در همین اثناء مزدوران رژیم که سوار بر ماشین در داخل شهر به گشت زنی می پرداختند، به کمین پیشمرگان انقلابی کومله می افتند و زیر آتش سلاحهای آنان قرار میگیرند.

این نبرد از ساعت ۷ تا ۹ شب ادامه پیدا میکند.

در جریان درگیری، مواضع پیشمرگان توسط ارتشیان مستقر در تپه "دانشا مجید" بشدت با سلاحهای سبک و سنگین کوبیده میشود و بسیاری پیشمرگان با شجاعت کم نظیری در حالیکه مردم شهر آنها را باری میدادند و برایشان غذا، شیرینی، نوشابه می آوردند، سرخشان به نبرد ادامه میدادند.

نظام انقلابی پیشمرگان و تهور و جسارت آنان در همان حال که تحسین مردم شهر را برانگیخته بود، رعب و هراس در دل نیروهای دشمن افکنده بود.

در این نبرد - بیش از ۱۰ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی شدند. همچنین پیشمرگان توانستند یک دستگاه ماشین سیمرغ، یک دستگاه ماشین لندرور، ۴ قبضه - ۳ و مقدار قابل توجهی مهمات را از دشمن به غنیمت بگیرند و به همراه یک افسار رتشی که در جریان درگیری به اسارت درآمده بود، از شهر خارج نمایند. در این عملیات به هیچیک از پیشمرگان آسیبی وارد نشد و مدومگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند. در جریان این عملیات پیشمرگان مورد استقبال پر شور مردم قرار گرفتند. (خبرنامه ۱۲۷ کومله)

### بقیه از صفحه ۵ شورا ...

و دستجات ارتجاعی نظیر آن، به تبعیت از تکابوی لیبرالها جهت سوار شدن بر امواج مبارزات توده ها در هیئت مخالفت با جمهوری اسلامی خود را "مدافع خواستهای سر حق خلقهای ستمدیده قلمداد می کنند. حال آنکه با اندکی تأمل در ماهیت و سوابق خیانت بار و جناحیاتی که سردمداران این تشکیلات تا کنون مرتکب شده اند، می توان اهداف خائنه آنها را با زشاعت "شورای مرکزی سنت" چه از نظر ترکیب درونی و چه از نظر برنامہ سیاسی آن اشتلاقی است از ارتجاع عیون محلی کردستان.



ترکمن صحرا و بلوچستان که قبل از آنکه مخالف جناح حزب جمهوری اسلامی باشند، برای سرکوب کمونیستهای و انقلابیون و خلقهای ستمدیده، بیباک و در مقابل انقلاب مفاآرایی کرده اند. این دارو دسته در پی آنند که حرکت انقلابی توده ها را پلکان رسیدن به منافع خود از طریق شرکت در قدرت و بهره وری از استثمار زحمتکشان قرار دهند. از سوی دیگر "شورای مرکزی سنت" بخوبی برای این مسئله واقف است که اگر جنبش انقلابی خلقهای ستمدیده و توده های زحمتکش ایران که اکنون عمدتاً حزب جمهوری را هدف قرار داده اند در روند روبه تکامل خود و در صورت شکل توده ها حول سیاست کمونیستها کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تعرض قرار خواهد داد و این چیزی است که نمی تواند وحشت ارتجاع اپوزیسیون محلی و فئودالها، خوانین و مولویها و مفتی های مرتجع را بر بنیان بگیرد. بر مبنای همین واقعیت شورای مرکزی سنت خواهان تجدید نظر در اصل ۱۲ قانون اساسی و تنظیم قانونی می باشد که ضمن مجاز شمردن هرگونه ستم ملی - طبقاتی بر خلقهای ستمدیده کرد و ترکمن و بلوچ، مذهب سنی را نیز جزو مذهب رسمی کشور محسوب نموده و تحت همین پرش، ارتجاع سنی مذهب را در اجرا و بهره گیری از ستم و استثمار روگشتار و جناحیت شرکت دهد. نگاهی به بخشی از مفاآر اساسی ما موقست "شمس" جای هیچگونه تردید در ماهیت ارتجاعی این تشکیلات باقی نمی گذارد: "اشمه جماعت و حاکم شرع در مناطق سنی نشین باید با نظر مردم محل و تائید این شورا باشد" در تحلیل

این خواسته روشن است که این دارو دسته، خواهان کسب امتیازاتی از رژیم در جهت ستم و تحکیم قدرت اجرایی ارتجاع محلی در کردستان و ترکمن صحرا بویژه در مناطق سنی نشین آن می باشد تا از این طریق با انتخاب "اشمه جماعت و حاکم شرع" خود، بجای حاکمان و جلادان شرع وابسته به حزب جمهوری اسلامی، دستگیری، شکنجه و اعدام کمونیستها و انقلابیون و سرکوب و گشتار خلقهای ستمدیده را پیش ببرند. البته مترجمین شورای مرکزی سنت در گشتن کمونیستها و انقلابیون و توده های زحمتکش کرد، ترکمن و بلوچ چندان هم بی تجربه نیستند. مشارکت فعال مفتی زاده در گشتار خلق کرد و حمایت او از اعدام انقلابیون کردستان در سال ۵۸ و ازبیل ۵۹، شرکت روحانیون سنی و شیعی ترکمن صحرا در گشتار خلق ترکمن و مبارزین و انقلابیون ترکمن - صحرا در جریان دو جنگ خلق ترکمن با رژیم و رهبری مولویهای مرتجع در جریان تهاجم وحشیانه به داناگه و دستگیری و شکنجه و ترور و اعدام کمونیستها در بلوچستان، از جمله جناحیاتی است که سردمداران شورای مرکزی سنت در گذشته انجام داده و تجربیاتی در این زمینه کسب کرده اند!

تشکیل شورای مرکزی سنت با مخالفت حزب جمهوری اسلامی و کاسه لیبستان آن، رویزبونیستهای خائن اکثریتی نیز مواجه شده است. برای اینکه ما مرز بین موضع انقلابی خود با موضع ارتجاعی و ضد انقلابی رویزبونیستهای خائن اکثریتی در مقابل "شورای مرکزی سنت" را روشن کنیم، فاشی اهداف این سازمان در برخورد به شورای مرکزی سنت را ضروری میدانیم. چاهین دارو دسته خائن، در برخورد به جریان ناتی نظیر شورای اهل سنت، همگان لاطا ثلاثی را نشواری میکنند که حزب جمهوری اسلامی مطرح میکند. سازمان فدائیان اکثریت "شورای مرکزی سنت" را عامل امپریالیسم که قصد ایجاد شوب در مناطق سنی نشین دارد معرفی میکنند (کا را کثرت ۱۱۰) آنها میگویند: "مهرا ملی در این میان (در تشکیل شورای مرکزی سنت - پیکار) احمد مفتی زاده است... که پس از آنکه پسرده از جناحیاتی در کردستان برداشته شد به پاکستان گریخت... همکار مفتی زاده مولوی عبدالعزیز است که در نزد مردم بلوچستان سابقه شناخته شده ای دارد... مدتی در اروپا بسر برده و اخیراً به ایران بازگشته است" (همانجا) رویزبونیستهای اکثریتی خائن به طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده کرد، ترک و بلوچ و... از گشتن حقایق گذشته به توده ها وحشت دارند. آیا ماهیت مفتی زاده، مولوی عبدالعزیز و روحانیون سنی مذهب ترکمن صحرا تغییر کرده که آنها این چنین مغضوب حزب جمهوری اسلامی و به تبع آن فدائیان اکثریت گشته اند



بقیه از صفحه ۳ احیای روابط ...

صنعتی گام اساسی بردارد.

همچنین :

" مسئولان وزارت کار می گویند ما ابتدا باید در کشور صنعتگری داشته باشیم تا از طریق صنعتگران بتوانیم صنایع خود را رشد دهیم. بنا بر این از نظر وزارت کار احیای سیستم "استاد-شاگردی" گامی در جهت تبدیل سیستم کارخانه داری به سیستم صنعتگری است. "

بدین ترتیب طراحان طرح مذکور با ولا و ابستگی سیستم سرما به داری کشور به کل سیستم سرما به داری جهانی (امپریالیسم) را متحد اسیر بودن در چنگال تکنولوژی و ادواتی "بنا به عبارت دیگر تا حدوا ابستگی تکنیکی کشور، تنزل می دهند. ثابنا و ابستگی را صرفا معلول فقر صنعتی جلوه میدهند، درحالیکه جمعه-وری دمکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر علیرغم وجود همین فقر صنعتی می تواند و ابستگی را از بین ببرد. بدین ترتیب از طرفی اعمال خود را در جهت تعمیم و ابستگی (بستن قرارداد های متعدد با امپریالیستها و ...) تطهیر کرده و از طرف دیگر با خاک پا شدن در چشم توده ها، تلاش می نمایند تا از طریق پیشبرد طرح خود به اصطلاح "تربیت و آموزش متخصص صنعتی" آنهم بشیوه مورد نظر خود، کل سیستم سرما به داری وابسته ایران را از تعرض انقلابی توده ها مصون نگه دارند.

اما شیوه ای که طرح "استاد- شاگردی" برای رسیدن به هدف مذکور، پیشنهاد میکند چیزی نیست جز بازگشت به اشکال ابتدایی و سنتی صنعتگری که در آن صنعت محدود و عمدتاً دستی در کارگاهها رایج بود و صاحب کارگاه (استادکار) تجربیات و کارگاه خود را به شاگردانش منتقل می نمود. ویژه گی طرح وزارت کار، نفی تمرکز صنایع کارخانه ای و پراکنده کردن آنها می باشد. ارتجاعی بودن این طرح بقدری واضح بود که طراحان آن سرا ب فکر "توجه" آن انداخته است. در همین رابطه معاون وزیر کار می گوید :

" ما اول باید یک ظرفیت صنعتگری داشته باشیم و بعد صنعتگران باید صنایع سنگین بسازند... بنا بر این احیای سیستم استاد- شاگردی را به معنای احیای صنایع ملی که الزاماً عقب افتاده باشند، نباید تلقی کرد. ما به هیچوجه معتقد نیستیم که ابزارهای ابتدایی را باید در صنایع سنتی بکار گرفت. "

■ - کیهان ۶۰/۳/۴ صفحه "گزارش" - تا کید-  
ها از بیک راست .

از این گفته چند مطلب روشن می شود: نخست آنکه هدف طراحان حزبی "نظام استاد- شاگردی" از احیای صنعتگری سنتی و روابط مربوطه آن، نفی کامل صنایع سنگین نیست بلکه آنها در شرایط فعلی که از طرفی صنایع کشور دچار رکود، تعطیلی، با زده می کم و ... ناشی از بحران هستند و از طرف دیگر مبارزات روز افزون کارگران بخصوص در بخشهای متمرکز صنایع همچون خاری در چشم رژیم بیشتر فرومی رود، راه نجات سیستم و رژیم خود را در از هم پاشاندن صنایع متمرکز که نتیجه اش تلاشی طبقه کارگراست و سازماندهی صنعتگری سنتی (البته نه با ابزارهای ابتدایی!) به جای آن، می بینند. طراحان طرح مذکور بر این باورند که در آینده بتوانند صنایع سنگین

گذشتگان، اصولاً در بخش صنایع سنتی اخلاق و وجدان کارمورد توجه است و به همین علت کارآیی و قدرت تولیدی واحدهای شاغل نسبت به بخش صنایع مدرن رفاهت بخش تیر میباشد... در سیستم اقتصادی و اجتماعی سنتی، استثماریسم کمتر از سیستم وارداتی است. "

در این جا است که کلام مدافعان احیای "نظام استاد- شاگردی"، از پس عینت پودا زبهای عوام فریبانه رخ می نماید. آنها اولاً با دریاغ سبزشان دادن به کارگران زحمتکشی که زیر فشار رشد به بحران اقتصادی، در آستانه فقر و فلاکت قرار دارند، وعده "توزیع عادلانه تر درآمد" میدهند. گویی در نظامهای استثماریسم و طبقاتی میتوان از توزیع عادلانه



درآمد سخن گفت که آقایان وعده توزیع عادلانه تر درآمد را توسط احیای روابط پوسیده گذشته میدهند! توزیع عادلانه درآمد زمانی به واقعیت تبدیل خواهد شد که بساط مشتی استثماریسم از جا معبر چیده شده و کارگران و زحمتکشان بزرگوار را ستین خودتاما می قدرت وارد دست گرفته و بسوی محوطبات گام بردارند.

ثابنا - علت این "عادلانه تر" تقسیم شدن درآمد بیکری سنتهای مقبول برجاست مانده از فرهنگ گذشتگان "هرمی شمارند که مقبولیت آنها در "اخلاق و وجدان کار" است که موجب افزایش کارآیی و قدرت تولیدی واحدهای شاغل می گردد. آری، کلام اینها است! اگر کارگران در شرایط کنونی بسادگی تن به استثماریسم نمی دهند، اگر برای بهبود شرایط زندگیشان دست همپا زده می زنند، اگر بخاطر تمرکزشان در بخش های صنعتی، می توانند متحداً در مقابل سرمایه داران با بایستند و اگر تمام این عوامل موجب کاهش کارآیی و قدرت تولیدی "صنایع و در نتیجه کاهش سودآوری سرما به داران می گردد بیکری سنتهای مقبول برجاست مانده از فرهنگ

و متمرکز را بشیوه خود ایجاد کنند. آنها برای فریب توده ها نام صنایع را که بدین شیوه بوجود می آیند "صنایع ملی" می گذارند، که گویا الزاماً "عقب افتاده" نیستند. به عبارت دیگر برای آنکه مبادی روزی از این بازگشت به اشکال فئودالی صنعتگری، تریسی بدل راه دهد، مبلغین طرح مذکور، با آور می شوند که آنها به هیچوجه در صد نفی صنایع مدرن و متمرکز بطور کلی نیستند و تنها در صد استفاده موقتی از اشکال صنعتگری سنتی برای مقابله با بحران، می باشند. در رابطه با توجه "این طرح و دفاع از آن، مسئولان وزارت کار می گویند :

" معمولاً در بخش صنایع سنتی کالاهایی تولید میشود که اغلب مورد نیاز ضروری اقصاد جامعه است. اما در بخش مدرن و وارداتی کالاهایی ساخته می شود که چندان ضروری نیست. در بخش سنتی تولید صنعتی، توزیع درآمد عادلانه تر از بخش مدرن انجام میشود زیرا در بخش سنتی آنچه که تولید می شود، به مصرف می رسد. و در توضیح چگونگی این "توزیع درآمدها عادلانه تر" می افزایند: " معمولاً بر اثر بیکری سنتهای مقبول برجاست مانده از فرهنگ





در عوض مدافعان احیای صنعتگری سنتی، به سرمایه‌داران این نوید را می‌دهند که در صورت اجرای طرحان، «سنتهای مقبول» گذشته یعنی اطاعت بی چون و چرای کارگران از کارفرما و تن دادن به هرگونه استثماری و بی‌تحت‌عنوان «اخلاق و وجدان کار» احیای خواهد شد.

از سوی دیگر مدافعین طرح مذکور برای فریب کارگران، از «استثما ربه مراتب کمتر» آنها در صنعتگری سنتی دم می‌زنند در حالی که کارگران را با لاف زدن سود سرمایه‌داران بقیمت پایین آمدن سطح زندگی کارگران و افزایش درجه استثماریشان می‌باشند و نتیجه «اخلاق و وجدان کار» کارگران (یعنی کار بیشتر کردن و مزد کمتر خواستن آنها)، نیز چیزی جز این نیست.

این مسئله زمانی مشخص می‌شود که معاون وزارت کار در دفاع از چگونگی پرداخت دستمزد در طرح مذکور می‌گوید:

«قرارداد کارآموزی با توافق و تراضی طرفین منعقد می‌شود. بنا بر این عالیترین حق شخص را برای تصمیم‌گیری راجع به زندگی خودش رعایت میکند. «همچنین» شاگرد بطور کامل بپیمه خواهد شد و دستمزدی به توافق طرفین دریافت خواهد کرد.»

بدین ترتیب می‌بینیم که اولاً کارگر به «شاگرد» و سپس به «کارآموز» تبدیل می‌شود. با توجه به آنکه کارفرمایان بخش بزرگی از مزد کارآموزان را (که چه بسا مانند یک کارگر رسمی کار می‌کنند)، به بهانه عدم پایان دوره کارآموزیشان که بر طبق تصمیم وزارت کار تا ۳ سال می‌تواند طول بکشد، بجهت خود می‌ریزند، روشن می‌شود که چه شرایط مساعدی برای بهره‌کشی هرچه بیشتر سرمایه‌داران فراهم می‌گردد.

شاید تا کنون شما و من و وزیر کار بر «توافق طرفین» در تعیین دستمزد که حتی آنرا به عنوان عالیترین حق شخص برای تصمیم‌گیری راجع به زندگی خودش «قلمداد می‌نماید، عوام‌فروشی بشیرمانه‌ای بیش نیست. چرا که زمانی می‌توان از حق تصمیم‌گیری آزادانه در توافق طرفین صحبت بمان آورد که شرایط یکسانی بر طرفین حاکم باشد. در صورتیکه در این «توافقی» که معاون وزارت کار از آن نام می‌برد یکطرف کارگران قرار دارند که در اثر بحران حاد اقتصادی جامعه در آستانه فلاکت و تلاشی بسر می‌برند و در طرف دیگر، سرمایه‌داران هستند که حاکمیت اقتصادی و سیاسی را با تمام دستگا‌های عریض و طویلش در دست دارند. در یکطرف کارگران و زحمتکشان برای ادامه حیات

خود، بدنمال کار و تا مین لقمه نانی هستند و در طرف دیگر سرمایه‌داران سود هرچه بیشتر خود را در گرو استثمای هر چه وحشیانه‌تر کارگران می‌بینند. آیا در چنین شرایطی می‌توان از حق تصمیم‌گیری آزادانه کارگران برای انعقاد، قرارداد کار با سرمایه‌داران، صحبت کرد؟ آیا این آزادی همان نیست که بقول آموزگار کبیر طبقه کارگر، ما رگس، آزادی کارگران برای فروش نیروی کار و آزادباشان در استثماری است؟!»

البته اجرای این طرح از جانب وزارت کار رژیم نیز بدون اشکال نیست. در اطلاعیه‌ای که روابط عمومی وزارت کار برای «توجیه» طرح مذکور صادر کرده است، یکی از این اشکالات بدین صورت آورده شده است:

«در صورتیکه الزامات و تعهدات یکسان و یکنواختی نسبت به کارگر و کارآموز وجود داشته باشد، از لحاظ منطقی کارفرما می‌تواند چنین شرایط و روابطی برای استخدام فرد به عنوان شاگرد و یا کارآموز، بنا قید و توجیه است.»

بنا بر این وزارت کار که خود معترف به ناسازگاری کارگر و کارآموز در پرداخت دستمزد است قصد خود را از تبدیل کارگران به شاگرد (با کارآموز) که چیزی جز پابین آوردن دستمزدشان نیست، آشکار ساخته و مهم‌تر از آن با دفاع از منطقی کارفرما می‌تواند، ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی را که خود وابسته به آن است عریان می‌سازد. به عبارت دیگر بر طبق اطلاعیه وزارت کار، از آنجا که «منطقی کارفرما می‌تواند حکم می‌کند که به کارآموز (ولو اینکه به اندازه کارگر از وی کار بکشند)، کم‌تر از کارگر دستمزد بدهند، و از آنجا که بر طبق طرح «استاد-شاگردی» وزارت کار، بسیاری از کارگران به شاگرد یا کارآموز تبدیل می‌شوند و یا اینکه کارفرما می‌تواند بجای کارگر، کارآموز استخدام کند، «منطقی» بوجود می‌آید که عبارت است از وجود شاگردان (با کارآموزان) جدید با حقوق کارگران! طبعاً راه حل این مشکل نیز بر طبق «منطق کارفرمایی» وزارت کار بصورت پابین آوردن دستمزد آنها تا سطح کارآموز خواهد بود و بدین ترتیب است که هدف اصلی رژیم یعنی پابین آوردن سطح زندگی کارگران و استثمای هر چه بیشتر آنها، عملی خواهد شد.

بر طبق گفته مدافعان طرح مذکور یکی از هدفهای عمده‌ای که این طرح دارد این است که استادان را اگر شاگرد گرفت، شاگرد ادعای مالکیت کارگاه را نخواهد کرد.»

بدین طریق است که به کارفرما پیمان اطمینان داده می‌شود که برخلاف نظام استاد-شاگردی «در جوامع ما قبل سرمایه‌داری که شاگرد هم تجربه و هم کارگاه استاد خود را به

روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۶: تاکید از پیکار است.

ارث می‌برد، در این طرح، کوچکترین خطری مالکیت کارفرما را تهدید نخواهد کرد و «شاگرد» اگر چه چنین نامی گرفته است در واقع همان کارگر است. به عبارت دیگر آن قسمت از روابط استاد-شاگردی که حقوق شاگرد را محدود کرده و او را وادار به اطاعت از استاد خود می‌نماید، در طرح وزارت کار رخنه شده است و بالعکس آن قسمت از حقوق شاگرد که مربوط است به جانشینی وی بجای استاد، در طرح مذکور جای ندارد!

واقعیات این است که تنها راه حل بحران عمیق کنونی از نظر سرمایه‌داران، انتقال هر چه بیشتر فشار آن بردوش کارگران و زحمتکشان می‌باشد و این اجتناب‌ناپذیری است. در این زمینه نیز در یافته‌اند. منتها هر یک بر طبق منافع ویژه خود، شیوه‌های متفاوتی برای رسیدن به این راه‌بردیش گرفته‌اند و گرنه در اساسی راه‌بسیار یکدیگر اختلافی ندارند. بنا بر این طراحان احیای نظام استاد-شاگردی «و نیز همانطور که دیدیم هدفی جز افزایش استثماری کارگران و خفه کردن مبارزات حق طلبانه‌شان ندارند! لیکن رشد سرمایه‌داری در ایران از طریق گسترش مبارزات طبقه کارگر از طرف دیگر، اجازت نخواهند داد که این روابط بغایت عقب مانده و سنتی در صنایع احیا شوند از این رو این طرح ارتجاعی که زمه‌های اجرای آن آغاز شده است، از هم اکنون محکوم به شکست بوده و تلاش در جهت پیاده کردن آن شمره‌ای جز تسریع انحطاط رژیم حاکم را در بر نخواهد داشت.

بقیه از صفحه ۲۶ دهها...

نا بر این میان کارگران و پساداران ادامه می‌یابد و مزدوران سرمایه، دهه‌ها تن از کارگران مبارزان دستگیری نمی‌یابند. بطوریکه مرتجعین حاکم خود در ارگان خویش خبر از دستگیری ۱۵۰ کارگر می‌دهند. این جنایتکاران پس از آنکه با یورش به مطبوعات و آزادیهای دمکراتیک، تنها امکانات تبلیغاتی و خبررسانی را در چنگ خود می‌گیرند، بشیرمانه‌ای می‌کنند که نظایرت چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی کار «عده‌ای وابسته به گروهکها» بوده و تنها یک کارگر آنهم بدست «گروهکها» کشته شده است!! زهی وقاحت و بیشرمی!! اما توده‌های زحمتکش ایران بیش از این به ماهیت دار و دسته مرتجع حاکم‌پس‌برده‌اند که اینگونه نعل وارونه‌زدن‌ها و تلاشهای مذبوخانه‌موشرواقع شوند.

سنگ و نفرت بر جناحیتکاران و سرکوبگران طبقه کارگر!

با تمام قوا از مبارزات کارگران برای کسب آزادیهای دمکراتیک حمایت کنیم! پیش بسوی ایجاد طبقه کارگر! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

# اخبار مبارزات توده‌ها



## زحمتکشان شاطرآباد: "برق توایم، نان توایم، آب توایم"

(برق می‌خواهیم، نان می‌خواهیم، آب می‌خواهیم)

کارگران وزحمتکشان قهرمان شهر!  
روزشنبه ۱۶ خرداد ۶۰، صدها تن از مردم شاطرآباد برای بدست آوردن خواسته‌های ابتدائی و اولیه‌شان، یعنی آب، برق و نان، دست به تظاهرات زده و یکمدا فریاد برمی‌آوردند: "برق توایم، آب توایم، نان توایم". در این تظاهرات که زنان و کودکان نیز شرکت داشتند، در طی مسیر خود با استقبال مردم روبرو شدند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که طبق معمول تاب تحمل هیچ اعتراضی را نداشتند، به‌صفت تظاهرکنندگان حمله کردند که با مقابله زحمتکشان شاطرآباد مواجه شده و چندین نفر مجروح گردیدند. شاطرآباد از محلات فقیرنشین قهرمان شهر است که ساکنان آن حتی از ابتدائی ترین وسائل زندگی محروم میباشند. تظاهرات روز شنبه، نشانه خشم و کینه زحمتکشان شاطرآباد

نسبت به رژیمی بود که حاضر نیست ابتدائی ترین امکانات زندگی را در اختیار آنها بگذارد و در عوض میلیاردها تومان از حاصل رنج و زحمت همین مردم را صرف خرید سلاح می‌کند و جنگی را به مردم ما تحمیل کرده است که با رتوانفرسای آن بردوش زحمتکشان مینماند. سنگینی میکند. زحمتکشان شاطرآباد:

اجرای واقعی مطالبات شما، از عهده چنین رژیمی بر نمی‌آید. تنها رژیمی که کارگران وزحمتکشان و خلقهای محروم ایران خود تشکیل دهند آن باشند، می‌توانند در جهت تحقق خواسته‌های خلقهای ستمدیده ایران که بیک کلام "نان، مسکن، آزادی" است قدم بردارد.

به نقل از: اعلامیه تشکیلات قهرمان شهر  
با اندکی تغییر و تلخیص  
۶۰/۳/۲۲

## بار دیگر، سرکوب دهک داران!

روزیکشنبه ۶۰/۳/۱۰ پاسداران سرمایه بار دیگر به دهکداران و نوآفرینان خیابان مصدق حمله نموده و چند نفر را دستگیر کردند. مردمی که تا هجریان بودند به هو کردن پاسداران و اعتراض به این عمل آنها پرداختند و با وجود تیراندازی هوایی پاسداران، حاضر نشدند برانگیزه شوند. سپس دهکداران بعنوان اعتراض به این عمل پاسداران، دست به یک راهپیمائی زدند که در طی آن شعارهای "پاسدار، پاسدار، حامی سرمایه دار"، "کار، کار، حق مسلم ما ست"، "مرگ بر چماق دار، نوکیر سرمایه دار" و... را میدادند. دهکداران زحمتکش علیه رژیم سرکوب رژیم و بورشهای وحشیانه پاسداران که در حمایت از سرمایه داران صورت می‌گیرند با اتحاد مبارزاتی به مقاومت در برابر توطئه‌های رژیم ادامه می‌دهند. مبارزه آنان برای حق کار و فعالیت شغلی بخشی از مبارزات دمکراتیک توده‌های زحمتکش علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

## اخباری از جنبش معلمین - بروجرد

۶۰/۳/۸ - بنا به دعوت شورای هماهنگی موقت معلمین اخراجی - آمده بخدمت و فارغ التحصیلان اخراجی دانشسراهای بروجرد، معلمین در اداره آموزش و پرورش گرد آمدند. در طی این گردهمایی، علاوه بر صحبت‌های یکی از معلمین اخراجی مبنی بر ضرورت تداوم حرکت گذشته و تاکید بر پشتیبانی همکاران شاغل، بندی دال بر استخدا مهای بی رویه افسران "مکتبی" بجای معلمین پاکسازی شده و تئوسز تعهدنا مهای ساواک گونه، افشاء گردید.

۶۰/۳/۱۸ - در این روزها ردیگر معلمین و فارغ التحصیلان به همراه خانواده‌های خود و عده‌ای از معلمین شاغل در اداره آموزش و پرورش اجتماع کرده و خواستار حضور رئیس اداره در جمع خود میشوند. وی برای فرار از پاسخ گوئی به سئوالات اجتماع کنندگان، خواهان مذاکره با نماینده آنان میگردد؛ اما مورد قبول جمع قرار نمی‌گیرد. در این فاصله سه تن از ما در آن اخراجی هادر رابطه با اخراج فرزندان نشان صحبت مینمایند که مورد استقبال حاضرین قرار می‌گیرد. پس از آن عده‌ای از او با شان رژیم بدستور رئیس مرتجع اداره به اجتماع کنندگان که حدود ۲۰۰ نفر بودند، با سنگ و کلت حمله ور میشوند. در تمام مدت درگیری شهرتانی هم حضور داشته و عملاً با عدم معانعت از درگیری، همکاری

## دستگیری و شکنجه، بجرم کوهنوردی!

ما با بدن خونین او که در اثر ضربات متعددی کابل کبود شده بود، روبرو گشتیم... از آن روز تا بحال، از کار روزندگی افتاده ایم و در بستر زندانها شده ایم... خبر آخری که داشتیم خبر شکنجه آنها و انتقال عده‌ای از آنها به قزل - حمار بود. طبق گفته مسئولین دادستانی انقلاب آنها هیچ مدرکی بر علیه فرزندان ما ندارند. همشهریان مبارزان!

دادستانی انقلاب حرف از محاکمه فرزندان ما می‌زند. حرف ما اینست که وقتی که هیچ مدرکی بر علیه آنها ندارند و حتی آنها می‌توانند آنها را نجات دهند، چرا می‌خواهند آنها را محاکمه کنند؟ ... تا آزادی آنان، ما به تحمیل خود در مقابل دادستانی انقلاب ادامه خواهیم داد و چشم امید به همشهریان مبارزان دوخته ایم تا با حمایت خویش و اعتراض علیه دستگیری و زندانی کردن فرزندانمان ما را یاری رسانند.

خانواده‌های ۲۳ نفر زندانیان نسیگناه زندانهای دادستانی انقلاب عظیمیه و قزل حمار  
۶۰/۳/۲۰

خانواده‌های ۲۳ نفر از کسانی که در تاریخ ۱۵ خرداد بجرم کوهنوردی دستگیر شده‌اند اخیراً اعلامیه‌ای داده اند که در زیر به نقل قسمتهائی از آن می‌پردازیم:

"روز جمعه ۱۵ خرداد، فرزندان ما که پس از یک هفته کار مداوم و خستگی به کوهنوردی در اطراف کرج رفته بودند، هنگام بازگشت به شهر، توسط سپاه پاسداران، همگی آنها که ۲۴ نفر بودند دستگیر و به زندانهای دادستانی انقلاب و عظیمیه برده میشوند. جمعی شب ما نگران از نیا مدن آنها با سپاه پاسداران و شهرتانی تماس گرفته که هر دو به جای گفتن حقیقت و رفع نگرانی ما، از این موضوع اظهار رسمی اطلاعی کردند. بعد از بیگیری فهمیدیم که فرزندانمان در زندان دادستانی انقلاب و عظیمیه زندانی هستند و به دادستانی انقلاب رفتیم. در جواب سئوالات و اعتراضات ما، پاسداران یکی از ما در راه را زیر مشت و لگد گرفته و وارد داخل جوی آب انداختند.

روز شنبه یکی از فرزندان ما که ۱۱ سال بیشتر ندارد در اثر فشار روانی خانواده اش آزاد گردید.

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتاییم

### وقایع اخیر "زرین شهر" رژیم را پیش از پیش افشا و رسوایی کند!

بخشهایی از اعلامیه تشکیلات افغان در مورد وقایع اخیر زرین شهر:

● مدتی پیش رئیس دادگاه "زرین شهر" که فردی دزد، باج بگیر و رشوه خوار و لایزالاخره نوکر و سرسپرده سرما به داران بود، بدروستی مورد نفرت و انزجار شده های زحمتکش "زرین شهر" قرار میگرفت. رژیم وقتی می بیند گند کار در آمده و دیگر نمیتواند فسادا در پیش "دادگاهش" (بخوان بیدادگاهش) را لاپوشانی کند تحت فشار توده ها تصمیم میگیرد تا مرده را دستگیر و بازداشت نماید. و بدین طریق میکوشد تا برای خود تبلیغ کرده و ذهن زحمتکش را نسبت به ماهیت خود منحرف نماید. اما پس از چند روز که این شخص فاسد را آزاد میکند، دستش برای مردم دروغه و رسوا میگردد.

● مدتی پیش در یکی از خانه های زرین شهر بمبئی منفجر شد که منجر به خراب شدن و کشته شدن شخصی بنام احمددا من پاک که فرزند یکی از سرما به داران "زرین شهر" است میگردد. بمبدا معلوم شد که در این خانه ۶ - ۵ نفر از افراد بسیج مشغول ساختن بمب و نارنجک بوده اند و یکی از همین بمبها بوده که منفجر شده و سبب کشته شدن یکی از آنها گردیده است. کارگران و زحمتکشان زرین شهر شوال میگردند که آیا این بمبها و نارنجکها برای چه کاری ساخته شده میشوند؟ واقعتا اینست که این بمبها و نارنجکها برای مقابله با صف کارگران و زحمتکشان معترض و اعتصاب کننده و برای کمونیستهای واقعی و دیگر انقلابیون ساخته میشود تا به میان آنها پرتاب شده و آنها را به خاک و خون بکشد.

بسیاری پخش شد که مردم اطراف با استقبال از پیکاری انقلاب آنها را میخواندند و سایر شعارها عبارت بودند از: "زندانی سیاسی انقلابی، به همست توده ها آزاد با بدگردد"، "زحمتکش بلوردی، آواره - گان جنگی پر شور با دعزمتان، پیروز باد زمینتان" "حنگزده قهرمان، تو هم به ما بپیوند". نظا هرات تا نزدیک سینما پارامونت در صفوف منظم ادامه داشت که مزدوران رژیم سرما به داری حاکم، با سنگ به تظاهرات کنندگان حمله بردند. اما توسط آنها به عقب رانده شدند. "حزب الهی هسا" وحشیا نه بطرف ما شینها و مفازه ها و مردم سنگ پرتاب میگردند. علمبرغما این حملات، نظا هرات با مقابله و دلیرانه رفقای هواداران حوالسی فلکه ستاد ادامه داشت و در آنجا با یان یافت... (نقل با تلخیص از خبرنامة محلی پیکار - تشکیلات شیراز سازمان)

### تظاهرات مشترک هواداران سازمان پیکار و کومه له در آلمان

روزشنبه ۱۶ خرداد اتحادیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی (هواداران سازمان پیکار) و هواداران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، تظاهرات مشترکی بدفاع از زندانیان سیاسی انقلابی ایران در شهر فرانکفورت آلمان غربی برگزار کردند. در این تظاهرات ۷۰۰ نفر شرکت داشتند.

خود را با فالانژها با ردیگر نشان میداد. این عمل منجر به زخمی شدن چند نفر از معلمان میشود. ولی زنان و خانواده ها علمبرغما این ضرب و شتم، همچنان در مقابل مزدوران رژیم مقاومت کرده و حاضر به ترک محل نمیکردند. این عمل مزدوران، شدیداً مورد تنفر مردمی که در اطراف جمع شده بودند قرار میگرفت. جالب اینجاست که بگروزیس از این تجمع و رهگیری، عمال رژیم نرده های اداره را برداشته و بجای آن دیوار و ورق آهنین میزنند تا اگر چنانچه با زهم معلمین در اداره اجتماع کردند، مردم از حضور آنها مطلع نشوند و در ضمن با فراغ بال به سرکوب آنان بپردازند.

### تظاهرات موضعی هواداران سازمان در شیراز

در تاریخ ۱۴/۲/۶۰ ساعت ۲ عصر یک تظاهرات موضعی از طرف تشکیلات شیراز سازمان پیکار، به مناسبت اعتراض به سیاست سرکوب و غفلت رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از زحمتکشان بلوردی و آوارگان جنگ که اخیراً مورد حمله نیروهای ارتجاع قرار گرفته و مقابله با قهرمانانهای کردند، صورت گرفت. تظاهرات با شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" از چهار راه خیرات شروع شد. آنها ضمن دادن شعار "دردمان در شامت، مردم به مالمحق شوید" مردم را به صفوف خود دعوت میکردند. اعلامیه ها و تراکت های افشاگرانه

تا کید برو حدت مبارزاتی خلقهای ستمدیده، ماسک عوام فریبانه این تشکل را در پییده و ماهیت ارتجاعی آن را برای توده ها نشان دهند. کمونیستها و نیروهای انقلابی باید بروه شکل گیری، اهداف و برنامه و گذشته جنا پیکار را نه و خیانته با رعنا مرتشکل دهند "شمس" و هموئی دروغین و فریبکارانه آن با خواستهای انقلابی خلقهای کرد، ترکمن و بلوچ را افشا نمایند. کمونیستها باید ضمن تبلیغ و ترویج دمکراتیسم پیگیر طبقه کارگر و لزوم تشکل و وحدت آگاهانه خلقها در مبارزه با ارتجاع حاکم، مرز خود با این دارو دسته های ارتجاعی را روشن نموده و جنبشهای ملی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را از زیر چتر رهبری و دامی که شورای مرکزی سنت و نظایران در راه آنها گسترده اند، خارج سازند و آنرا برابستر همبستگی آگاهانه خلقها و در پیوند با جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران، در مسیر مبارزه ای بی امان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی هدایت نمایند. در پرتو انجام وظایف فوق است که میتوان آلترناتیو کمونیستی را در برابر جریانهای ارتجاعی ای نظیر "شورای مرکزی سنت" (شمس) قرارداد.

ستمدیده با رژیم، از هیچ جنایت و خیانتهی فروگذار نکردند حال چگونه است که این مرتجعین اکنون بزعوم رومیونیستهای خائن اکثریتی مزدوران امپریالیسم از ب در آمده و با تشکیل شورای مرکزی سنت به توطئه مشغول شده اند؟ واقعتا این است که در جریان رشد تضادهای درونی رژیم و جناح - بندیهای آن، دارو دسته های مذکور در صف لیبرالها قرار گرفته و به مخالفت خوانی با حزب جمهوری پرداخته اند و "رومیونیستهای اکثریت نیز از موضع حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ضمن استتار حقایق گذشته در مقابل شورای مرکزی سنت موضع گرفته است.

\*\*\*

"شورای مرکزی سنت" (شمس) از جمله تشکلهای ارتجاعی و ضد خلقی است که با ماسک فریبنده آزادی و خود مختاری خواهی و رفیع ستم مذهبی ملی و طبقاتی برای انحراف جنبش - های ملی خلقهای ستمدیده از مسیر اهداف واقعی و خواستهای برحق آنها و در جهت تامین منافع طبقاتی ارتجاع محلی، خوانین، فئودالها و بورژوازی لیبرال تشکل شده است. کمونیستها و نیروهای انقلابی باید ضمن

بقیه از صفحه ۶ شورا...  
با ماهیت اکثریت "که برای در پیوزگی و کانه - لیبسی هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و بیویزه حزب جمهوری اسلامی، واقعتیهای گذشته را از توده ها پنهان میکنند؟ جنایات مفتی زاده و مولوی عبدالعزیز و روحانیون مرتجع ترکمن صحرای آجا بدر خدمت رژیم جمهوری اسلامی بوده است؟ مفتی زاده در جنگهای اول و دوم کردستان محبوب رژیم بود، و در سرکوب و کشتار خلق کرد مشارکت فعال داشت. این عنصر منفور بعد از شکست رژیم در جنگ دوم کردستان بواسطه وحشت از مجازات توسط خلق کرد از کردستان فرار کرد. "مولوی عبدالعزیز" از همفکران و همدستان رژیم در بلوچستان بوده و در تمحیق و سرکوب خلق بلوچ و حمایت از خوانین و فئودالها در جهت تثبیت حاکمیت رژیم در منطقه، فعالانه تلاش میکرد. مولوی عبدالعزیز و سایر مولویهای مرتجع بلوچستان، در بسیج و تحریک توده های نا آگاه برای آنها جسم و حشیا نه به دا نشگا و بلوچستان در اول اردیبهشت ۵۹ نقش فعالی داشتند. همچنین است وضع روحانیون مرتجع ترکمن صحرای که در جریان کشتار خلق ترکمن در طی دو جنگ این خلق



(قسمت آخر)

# بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

درشماره های پیشین پیکار، راجع به مفهوم و مضمون بودجه دولت، نحوه تامین درآمدهای آن، ترکیب این درآمدها و تاثیر آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان صحبت نمودیم. اما فعلا برای نشان دادیم که چگونه این بودجه و ترکیب درآمدهای آن صحت مدعای ما را در باره خلوص ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و تلاش روز افزون آن را برای بازسازی و تحکیم سرمایه داری وابسته پیش از پیش اثبات می نماید. تلاش برای بازسازی و تحکیم سرمایه داری وابسته تمامی ملزومات آن که دقیقاً معادل تشدید استثمار پرولتاریا و فقر و فلاکت بیشتر بوده است، سنگ بنای بودجه رژیم جمهوری اسلامی است. حال به بحث ادامه داده و ببینیم که این بودجه چگونه مصرف میشود، نحوه مصرف بودجه در ستون هزینه ها آورده میشود.

## هزینه ها:

در جامعه سرمایه داری، بودجه دولت در جهت تامین وسائل حفظ سلطه طبقاتی بورژوازی بکار میرود. مثلاً در مورد مالیات ها که بخشی از درآمد دولت را تشکیل میدهد، ما رکن معلم کبیـــــر پرولتاریا میگوید: "منظور از مالیات ها این است که برای بورژوازی و سائلی بیافریند تا بعنوان طبقه حاکم بر سر کار بماند. بودجه دولت بورژوازی در واقعیت امر چیزی نیست مگر پولی که صرف نگاهداری ماشین دولتی مورد لزوم برای سرکوب مبارزه و قیام کارگران و تهي دستان بر علیه سلطه سرمایه میشود و در عین حال برخی شرایط لازم را برای سودآوری بیشتر و سهل تر سرمایه فراهم میسازد. با افزایش روز-افزون نقش دولت در اقتصاد دوا مورا اجتماعي پاره ای از کارگران بورژوازی و فرمیستها می کوشند خرافاتی از قبیل "دولت رفاه عامه" و "دولت فوق طبقاتی" را بخورد توده ها بدهند. آنها اینطور وانمود میکنند که اختصاص دادن بودجه های هنگفت برای آموزش عمومی، بیمه، بهداشت و نیز اقدامات عمرانی توسط دولتها نشاندهنده پیدایش نوع جدیدی از دولت است. این چاگران بورژوازی اینطور تبلیغ میکنند که گویا این دولتها بطور مشخص نماینده طبقه ای خاص نبوده

بلکه ما فوق طبقات قرار دارند و "دولت رفاهي" هستند. ولی برخلاف باوه گوشتی های ایـــــن خائنین به طبقه کارگر، دخلتهاشی که امروزه بطور اجتناب ناپذیر توسط دولت های سرمایه داری انجام میگردد، تنها در جهت حفظ سلطه طبقه سرمایه دار و منافع عمومی آنست. تشدید تضادهای ذاتی سرمایه داری و فشار عینی ناشی از آن، منافع سرمایه داران و بالاخره مبارزات طبقه کارگر چنین دخلتهاشی را الزامی و ضروری میسازد. مثلاً دولتهای سرمایه داری غرب از صدسال پیش به اینطرف از طرفی زیر فشار تشدید تضادهای اجتماعی که با زتاب تضادهای سرمایه داری است و مبارزات طبقه کارگر و از طرف دیگر برای حفاظت و آموزش نیروی کار بمنظور استثمار بیشتر و سهلتر آن بوسیله سرمایه اقداماتی از قبیل محدود کردن روزانه کار، تامین آموزش ابتدائی عمومی، بیمه و بهداشت و غیره را معمول داشته اند. طبیعی است که این اقدامات بهیچوجه متناسب با نیازهای کارگران و زحمتکشان نبوده و تازه سهم عمده آن نیـــــز در اختیار طبقه با لاولایه های متوسط اجتماعي قرار میگردد. نازل بودن سطح خدمات آموزشی و بهداشتی و غیره و توزیع بسیار نامعادل آن در کشورهای وابسته و عقب مانده نیز احتیاجی به اثبات ندارد.

دولتهای سرمایه داری در رشته های که به سرمایه های کلان احتیاج داشته و طبیعت آنها طوریت که بخش خصوصی در آن سرمایه گذاری نکرده و یا قادر به سرمایه گذاری نیست و از سوئی کنترل آن بوسیله کل طبقه سرمایه دار یا مباحثیگری دولت ضروریت، مثل بنادر، راهها، انرژی اتمی و... با درآمدهای که حاصل کار اکثریت اهالی است سرمایه گذاری کرده و آنرا به رایگان و یا به بهائی بسیار نازل در اختیار طبقه سرمایه دار قرار میدهد. این تاسیسات برای سرمایه داری اهمیت حیاتی دارد و سرمایه گذاری در آنها برای تامین وسائل تولیدیـــــر بنائی برای سرمایه داریست.

دولتهای سرمایه داری در هنگام جنگ، قحطی و بحران برای جلوگیری از تشدید تضادهای اجتماعی و انقلاب و تطبیق دادن اقتصاد با شرایط جنگی به اعمال نوعی کنترل بر تولید و توزیع پرداخته و پاره ای از اقلام مهم برای معارف جنگی و تولیدی مثل مواد سوختی و نیز

پاره ای از اوراق عمومی را جیره بندی میکنند. این اعمال کنترل از جانب دولتهای ارتجاعی سرمایه داری به شیوه ای ارتجاعی و بوروکراتیک انجام گرفته و هدف آن ابقاء سلطه ارتجاعی طبقه ستمگر، حفظ وضعیت موجود و خفه کردن انقلاب است. در کشورهای وابسته که سرمایه داری خصوصی در آنها ضعیف و فاقد سرمایه کافی برای سرمایه گذاری های کلان در صنایع بزرگست، دامنه دخلتهاشی دولت در اقتصاد بطور نسبی ابعاد عظیمتری دارد. دولت بعنوان یک کارفرمای بزرگ بخش بزرگی از اقتصاد را کنترل کرده و آنرا عمدتاً در جهت منافع انحصارات امپریالیستی و بورژوازی داخلی وابسته سوق میدهد و شرایط لازم برای تامین سودهای کلان انحصاری برای امپریالیستها را فراهم مینماید. بعنوان مثال در این کشورها بعلت رشدنا موزون تولیدات داخلی، تولید پاره ای از وسائل ضروری معیشت کارگران مثل گندم (نان) و گوشت در سطح نازلی قرار دارد. وجود این کالاها در بازار برای تبدیل دستمزد کارگران به وسائل معیشت و با تولید نیروی کار آنان ضروری است. کمبود این مواد سبب افزایش قیمت آنها و بطور اجتناب ناپذیری - بخاطر مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد - سبب افزایش دستمزد اسمی کارگران میشود، چون در واقع دستمزد چیزی جز مجموع قیمت حداقل وسائل معیشت لازم برای باز تولید نیروی کار نیست. اما افزایش دستمزد به معنی کاهش سود سرمایه داران است. بنا بر این دولت برای حفظ منافع سرمایه داران و جلوگیری از طغیان طبقه کارگر ناچار میشود که با صرف قسمتی از بودجه، قیمت بعضی از این کالاها را پایین نگه دارد. بمعبارت دیگر دولت با پرداخت قسمتی از بودجه کالاهای ضروری مثل گندم را ارزانتر از قیمت خریداری شده میفروشد، دولت به این وسیله باعث میشود که قیمت مهمترین وسائل معیشت کارگران زیاده نشود و در نتیجه دستمزد کارگران افزایش پیدا نکند. در حقیقت دولت با استفاده از بودجه سبب جلوگیری از افزایش دستمزد کارگران و کاهش سود سرمایه داران میشود و بمعبارت دیگر بخرج کارگران و زحمتکشان مانع کاهش سود سرمایه داران میشود. زیرا بودجه چیزی جز حاصل استثمار کارگران و زحمتکشان نیست. باری - معارف دولتی بطور کلی

# نان، مسکن، آزادی

مخارج دیگر جنگ ارتجاعی میگردد. ریزایی - ارقام به ترتیب عبارت بود از ۱۵۶/۷ میلیارد ریال برای حفظ "نظم و امنیت داخلی" ۳۳۱/۱۴ میلیارد ریال بودجه وزارت دفاع ۳۳۷۴ میلیارد ریال دیگر جهت خرید سلاح و تجهیزات وزارت دفاع و سپاه از محل ۵۵۲ میلیارد ریال اعتبار جهت مخارج جنگ ارتجاعی ۲۱۵۴ میلیارد ریال دیگر که از این اعتبار باقی می ماند.

دیدیم که کل بودجه جاری ۲۰۵۲ میلیارد ریال است که اگر ۲۷۵ میلیارد ریالی که قرار است از بودجه عمرانی صرفه جوئی و به مخارج جنگی برسد بدان اضافه شود این رقم به ۲۳۲۷ میلیارد ریال میرسد. حال اگر رقم ۱۱۷۲/۶ میلیارد ریال را که هزینه "اداره عمومی کشور" و ارتش و امور جنگی است از آن کسر کنیم، تنها ۱۱۵۳/۴ میلیارد ریال برای کلیه مخارج جاری دیگر دولت یعنی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تغذیه، پرداخت از محل بودجه جاری به صنایع و شرکتها و وابسته به دولت و دولتی و سایر هزینه های جاری باقی میماند. یعنی تقریباً چیزی معادل مخارج "امنیت داخلی، ارتش و امور جنگی" این مقایسه به تنهایی برای نشان دادن ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی و بودجه آن کافی است. این بودجه ای است که برای گسترش سرکوب، تقویت ارتش و ادامه جنگ ارتجاعی طراحی شده است. در شرایط فقر و فلاکت توده ها رژیم ضد مردمی حدود ۱۰٪ بودجه عمومی و ۱۰٪ بودجه کل را فقط صرف تقویت نهادهای سرکوبگر، ارتش و جنگ ارتجاعی می نماید. این مخارج به افزایش تورم، کاهش واقعی دستمزدها و حقوقها به میزانی بیش از پیش و گسترش فقر و فلاکت توده های مردم خواهد انجامید.

#### اعتبارات عمرانی

سهم اعتبارات عمرانی (سرما پیکار) ثابت در بودجه دولت در سال جاری ۹۹/۳ ۱۱ میلیارد ریال است که اگر صرفه جوئی ۲۵ درصدی بخاطر تأمین مخارج جنگی را از آن کسر کنیم، ۸۲۲ میلیارد ریال باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر کل اعتباراتی را که رژیم برای مورزی - بنائاتی و تولیدی در زمینه کشاورزی و صنایع و معادن، انرژی (برق، نفت، گاز) مخابرات، راه سازی و عمران و غیره پیش بینی نموده، تنها ۲۵/۲ درصد بودجه عمومی را تشکیل داده و از هزینه - ای که صرف ارگانهای سرکوب و جنگ میشود ۲۰۸ میلیارد ریال کمتر است. حتی امکان جذب همین اعتبار نیز وجود نداشته و امکان آن چون سال گذشته قسمت زیادی از آن سرکشت شده و یا صرف هزینه های جاری و مورجنگی خواهد شد. طرح هایی که توسط رژیم در زمینه "مور عمران" اجرا میگردد نیز بیش از پیش حرکت رژیم را در جهت بازسازی سرمایه داری و وابسته نشان میدهد و محت گفتمان را در باره اینکه این بودجه، چیزی جز بودجه وابستگی نیست اثبات می نماید. ۹۰ درصد اعتبارات عمرانی بقیه در صفحه ۲۲

صرف نگاهداری بوروکراسی دولتی و وزارتخانه ها، دستگاها های سرکوب، هزینه های جنگی، تسلیحات و غیره میگردد.

پس روی هزینه های جاری دولت نمیتوان مانند منتقدان بورژوا - لیبرال بطوریکه آنچه اظهار نظر نمود، نقد بورژواشی از بودجه سال ۶۰ که در مطبوعات بورژواشی با زتاب میباید و بطور کلی وبدون ارزیابی قسمتهای مختلف هزینه های جاری افزایش آن را مورد حمله قرار داده و عامل تورم میبشرد، از خواست بورژوازی در جهت انتقال با ربحان بدوش توده ها، کاهش سطح دستمزدها و حقوق و مصرف توده ها و مصارف آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و غیره سرچشمه میگردد. اتفاقاً این بورژواها دقیقاً بخشهایی از هزینه های جاری را که صرف دستگاها های سرکوب (ارتش و...) و نیز صرف تسلیحات و هزینه های جنگ ارتجاعی میگردد مورد تائید قرار داده و تنها را برای حفظ سلطه طبقاتی خود و سرکوب توده ها و جنگ ارتجاعی ضروری میدانند.

گفتیم که هزینه های جاری در بودجه عمومی دولت ۲۰۵۲ میلیارد ریال پیش بینی شده است. ۱- از این مبلغ ۲۹۰/۵ میلیارد ریال که بیش از ۱۴ درصد هزینه های جاری و حدود ۹ درصد بودجه کل را تشکیل میدهد، صرف با صلاح اداره عمومی کشور میگردد.

از مبلغ بالا ۱۵۶ میلیارد و هفتصد میلیون ریال یعنی حدود ۵۴ درصد صرف حفظ "نظم" و "امنیت"، مطلوب بورژوازی میگردد. این رقم نسبت به رقم تصویب شده سال قبل ۱۶ میلیارد ریال افزایش نشان میدهد.

۲۲/۰۶ میلیارد ریال نیز صرف دستگاها قضائی، مورستی و استخدام پلیس قضائی و کارآموزان قضائی اختصاص یافته که نسبت به سال قبل ۴۰٪ افزایش نشان میدهد.

۲- مبلغ ۳۳۱/۱ میلیارد ریال یعنی بیش از ۱۶ درصد هزینه های جاری و ده درصد بودجه کل به ارتش اختصاص میابد. دولتی مبلغ ۳۳۷ میلیارد ریال دیگر جهت تجهیزات نظامی وزارت دفاع و خرید تسلیحات سپاه پاسداران منظور گشته که از محل صرفه جوئی در بودجه عمرانی و جاری اختصاص میباید. لذا سهم ارتش و تسلیحات به حدود ۲۰/۳ درصد بودجه عمومی بالغ میگردد. ۳- گذشته از این بقیه اعتباری که برای مخارج جنگ ارتجاعی اختصاص یافته یعنی ۲۱۵ میلیارد ریال دیگر نیز در رابطه با امور جنگی و خسارات و ویرانیهای آن مصرف میگردد.

برای تأمین مخارج جنگ ارتجاعی ۲۵٪ از اعتبارات عمرانی صرفه جوئی میگردد. اگر این مبلغ را نیز به هزینه های جاری افزودیم، کنیم رقم بودجه جاری به ۲۳۲۷ میلیارد ریال یعنی بیش از ۷۰ درصد بودجه کل بالغ خواهد شد و همانطور که ارقام بالا نشان میدهد ۴۴/۶ درصد یعنی نزدیک به نیمی از این مبلغ یا ۳۱/۵ درصد بودجه عمومی صرف حفظ نظم و امنیت داخلی و مخارج ارتش و سپاه، خرید تسلیحات نظامی و

چارجوب تأمین کارکرد مطلوب سیستم بوده و با شکل مختلف چه از طریق نگاهداری دستگاها های بوروکراتیک و نیروی قهریه، چه از طریق اقدامات ریزبناشی که توسط طبقه سرمایه دار مورد بهره برداری قرار میگردد، چه از طریق بهداشت، بیمه و درمان و آموزش که مخارج تربیت و نگاهداری نیروی کار است و چه کمک به معاش کارگران و غیره به منافع بورژوازی خدمت میکند. البته همانطور که دستمزدها به مبارزه کارگران نیز بستگی دارد، ترکیب بودجه دولتها و مصارف آن و اهمیت بخشی از آن که به اقدامات با صلاح اجتماعی و رفاهی میرسد نیز از اوضاع اجتماعی، قدرت مبارزاتی طبقه کارگران نیز تاثیر میپذیرد. اینک به بررسی هزینه های دولت در لایحه بودجه ۱۳۶۰ میپردازیم:

#### ۱- هزینه های جاری :

اعتبارات جاری در بودجه سال ۶۰ بمبلغ ۲۰۵۲ میلیارد ریال بوده و ۶۵٪ بودجه عمومی کشور را تشکیل میدهد. سهم هزینه های جاری از بودجه عمومی در سال ۶۰ نسبت به سال ۵۹ حدود ۲٪ افزایش نشان میدهد. ولی ما نشان خواهیم داد که عملاً این افزایش بیشتر بوده و بخش مهمی از بودجه عمرانی نیز به مصرف هزینه های جاری خواهد رسید. بخشی از این اعتبارات جاری صرف پرداخت دستمزدها و حقوق در بخش دولتی تولید و بازرگانی (که بخش عمده ای از منابع مالی آن از محل هزینه های جاری و عمرانی تأمین میگردد) و نیز لوازم و وسائل، سوخت، روشنایی و غیره میگردد. این بخش از هزینه ها یا در تولید ضروری هستند و یا برای گردش (بازرگانی) ضروری بوده و در نتیجه برای تجدید تولید لازم اند و در بخش تولید مادی قرار نمیگیرند. بخش دیگری از این اعتبارات در امور غیر تولیدی که منوجه نیازهای ضروری اجتماعی و فردی است مثل آموزش و پرورش، بهداشت، بیمه و خدماتی از این قبیل مصرف میشود. حقوق معلمان و پزشکان و کارکنان موسسات ضروری هنری و غیره از این قبیل است. این کارکنان فکری گرچه در تولید مادی شرکت ندارند ولی کار آنان برای برآوردن نیازهای فرهنگی، بهداشتی و... ضروری است. البته این فعالیتها علمی و فرهنگی و غیره در جامعه طبقاتی تحت کنترل بوروکراتیک و معنوی طبقات حاکمه بوده و در جهت منافع این طبقات سازمان میباید. این هزینه ها از محل تولید مادی صورت میگیرد و در صورت رکود تولید مادی افزایش این هزینه ها تنها اثری تورمزا خواهد داشت. مثلاً در جامعه خودمان میبینیم که چگونه تورم کنونی در شرایط بحران اقتصادی و رکود موجود و عدم گسترش تولید، قدرت خرید این قشر را مثل معلمان و کارکنان زحمتکش و غیره را بطور روزافزونی کاهش داده و حقوق واقعی آنان شزل یافته و این افراد تحت فشار اقتصادی شدید قرار میگیرند. ولی قسمت اعظم هزینه های جاری دولت،

### شکجه و سرکوب در زندان عادل آباد رافشاء کنیم!

اخبار رسیده از درون زندان عادل آباد حاکی از اینست که کار زندان به همراهی سپاه پاسداران چهل و سه نفری، رفقای زندانی سیاسی را بجرم سرود خواندن، تحت شکنجه قرار داده و سپس آنها را در بندهای انفرادی حبس کرده اند.

گاردیها این مزدوران شهربانی و بازمانده عوامل ساواک که پس از قیام "اسلام آورده و در خدمت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند، اخیراً فشار و خفقان را در زندان افزایش داده اند و بیگانه زندانیان سیاسی را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. رفقای زندانی به عنوان اعتراض در مقابل این سرکوبگریها، با صدای بلند شروع بخواندن سرودهای انقلابی نموده اند و گاردیها از آنها در زندان وحشت افتاده اعلام کرده که در صورتیکه زندانیان سیاسی دشت از سرود خواندن بردارند، آنها را از بندهای انفرادی به بند عمومی منتقل خواهند کرد. ولی زهی خیال باطل! زیرا زندانیان سیاسی اعلام کرده اند که با توجه به اینکه سرود انقلابی مظهر موجودیت زندانیان سیاسی است، تا زمانیکه زندانی سیاسی انقلابی وجود دارد، سرود خواندن هم ادامه خواهد داشت. هم اکنون ۱۳ نفر از زندانیان سیاسی در بندهای انفرادی حبس میباشند و زندانیان سیاسی برای رسیدن به خواستههای زیرمبارزه را ادامه میدهند: آزادی سرود خواندن، بهبود وضع تغذیه و بهداشت، در اختیار گذاشتن کتاب و روزنامه، افزایش وقت هوا خوری و ملاقات...

به نعل: خبرنگار ماهه محلی (۷)  
تشکیلات شیراز با اندکی تلخیص

## پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر: به رفقای که مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر گرفته اند!

### رفقای کمونیست! رفقای پیکارگر!

جنابیت کم نظیر ارتجاع در روز ۳۱ فروردین، تظاهرات اعتراضی و موضعی شما را با پرتاب نارنجک با چمهای بخون کشید، سه تن از شما یعنی رفقای ایرج ترابی، آذر مهرعلیان و مرگان رضوانیان به شهادت رسیدند و شما که تعداد دستان به دهها نفر میرسد انواع زحمات و آسبها را دلورانه متحمل شدید، آسبها که آثارش بر سر چهره، چشمان، دنت و پیاوسینه شما باقی است، رفقا!

در مصاف خونین و آشتی ناپذیر بین طبقه کارگر و نظام سرمایه داری، بین توده های زحمتکش و امپریالیسم و ارتجاع، بین کمونیستها و انقلابیون از یک طرف و دشمنان طبقه کارگر از طرف دیگر، بین پیکهای انقلاب و قداره بندان ضد انقلاب، بین پیام آوران آگاهی و نور از یکسو و دیوهای جهل و استثمار از سوی دیگر آشتی خبری نیست هر چه هست خیزش است و سرکوب! پیشرفت است و معانعت! فداکاری است و فتنه گری و سرانجام برای دسته اول پیروزی است و برای دسته دوم شکست و نابودی! اینست منطق مبارزه طبقه کارگر و راهی که طی قرنهای تکامل تاریخی جوایح انسانی تا کنون نیاموده شده و با اجساد در دگان دهقانان، کارگران و کمونیستها و انقلابیون مفروش است راهی که چون رودی سرخ در بستر

زمان جاری است و ما لیان دراز است که پرچم پرافتخار ما رگسیم لنینیم بر فراز آن در اهتزاز است و افق تابناک جامعه کمونیستی را در انتهای خط پیروزمندان نشان میدهد.

رفقا! شمار هروان استوار این راهید! رفقا! همه ما با یکدیگر هم روزم آوران سپاهی باشیم که سپاه رفیق لنین، سپاه سردار بزرگ پرولتاریا را تشکیل میدهد و بقول رفیق استالین:

"هیچ افتخاری بالاتر از تعلق به این سپاه نیست."  
رفقا! ما در راه ایجاد حزب لنینیستها، حزب کمونیستها، حزب طبقه کارگر گام بر میداریم و با بقول رفیق استالین:

"فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیاز و مبارزه، فرزندان حرمانهای بی پایان و مبارعی قهرمانانه - اینها هستند آن کسانی که مقدم بر همه باید اعضای چنین حزبی باشند."

رفقای مجروح و آسیب دیده! ضمن ابراز تشکر و کینه عمیق از جنابیتی که ارتجاع در آنروز مرتکب شده و هر روز و هر ساعت در سراسر ایران با تکل مختلف مرتکب میشود، دست شما را بگرمی می فشاریم و در صف متحد طبقه کارگر، زیر پرچم ما رگسیم لنینیم و در جهت تحقق آرمان کمونیسم به پیش میرویم!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۲۸ خرداد ۱۳۶۰

### وظایف وکلای مبارز و انقلابی در مقابل تخلیه کانون وکلا

"کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک توده ها" در رابطه با تخلیه کانون وکلا از محل کساح دادگستری اعلامیه ای منتشر کرده است که قسمتهای آن را در زیر می خوانید:  
شورای عالی قضائی در تصویب نامه مورخ ۶۰/۲/۲۴، تخلیه کانون وکلا از محل کساح دادگستری را تصویب نموده است... تصمیم به تخلیه کانون از محل فعلی آن که خود میتواند قدم عملی در جهت انحلال کامل آن باشد از ناحیه رژیم با اهداف مشخص سیاسی دنبال میشود و آن اینکه دست رژیم در تدوین و تصویب بلامنازع یک

سری قوانین بقاءت ارتجاعی از جمله لایحه قرون وسطائی قضائی با زبانشد...  
و در اعلامیه پس از اشاره به اعتراضات وسیع وکلا در مقابل این توطئه رژیم و توضیح "ماهیت لیبرالی و محافظه کارانه ای" که در عملکرد و موضعگیریهای دوران تصدی هیئت مدیره کانون پیروز داشته و آنها را "در نهایت به بندوبست با شورای عالی قضائی و پذیرش تخلیه "قانونی" کانون وکلا" کشانده است، وظایف وکلای مبارز و انقلابی چنین آورده شده است:  
وکلا مبارز و انقلابی که... دفاع از حقوق صنفی را در ارتباط با لایحه کساح از حقوق سیاسی و تکالیف و وظایف سیاسی مشخص خود می دانند "باید در برابر این هجوم ارتجاعی

رژیم که هدف واقعی آن مسخ کامل حرفه وکالت در این زمان از یکسو و خلع سلاح وکلا از جنبه انتقادات افشاگرانه شان... میباشد...  
قطعا نه ایستادگی نموده و با شکل و یکپارچگی خود حول خواسته های عاجل و مشخص از جمله خنثی نمودن توطئه تخلیه کانون وکلا، ارائه طرح تصفیه کانون از عناصر ارتجاعی و فرصت طلب و پافشاری بر لزوم انتخابات هیئت مدیره... گام عملی در جهت اشبات این امر که هنوز جامعه وکالت زنده و پویا متشکل از عناصر مبارز و انقلابی بعنوان بخشی از دستگاه قضائی حضور داشته و در مقابل اهداف ارتجاعی رژیم با شناخت رسالت مشخص خود با یدار و استوار میباشد بردارند.



## چگونه یک گزارشگر خوب باشیم؟

در شرایط اعتلائی کنونی، وظایف کمونیستها که همانا افزایش آگاهی توده‌ها و سازماندهی و متشکل نمودن آنها می‌باشد، اهمیت و برجستگی بسیار می‌یابد. در شرایطی که پس از فروریختن توه‌بخشهای عظیمی از توده‌ها نسبت به جناح حزبی رژیم، بعثت ضعف آلترناتیو کمونیستی، لیبرالها توانسته‌اند توه‌مات توده‌های بسیاری را نسبت بخود ادا من زنده‌ودر شرایطی که ریزش کمونیستهای خاکن باستان - بوسی بورژوازی ذهن توده‌ها را نسبت به کمونیستها و ایدئولوژی طبقه کارگر، مخدوش مینمایند، آری در چنین شرایطی است که می‌بایست با آگاهی سراسری و بلنددرجه‌ای آگاه نمودن هرچه بیشتر توده‌های انقلابی و به خصوص طبقه کارگر و متشکل نمودن آنها، تلاش نماییم. اما آنچه که برای رسیدن به این هدف ضروری است، تبلیغ، ترویج و سازماندهی کارگران پیشرو می‌باشد و نشریه‌ای چون "پیکار" هم دقیقاً بدین منظور انتشار می‌یابد. ضمن آنکه استفاده‌ها و بربخشهای توده‌های آگاه را از این نشریه نمیتوان و نباید منفی نمود.

با توجه به آنکه توده‌های کارگران طبقه کارگران پیشرو هدایت و رهبری میشوند، اهمیت و جایگاه نشریه مرکزی بنحوی رزتری مشخصی میشود. از اینروست که سازمان میبایست انرژی کافی را جهت هرچه پربارتر نمودن این ارگان اختصاص دهد. اما اشتباه است اگر تصور کنیم این انرژی محدود میشود به رفقای نویسنده و منتشرکننده پیکار. در این رابطه رفیق لنینی می‌آموزد که:

"یک ارگان وقتی زنده خواهد بود و قابلیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج دبیرو روزنامه نگار سیاسی که مرتباً به قلم - زدن می‌پردازند، یا صدیا پنج هزار همکار بی‌وجود آید که به هیچ وجه نویسنده نباشند" بدین ترتیب از آنجا شیکه زنده بودن نشریه درگرو انعکاس واقعی خواستهای طبقه می‌باشد، تحقق این هدف منوط است به چگونگی ارتباط ارگان با توده‌ها. از اینروست که هر رفیق میتواند و بایست بعنوان همکار برای نویسندگان نشریه بفعالیت پرداخته و از طریق گزارش‌دهی منظم و فعال، ارگان مرکزی سازمان را تغذیه نماید. لذا با توجه به ضعفهایی که تاکنون در امر گزارش نویسی رفقا از یکسو و نا روشنی سیاست تبلیغی ما در رابطه با چگونگی درج اخبار جنبش توده‌ای از سوی دیگر، وجود داشته‌است، تعیین و تدقیق این سیاست و چگونگی ارسال گزارشات از جانب رفقا، ضرورت می‌یابد.

در رابطه با تعیین سیاست اصولی برای درج اخبار و گزارشات در ارگان مرکزی آنچه را که بدو می‌بایست در نظر داشت اینست که نشریه تبلیغی -

سیاسی نمیتواند و نباید به انعکاس ساده اخبار و گزارشات جنبش توده‌ای، بپردازد و نشریه‌ای مانند پیکار میبایست وظیفه سازماندهی مبارزات کارگران و تبلیغ و ترویج حول آنرا از کاتال آموزش و خط‌دهی برای کارگران پیشرو، به پیش برد. در این رابطه است که حتی اخبار و گزارشات مربوط به جنبش توده‌ای نیز می‌بایست هدفمند، افشاگرانه و آگاهی‌دهنده باشد. بدین صورت که اولاً صحت شعارهای سازمان (نظیر افزایش دستمزد، تشکیل شوراهای واقعی برای کارگران و...) را در عین‌حقیقت جنبش نشان دهد، ثانیاً به افشای ماسک‌های دولتی بورژوازی پرداخته و درستی تحلیل‌های سازمان را منعکس نماید و ثالثاً به انتقال تجربیات مبارزاتی توده‌ها و جمع‌بندی از آنها برای درگیری هرچه بیشتر، بپردازد.

بنابراین محدود کردن نقش اخبار، صرفاً برای درجی که قرار دادن خوانندگان آن، در جهت پاسخگویی به وظایف تبلیغی - سیاسی ارگان نیست. کاریکه حتی بخشا توسط مطبوعات بورژوازی انجام میگردد. از این گذشته بسیاری از مطالب که جنبه محلی و محدود داشته و هیچگونه آموزش عمومی قابل توجهی را منتقل نمیکند نباید در ارگان سراسری سازمان انعکاس یابد اینگونه اخبار را میبایست در نشریات و اوراق منطقه‌ای منعکس نمود و البته از مطلب فوق نباید نتیجه عدم ضرورت ارسال اخبار و گزارشات محلی و جزئی را گرفت، چرا که اخبار و گزارشات ارسال رفقا، در واقع دوا استفاده مهم دارند. آنها علاوه بر امکان درجشان در ارگان مرکزی، با انعکاس عینیت جنبش در تحلیلها و جمع‌بندی - های سازمان نیز مورد استفاده قرار میگیرند.

لذا ارسال کلیه اخبار و گزارشات مربوط به جنبش توده‌ای برای تحریریه پیکار، ضروریست اما آنچه که میبایست در نظر گرفته شود، میزان توجه و کاری است که رفقای گزارشگر میبایست در رابطه با ارسال گزارشات مختلف صرف نمایند. برای درک بیشتر اهمیت ارسال گزارشات مختلف رفقا، موقعیت جنبش دهقانی و میزان انعکاس آنرا در پیکار، در نظر میگیریم؛ روشن است که صفحه دهقانی نشریه مدت‌هاست که خالی می‌باشد و این نه‌بمعنای سکون جنبش دهقانی است و نه‌بمعنای عدم وجود رفقای سازمان در ارتباط با این جنبش می‌باشد، بلکه عدم برخورد فعال رفقا در ارسال گزارشات مربوط به این بخش از جنبش توده‌ای نه‌تنها کارگران پیشرو خواننده پیکار را در جریان مبارزات بخش عظیمی از توده‌های خلق، قرار نمیدهد، بلکه در تحلیل و تدوین شعارهای این جنبش نیز اختلال بوجود می‌آورد.

با توجه به مطالب فوق اخباری در ارگان

مرکزی سازمان میتوانند انعکاس با بندکسه اولاً در رابطه با سطح جنبش توده‌ای دارای اهمیت باشند، ثانیاً هدف مشخصی را دنبال کرده و نتیجه‌گیریهای معینی را چه در جهت درس‌گیری از جنبش توده‌ها و چه در جهت اثبات صحت شعار - های سازمان، دنبال نمایند. از اینها گذشته درج سایر اخبار نه‌چندان مهم بصورت اخبار کوتاه برای درجی که قرار دادن خوانندگان، لازم و مفید است.

حال، بعد از روشن شدن سیاست اصولی در رابطه با درج گزارشات رفقا در پیکار، لازمست که به خصوصیات اصلی یک گزارش خوب بپردازیم گزارشاتی که میبایست در خدمت سیاست مذکور بوده و توسط هزاران رفیق گزارشگر جهت تغذیه نشریه ارسال گردند:

### خصوصیات یک گزارش خوب

۱- قبل از هر چیز یک گزارش خوب میبایست کامل باشد یعنی تمامی اطلاعات مربوط به واقعه گزارش شده (اقتبیل محل، تاریخ، تعداد کسانیکه در مبارزه شرکت داشته‌اند، برخورد نیروهای مختلف نسبت به واقعه مزبور و...)، با دقت و حوصله ذکر گردند، تا دیدکاملی را به خوانندگان گزارش جهت استفاده از آن برای درج در ارگان انتقال دهد. بارها دیده شده است که نقض گزارشات، علیرغم اهمیت مضمونشان موجب عدم انعکاس آن گردیده‌است. در ضمن رفقا میبایست حتی امکان تحلیل خودیای جمعشان را از واقعه گزارش شده بطور جداگانه ضمیمه گزارش نماید تا مورد استفاده قرار گیرد.

۲- اخبار و گزارشات ارسال میبایست سریع و بموقع ارسال گردند تا بتوان از آنها در جهت "مجموعه‌ای" برای موقع گرفتن استفاده نمود. باید توجه داشت که اگرچه ارگان مرکزی یک نشریه خبری صرف نیست ولی افشاگریها، گزارشات مبارزات توده‌ای و تحلیلها پیش راجع به مسائل روز، احتیاج به درجی که آخرین وقایع قرار گرفتن هیئت تحریریه دارد. بخصوص که جو متلاطم جامعه انقلابی ما در هر روز و هر ساعتش آستان جلوه‌های گوناگون مبارزه طبقاتی است و اساساً میزان زنده بودن ارگان با زنده و ملموس بودن مطالب مندرج در آن، رابطه مستقیم دارد.

۳- آنچه که وظیفه اصلی گزارش شمرده میشود، انعکاس واقعی وقایع آنطوریکه اتفاق افتاده‌اند، می‌باشد. با توجه به آنکه تبلیغات کمونیستها بر پایه واقعیات عینی استوار است، لذا هرگونه انعکاس غیر واقعی جریان‌ات مختلف اجتماعی نه‌تنها موجب بی‌اعتبار شدن کمونیستها در میان توده‌ها میگردد، بلکه درکی ذهنی را به خوانندگان نشریه القا میکند که در صورت تکرار مداوم این روند، به جدائی از توده‌ها منجر خواهد شد.

غلو در حقایق و تغییر واقعیات بر طبق

# برای سران جمهوری اسلامی رژیم عراق ازکی "کافر" شده است!؟

# دعوت آیت الله خمینی به اسلام، دعوت به زیر پرچم حزب جمهوری اسلامی است!

آیت الله خمینی در سخنرانی اخیرش خطاب به لیبرالها میگوید:

"قا شماها دست بردارید از این سنگ - اندازی جلوی چرخ اسلام، دست بردارید از این تضعیف مجلس و تضعیف روحا نیست و تضعیف ملت و ..."  
ودرجای دیگر به روشنی از قوه قضائیه، شورای نگهبان و دولت رجائی دفاع کرده و رقبای حکومتی اش را به سرفرواد آوردن در مقابل این ارگانها دعوت میکند (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۵) بر کسی پوشیده نیست که ارگانهای نامبرده تحت سیاست و سلطه حزب جمهوری اسلامی قرار دارند. موقعیکه آقای خمینی لیبرالهای خاشن را که بخاطر از دست دادن مواضع قدرت در مقابل حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته اند و مخالفتهای ضد انقلابی خودشان را با رقبایشان که از یک موضع طبقاتی مشترک صورت میگیرند در زیر پرچم فریبکارانه "آزادی" پنهان کرده اند، مورد ملامت قرار میدهد و آنها را به "اسلام میخواند" بطور آشکار و بارز از آنان میخواهد که در زیر پرچم حزب جمهوری اسلامی قرار گیرند و دم نزنند. کارگران و زحمتکشان ایران!

امروز، بسپار روشن تر از پیش آیت الله خمینی بدفاع از سیاستهای حزب جمهوری اسلامی برخاسته و هر مخالفتی با بهشتی ها، اردبیلی ها، مهدوی کنی ها، رجائی ها و ... بطور خلاصه هراعتراضی علیه حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی را مخالفت با اسلام قلمداد میکند. خمینی و سردمداران حزب جمهوری اسلامی با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها، با دعوت آنها به اسلام، آنها را به نوکری حزب جمهوری اسلامی دعوت مینماید و هر مخالفتی را بشدیدترین صورتی مورد سرکوب ضد انقلابی قرار میدهند. زحمتکشان ایران!

مدافعین راستین انقلاب و آزادی کمونیستها هستند. آنها علیرغم سرکوبها شکنجه ها، ترورها و اعدامها از دموکراسی انقلابی کارگران و دهقانان دفاع کرده و برده از چهره فریبکارانه لیبرالها که نقاب دروغین "آزادیخواهی" بر صورت خود زده اند بر میدارند. آنها برای آتکاهی توده های زحمتکش، برای کسب قدرت توسط زحمتکشان و به رهبری طبقه کارگر مبارزه میکنند. آنها با وحشیگریها و سرکوب آزادیهای دمکراتیک بوسیله حزب جمهوری اسلامی قاطعانه مبارزه کرده و در راه انقلاب و سوسیالیسم که تحقق آزادی و استقلال و نیز بنا بودی استعمار را نوید میدهند جانفشانی میکنند.

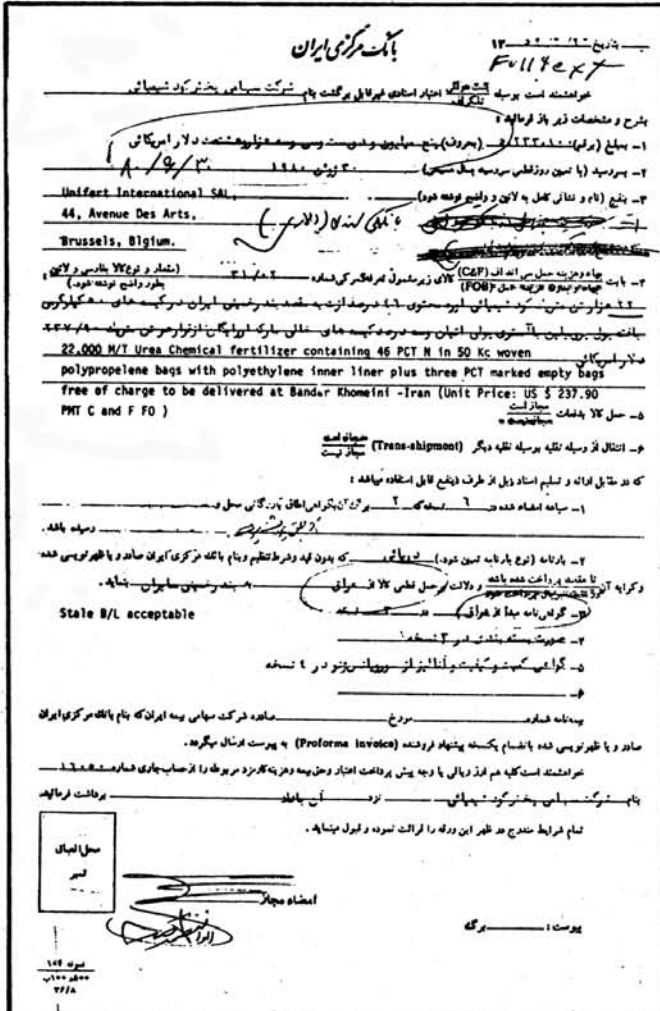
با قدمهای استوار در راه انقلاب سرخ  
پیش!

برای زحمتکشان و توده های آتکاه ایران پوشیده نیست که دور رژیم جمهوری اسلامی و بیعت عراق سراپا یک کرباسند. این دور رژیم ضد خلقی هر قدمی که برمیدارند در جهت منافع بورژوازی دو کشور و امپریالیسم جهانی است و کلیه عملکردها و سیاستها نشان از جمله جنگ ارتجاعی کنونی که بر علیه خلقهای دو کشور به راه انداخته اند، بطور آشفتنی - ناپذیری در تضاد با منافع زحمتکشان ایران و عراق قرار دارند.

پس از آغا زنگی که این دور رژیم ارتجاعی برای راه انداخته اند، رژیم جمهوری اسلامی و به ویژه جناح مرتجع "حزب" برای کسب "پشتیبانی" توده ها و آسان کردن استفاده از زحمتکشان بعنوان گوشت دم توب سرما به داران کوشید تا با استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها و جلوسه دادن جنگ سرما به داران ایران و عراق معنا به جنگ "اسلام و کفر" توده ها را فدای منافع آزمندانة طبقاتی خود نمایند.

اما برای توده های انقلابی و آگاه میهن ما روشن است که ما هیت ضد مردمی رژیم مصادام حسین در اشرف جنگ تنبیری نکرده و این رژیم از آغا ز دشمن قسم خورده زحمتکشان و خلقهای عراق بوده و میباید. و بخاطر ما هیت این رژیم و منافع طبقه سرما به دار دو کشور، دور رژیم قبل از جنگ دارای روابط سیاسی و اقتصادی بودند که البته روابط سیاسی علیرغم قطع شدن مانع از ادامه کار سفارتخانه های دو کشور نشده است و هم اکنون سفارت عراق با برافراشتن پرچم عراق در تهران مشغول کار است و این خود افشاگر تمامه دو هواری است که سردمداران جمهوری اسلامی در مورد دفاع از اسلام در مقابل کفر (کفاری!) که هنوز در کشور "اسلام" سفارت دارند، و آنهم کشور "اسلامی" در حال جنگ با آن کفار (!!) بر راه انداخته اند.

سندزیر نشان دهنده ارتباط اقتصادی دو رژیم در سال گذشته و فقط دو ماه قبل از شروع



جنگ است. بر طبق این سند در تاریخ ۹ تیر ۵۹ (۳۰ ژوئن ۸۰) جمهوری اسلامی سفارش خرید کود شیمیائی به میزان ۵/۲۳۳/۸۰۰ دلار (بیش از ۴۰ میلیون تومان با ارز دولتی) از دولت عراق نموده است.

آری! دور رژیم سرما به داری وابسته ایران و عراق بخشی از اردوگاه ضد انقلاب جهانی میباشند و بنا بر منافع طبقاتی سردمداران دو رژیم "جنگ" و "صلح" شان با اقتضای شرایط و در خدمت تشبیت دور رژیم و حفظ منافع مرتجعین حاکم بر دو کشور میباشند.

رژیم جمهوری اسلامی که برای کشاندن توده های متوهم به کشتار رگه و توجیه جنگ ارتجاعی که خود از بنا آن میباشند جنگ سرما به داران دو کشور را در زیر پرچم جنگ مذهبی بین "کفار بعثی" و "اسلام" جمهوری اسلامی قلمداد می نماید اما آنجا که ادامه بقیه در صفحه ۱۶

## دفاع از نفتگران قهرمان جنگزده بیا خیزیم!

اخیرا از جانب شورای کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان - خونین شهراطلاعیهای خطابه کارگران و زحمتکشان منتشر شده است. در قسمت‌های از این اعلامیه آمده است:

"... در تاریخ ۶/۲/۶۰ هنگامیکه مجمع عمومی کارکنان دریا شگاه شماره ۱ صنعت نفت در خیابان خاکشناسی جهت رسیدگی به خواسته‌های جنگزدگان صنعت نفت و آزادی نمایندگان و کارکنان زندانی برگزار شد، با حمایت کامل سپاه پاسداران، عده‌ای حزب‌اللهی (با داخل مستقیم عراقی که از طرف سادات کفیل وزارت نفت و پرویز شهریاری که به ریاست سادات کارکنان جنگزده در شیراز منصوب شده) با شگاه را به محاصره در آورده و سپس به مجمع عمومی حمله ور شده و کارکنان را با چاقو - پنجه بکس - زنجیر و موکت بمرور ضرب و شتم قرار دادند و پس از آن ۷ نفر از کارکنان را دستگیر و با خود به زندان بردند. کارگرانی را زندانی نمودند که در اعتمالات با شگاه سال ۵۷ نقش قاطع و تعیین کننده‌ای در سرنگونی رژیم مغفوری پهلوی بعدی داشتند. در بین دستگیرشدگان کسانی وجود دارند که در جنگ کنونی ایران و عراق زخمی شده بودند و مدت کمی بود که سلامت خود را باز یافته بودند اما حتی او با شان حزب‌اللهی رژیم به این افراد نیز رحم نکردند و آنان را با لگد و مشت زده و سپس دستگیر کردند و حتی کارکنان سادات جنگزده از جمله رئیس امور اداری را مذبذب ساختند...."

ما کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان - خونین شهر مستقر در شیراز، سرکوب و اعراب کارکنان را به دلیل محکوم کرده و خواهان برآورده شدن فوری خواسته‌های ذیل میباشیم:

- ۱- ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه نمایندگان و کارکنان جنگزده زندانی صنعت نفت می باشیم.
- ۲- ما خواهان تحقق خواسته‌های ۹ ماده‌ای خود که قبلا اعلام کرده ایم میباشیم.
- ۳- ما خواهان مکان مشخصی جهت تشکیل مجمع عمومی در رابطه با خواسته‌های بحق کارکنان جنگزده میباشیم.
- ۴- ما خواهان امنیت جانی کلیه کارکنان صنعت نفت بوده و هرگونه تعرض و سرکوب را قضا و رسوا خواهیم نمود.
- ۵- ما خواهان برسمیت شناختن شورا‌های کارکنان جنگزده که اذدل شده‌های زحمتکش بیرون آمده‌اند، هستیم و هرگونه تشکیلات فرمایشی را مردود اعلام می کنیم.

# جنگ و آوارگان

کارگران و زحمتکشان مبارز!

متحدانه و مصمم در مقابل توطئه‌های ضد - مردمی که بر علیه جنگزدگان و نفتگران انقلابی صورت میگیرد با یستم و از کسانیکه قاطعانه از منافع ما دفاع میکنند حمایت و پشتیبانی بی - دریغ نموده، صفوف خود را از فرصت طلبان و خیانتکاران جدا سازیم.

هرگونه تفرقه در بین ما منفع سرمایه‌داران و ابادی او با شان و اتحاد و همبستگی آگاهانه ما ضامن پیروزی است.

ما بسوی کلیه کارگران و زحمتکشان و شورا - های انقلابی در این شرایط دست یاری و کمک دراز نموده و خواهان حمایت و پشتیبانی هستیم...

## ۶ میلیارد تومان

برای ۱۸۰۰۰۰ آواره!

بسوی، سخنگوی دولت با اصلاح حامی مستضعفین اخیرا بر سر جنگزدگان منت گذاشته و گفته است: "آنگقدر دولت به جنگزدگان اهمیت داده است که چیزی بنا مینماید اما مور جنگزدگان ایجاد کرده... و ۶ میلیارد تومان بودجه جنگزدگان است!"

آری ۶ میلیارد تومان برای انبوهی از آوارگانی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جهت تحقق منافع خود، همه هستی آنها را بر باد داده است و این در شرایطی است که رژیم با فراهم کردن شرایط بهتر جهت استثمار کارگران و زحمتکشان، ۱۲۰ میلیارد تومان به جیب سرمایه‌داران سرازیر کرده و با قراردادهای اسارت با امپریالیست‌ها، میلیاردها تومان از عرق جبین کارگران و زحمتکشان را نصیب امپریالیست‌ها نموده است که قرارداد ۱۷ میلیارد تومانی تالیوت انگلستان نمونه آن است و باز هم این بودجه دولت در حالی اعلام میشود که بودجه نظامی رژیم در سال جاری ۱۰۵۰ میلیارد ریال، یعنی ۲۲٪ کل بودجه، پیش بینی شده است.

بدین ترتیب میبینیم که رژیم برای تامین منافع خود مجبور به کاهش بودجه برای تامین رفاه زحمتکشان و از جمله آوارگان زحمتکش است اما میبینیم واقعا از ۶ میلیارد تومان به هر

آواره جنگزده‌ای جقدر میرسد. اگر فرض کنیم که از این مبلغ، بولی صرف هزینه‌های موراداری و خرج کارمندان نشود (که البته این فرض غیر ممکن است)، بایک حساب سرانگشتی میتوان فهمید که با در نظر گرفتن جمعیت تقریبی آوارگان (۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر)، به هر نفر ۲۷۷ تومان در ماه میرسد و این، همه "بذل و بخشش" رژیم جمهوری اسلامی است که از "برکت جنگ ارتجاعی کنونی نصیب بخشی از زحمتکشان آواره میهنمان شده است!

با استفاده از فریاد آوارگان (۱۷)  
تشکیلات خوزستان

جنگزدگان فریاد می‌کشند:  
مرگ بر پاسدار،  
حامی سرمایه‌دار

روز سه‌شنبه ۶۰/۳/۱۹ در پی درگیری لفظی که بین یکی از بزرگان اردوگاه‌ها و شگاه صنعتی و "ایروانی" یکی از مسئولین جدید هواپیمانه شماره ۴ روی میدهد، پاسداران مسلح به بلوکها حمله کرده و با ایجاد جرح و وحتت، به سرکوبی جنگزدگان پرداخته و با ضرب و شتم، ۴ تن را دستگیر و روانه زندان میسازند. این امر مورد اعتراض عده‌ای از آوارگان زحمتکش قرار میگیرد. مردوران رژیم برای مقابله با این مقاومت، سقف طبقه دوم را با تیراندازی هوایی خود سوراخ سوراخ کردند. آوارگان همه سراسیمه از اتاقها بیرون ریخته و یکم فریاد می‌کردند: "مرگ بر پاسدار"، مادری فریاد میزد: "بیا شید ما شینان از روی من رد شوید من را بکشید، اما منی گذارم بچه‌ها مرا ببرید". پاسداران بیشتر ما را این زن را که روی زمین خاکی افتاده بود، با لگد بیهوش کرده و پسرش را با خود بردند. آوارگان یکبار چه شعار میدادند: "آواره زندانی آزاد با بید کرد" و "پاسدار ارتجاع ننگ به نیرنگ تو..."

بعد از این جریان، پاسداران مشخصات ۷ خانواده را به جنگ زدگان داده و از آنها میخواستند که با بیرون کردن آنها موافقت کنند، ولی آوارگان مقاومت و متحد، خود طوماری تهیه کرده و در آن این حمله ضد خلقی رژیم به آوارگان را محکوم ساختند.

در واقع، سیاست سرکوب آوارگان یکی از حلقه‌های زنجیر سرکوب سراسری بوده‌هاست. خنثی شدن سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، مقاومت و گسترش مبارزات روز افزون ما را می‌طلبند که هم‌دوش با مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای میهنمان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی متحد بیاخته و با

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق



## گسیل جنگزدگان به جبهه توطئه دیگری علیه آوارگان

رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی کد برای تا مین منافع آزمندان خود در جنگ ارتجاعی کنونی، فرزندان زحمتکش را به کوشش دم توپ خود تبدیل ساخته، فقر و فلاکت، بیکاری و بی خانمانی توده‌های زحمتکش را افزایش داده و آوارگی را برای آنها به ارمان آورده است، اینک در صداست آوارگان زحمتکش را نیز به جبهه‌های جنگ ارتجاعی گسیل دارد.

اخیرا بلندگوی شهرک علم الهدی شوشتری به صدا درآمده و اعلام کرده که "هرکسی که سنش از ۱۷ سال به بالا باشد میتواند برای رفتن به جبهه ثبت نام کند! تا بعد از دیدن یک دوره چند روزه به جبهه برود".

آری، رژیم جمهوری اسلامی از سوئی ناتوان از حل معضلات بیکاری، بی مسکنی، بی بهداشتی و... آوارگان زحمتکش بوده و شاهد مبارزات او جگربرنده آوارگان جهت تحقق خواسته‌های فوق میباشد، و از سوی دیگر برای ادامه جنگ ارتجاعی خود به قربانیان بیشتری احتیاج دارد. از این جهت قصد دارد با گسیل عده‌ای از آوارگان زحمتکش به جبهه‌های جنگ، هم‌گرمیان خود را در با سخگوشی به معضلات آوارگان خلاص سازد و با برانگیزدن آنها، مبارزات آوارگان را سرکوب نماید و هم‌گوشی دم توپ منافع خود را بیشتر نماید. اما آوارگان آگاه که میدانند عامل اصلی همه مشکلاتشان همین رژیم جمهوری اسلامی است، هرگز تن به این خواست ارتجاعی رژیم نداده و با خودداری از رفتن به جبهه، مقاومت و مبارزه خود را ادامه داده و اگر چنانچه مجبور به رفتن شدند نیز سزاکرهای جبهه را دستگیر افشای رژیم و مبارزه علیه آن تبدیل خواهند کرد.

با استفاده از فریاد آوارگان (۱۷)  
تشکلات حوزستانی  
سازمان سکا در راه آزادی طبقه کارگر

### بغیة از صفحه ۱۵ برای...

حکومت فاشیستی اش را باجابه نماید، فرار داده‌های چندده میلیون بومانی را رژیم مرتجع عراق میبندد. نه "جنگ" پس ایندور رژیم ارتجاعی و نه "طلح" آنها هیچکدام در خدمت منافع زحمتکشان و توده‌های انقلابی ایران و عراق قرار ندارند و در بیس‌های زحمتکشان دو کورتنها سکا راه وجود دارد که آنها را در انقلاب است کد سبها تا کنیک مبارزانی اش در شرائط "جنگ" و "طلح" بین دور رژیم تفاوت میکند و الا در اساس کد ادامه مبارزه انقلابی علیه ایندور رژیم با تمام امکانات و توان آنها میباید هیچ باثیری ندارد.

### معلمین جنگ زده!

برای یک مبارزه قاطع و برحق نخست باید صفوف خود را از اجاسوسان و خائنین پاک کنیم و سپس متحدانه و مصمم برای خواسته‌های خود مبارزه را به پیش بریم. پس اخراج "اکثریتی" ها از جمع معلمین بایستی بعنوان یک مسئله اساسی مورد پیگیری همه معلمین مبارز قرار گیرد. چرا که حضور این خائنین بمثابه ستون پنجم سرما به داران میتواند در ادامه مبارزه ما وقفه حاصل نماید.

جمع معلمین را به کانونی افشاگرانه بر علیه رژیم و نوکران آن، اعماز انجمن اسلامی و "اکثریتی" و "توده‌ای" و... تبدیل کنیم.

نه نقل از: خبرنامه منطقی شیراز (۷)  
با اندکی تلخیص و تغییر

## وضعیت آوارگان مستقر در اردوگاه "بهرام" زاغه

اردوگاه "بهرام" زاغه در ۴۵ کیلومتری بروجرد واقع است. ظرفیت این اردوگاه از ابتدا ۵ هزار نفر اعلام کرده بودند، ولی در اکثریت آوارگان، حدود ۸ هزار تن در آن جای داده شده اند. برای این جمعیت کثیر فقط یک بیزشک وجود دارد و آن هم بعضی اوقات آب آتا میدنی این اردوگاه حاوی کج است و برای آوارگان زحمتکش خطرات بسیاری در بردارد. عمل رژیم برای جلوگیری از اعتراض آوارگان میگویند کلردر آب است. رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی اربیکا ربودی آوارگان استفاده کرده و در ازای روزی ۶۰ تومان، آنها را در جاده سازی اطراف و دیگر کارها، بکار گرفته و از نیروی کار آنها سوده‌های بسیاری به جیب میرند. به آوارگان زحمتکش این اردوگاه مواد غذایی فاسد تحویل میدهند، بطوریکه یکسار آوارگان تا هذگوشت کرم دار میشوند و هنگامیکه بد این امر اعتراض میکنند شهر دار میگوید "اینها همدان شایعه شد. انقلاب است. ما این گوشته را از خرم آباد آورده و فقط در طول مسیر در هوای آزاد قرار گرفته، تا زه‌اکالی ندارد، اگر چیزی باشد از هوا به گوشته رفتند!" آوارگان گوشته را دور انداخته و تا کنون هم به آنها گوشت نداده اند. زحمتکشان آواره در مضیقه مواد غذایی بوده و گاه برای تهیه آن تا هذوقای دردناکی می باشند. از جمله روز ۴ خرداد پسرهای کدند ده اطراف برای خرید مواد غذایی رفتند و به زیرجره‌های نیل رفتند و دردمجان بی سارند. چادرها فاقد برق میباشند، در حالیکه فقط مسجد دارای برق است و در واقع مسجد اردوگاه مجهزترین قسمت آن است.

این تنها گوشه‌ای از برقراری "عدالت اسلامی" در رژیم جمهوری اسلامی است!



گسترش تظاهرات و اعتراضات خود، خواسته‌ها و شعارهای واقعی خود را یکمدا فریاد کرده و خواستار آزادی فرزندان انقلابی دربندمان شویم.

نقل خلاصه از: اعلامیه آوارگان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - امفهان ۶۰/۲/۲۳

## طومار "اکثریتی" ها، سند خیانتی دیگر!

"اکثریتی" های "خائنین مدتهاست که به علیه "کمیته‌ها هنگی معلمین جنگزده" گسه منتخب معلمین مبارز است، توطئه می کنند. آنها در صددند به طریق ممکن این کمیته‌ها را منحل ساخته و بجای آن یک "کمیته" با شرکت اعضای انجمن اسلامی، توده‌ها و خودشان تشکیل دهند تا بتوانند مبارزات برحق معلمین جنگزده را منحرف کرده و بر علیه نیروهای کمونیست و انقلابی توطئه نمایند.

روز چهارشنبه ۲۰ خرداد معلمین جنگزده جهت ادامه مبارزه خود برای کسب خواسته‌های برحقشان و دریافت حقوق عقب افتاده شان (سه ماه است که حقوق بایه و گروه معلمین جنگزده شیراز قطع شده است) در اردوگاه آموزش و پرورش جمع کرده بودند. "اکثریتی" های خائنین در این جمع تمام توان خود را برای خوش خدمتی به رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته بودند و میگفتند چون "کمیته‌ها هنگی معلمین" سواستدکاری برای ما انجام دهد، بایدمحل شود و همجنس اعلام کردند که "کمیته‌ها هنگی" از نظر ما متروعت ندارد!

اکثریتی های جاش برای به شکست کتاندن مبارزات معلمین و "کمیته‌ها هنگی" سعی در علم کردن طوماری داشتند که در آن خواستار انحلال کمیته شده بودند و از معلمین میخواستند که طومار را امضا کنند. اما معلمین که خود "کمیته‌ها هنگی" را انتخاب کرده بودند و طی مبارزات چند ماهه اخیر خود با راه‌ها و بارها خیانت و جاسوسی "اکثریتی" ها را مشاهده و لمس کرده بودند، نتوانستند محکمی به آنها زدن. معلمین مبارز ضمن افشای این نوکران سرمایه داری گفتند "شما در جمع روز شنبه ۶۰/۳/۲۳ که همگی معلمین جمع هستید، طومار ضد انقلابی تان را بیا و برید و قرائت کنید تا همه معلمین با سخ مناسب به سند خیانتان بدهند." اما اکثریتی... ها که میدانستند حضور در جمع روز شنبه برای شان جز رسوائی و ننگ چیز دیگری در بر نخواهد داشت، سعی داشتند که در همان روز بهر طریق ممکن طومار را با منای معلمین برسانند، لیکن در آخر جز تعدادی انگشت شمار "اکثریتی" کسی طومار را امضا نکرد.

## چهارمین سالگرد شهادت کمونیست قهرمان، رفیق غلامحسین صاحب اختیاری



- \* تولد در سال ۱۳۳۱ در آباده
- \* دانشجوی دانشگاه صنعتی ازل سال ۴۹ و شرکت در مبارزات انقلابی دانشجویان
- \* اعتقاد به ماركسیسم-لنینیسم بمشابهت آنها
- \* علم‌رهای بخش طبقه‌کارگر
- \* پیوستن به بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۵۴
- \* از فعالین شاخه مشهد سازمان
- \* دستگیری در ۱۸ فروردین ۵۶ در فک حرم مشهد.
- \* ۷۲ روز مقاومت دلیرانه در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان رژیم شاه
- \* شهادت در ۳۱ خرداد ۵۶ در زیر شکنجه دژ خیمان در زندان اوین
- بادش اگرامی مبارزان تپرشور را رح مینیم!

## اولین سالگرد شهادت کمونیست پیکارگر، رفیق محمود مسعودی گرامی باد!

رفیق محمود مسعودی، مهندس مجتمع صنایع فولاد اوز و هوادار سازمان ماسدراول تیرما سال ۵۹ همراه با سکا رگر زحمتکش دانشمند را زندگی در جاده‌ها سوچ بشهادت رسید. رفیق محمود کمونیست مبارزی بود که از محبوبیت زیادی در میان کارگران مجتمع فولاد اوز برخوردار بود. علاقه کارگران بسبب رفیق از عشق سرشار رفیق به آرمان والای طبقه کارگر و دفاع از منافع زحمتکش سرچشمه میگرفت. در اولین سالگرد شهادت رفیق محمود، خاطر آن کمونیست قهرمان را گرامی می‌داریم!

## یکسال از شهادت کمونیست قهرمان، رفیق مهدی علوی شوشتری می‌گذرد!



سال گذشته، روز ششم تیرماه، رهرو صدیق و وفادار را هراتی زحمتکش، کمونیست دلاور، رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری "بجرم" عشق و اعتقاد به آرمان سرخ طبقه کارگر بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی همراه با پزشک انقلابی دکتر نری میسار اوز تیرباران شد.

مهدی از مسئولین سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار در اوز بود که اول اردیبهشت ۵۹ - روز حماسه خونین مقاومت دانشجویان انقلابی - در جریان یورش ارتجاع به دانشگاه دستگیر شد و پس از دو ماه مقاومت و پایداری کمونیستی در زندان جمهوری اسلامی، در حالیکه زندگی را دوست داشت تا "برای تقسیم کردن مشترک" زیبا شهای آن میان زحمتکشان مبارزه کنند و "بخاطر زندگی دیگران بمیرد" سرفرازانه از اعتقادات کمونیستی اش، از سازمان کمونیستی اش و از انقلاب و سوسیالیسم دفاع کرد و با مرگی سرخ به زندگی جاوید پیوست. زندگی کوتاه رفیق مهدی سرشار از عشق و حماسه و مبارزه بود. او در سال ۱۳۳۳ در اوز بدنیا آمد و از طریق آثار صمدبهرنگی (نویسنده کمونیست شهید) پنجره‌های یک زندگی آگاهانه و مبارزه جویانه بیرونی او گشوده میشوند. در ۱۵ سالگی در جریان تظاهرات و اعتصاب شرکت و احداث توبوسرانی بخاطر گرانی بلیط در اسفند ۴۸ فعالانه شرکت کرد. بخاطر مبارزاتش علیه رژیم وابسته شاه و محکمه‌چشمنای منحوس ۲۵۰۰ ساله، در سال ۵۰ همراه عده‌ای دیگر دستگیر و ۸ ماه در زندان بصری برد. در سال ۵۲ بخاطر بخش اعلامیه بمناسبت اعدایم زفقای شهید کلسرخی و دانشیان دستگیر شد اما در اثر هشیاری اش توانست دشمن را بفریب دهد و در نتیجه بیش از دو ماه در زندان نبود. در فروردین ۵۳ با

لورفتن یک محفل دانشجویی که رفیق مهدی با آن در ارتباط بود دستگیر شده و به سال زندان محکوم میشود که دو سال اول را در اوز و سال سوم زندانش را در تهران میگذراند. یکسال پس از آزادی از زندان برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و توانست در رشته ریاضی پیروزی درخشانی بدست آورد. اما عشق به توده‌های زحمتکش و شرکت فعال در مبارزه طبقاتی جاری در جامعه او را به سوی میهن و به آغوش زحمتکشانش کشاند و مهدی پس از قیام پرشکوه بهمن به ایران بازگشت و در دانشگاه جندی شاپور اوز به ادامه تحصیل پرداخت و در همان زمان بطور خستگی‌ناپذیر در مبارزات دانشجویان کمونیست شرکت نمود. خلاقیت، پشتکار انقلابی، اخلاق کمونیستی و وفاداری بی‌انتهای مهدی نسبت به آرمان والای طبقه کارگر رفیق را در جرگه مسئولین تشکیلات دانشجویان هوادار سازمان قرار داد. او در شما فعالیتهای دانشجویان کمونیست حاضر بود. مهدی در مرحله زیتون کارگری، دهکده‌ای داشت که نشریات سازمان و کتب کمونیستی و انقلابی را در اختیار زحمتکش و فرزندان کارگران قرار میداد. او در کنار دیگر هم‌زمانش در جریان سیل خوزستان با تمام توان بسیاری آسیب دیدگان شتافت و در جریان همین کمک‌رسانی قایق او ویا رانش در کارون واژگون شد و با شنا کردن، توانستند خود را از مرگ حتمی نجات بدهند.

مهدی در ضدانقلاب فرهنگی رژیم به اتهام پوچ "سنگ برانی" دستگیر و پس از دو ماه تحمل شکنجه در حالیکه سرود عشق و آزادی طبقه کارگر را سرداده بود بدست یاساران سرمایه تیرباران گردید. دفاعیات رفیق مهدی، تیلوری از وفاداری او به ماركسیسم-لنینیسم به مناسبت آنها ایدئولوژی رهاشی بخش طبقه کارگر و پرچم سرخ راهنمای انقلابات پرولتاری و سوسیالیسم، سرشار از عشق به سازمان کمونیستی اش و وفاداری به آرمان سرخ طبقه کارگر و انقلاب زحمتکش و حماسه‌ای از عشق و کینه طبقاتی کمونیست‌ها و گویای عمق پیوندشان با زحمتکش و جلوه‌ای از استقامت و مبارزه جوشی کمونیستی و قهرمانانه بود. او همچنانکه در زندانهای رژیم محمدرضا شاهی سرافراز و با افتخار از انقلاب دفاع کرد، در زندان جمهوری اسلامی نیز به دفاع از اعتقادات و مبارزاتش برخاست و در این راه سرخ با مرگی سرخ به زندگی جاویدان پیوست. اولین سالگرد شهادت رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری را با درودی گرم بخاطر پرشکوه او و دیگر شهیدان راه‌های زحمتکش، گرامی می‌داریم.

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه از صفحه ۱

# منشاء مذهبی لایحه قصاص و برخورد مجاهدین با آن (۱)

بیینح حاکمیت ارتجاع باشد "حلال" می شمارد و هراقدامی که برخلاف مصالح و منافع سرمایه - داران باشد آنرا "حرام" می داند. "چماق تکفیر"، یکی از حربه های مهمی است که رژیم کنونی آنرا بر سر هر نیروی انقلابی و کمونیستی، بر سر هر خلق یا فرد مبارزی که برخلاف منافع رژیم جمهوری اسلامی حرکت کند فرود می آورد. و بهمین ترتیب است که کمونیستها و مجاهدین "خونشان حلال" شمرده میشود و علیه خلق قهرمان کرد "حکم جهاد" داده میشود و احساسات مذهبی توده های ناآگاه مورد قاجعه آمیزترین سوء - استفاده های ارتجاعی قرار میگیرد و رژیم خیل جوانان زحمتکش و ناآگاه را از طریق ارگانهای سرکوب خویش، به قربانگاه و نوشیدن "شراب شهادت" می کشاند، تا بدین وسیله درخت کهن و فرسوده ارتجاع از خون زحمتکشسان "دا و طلب شهادت" سیراب گردد!

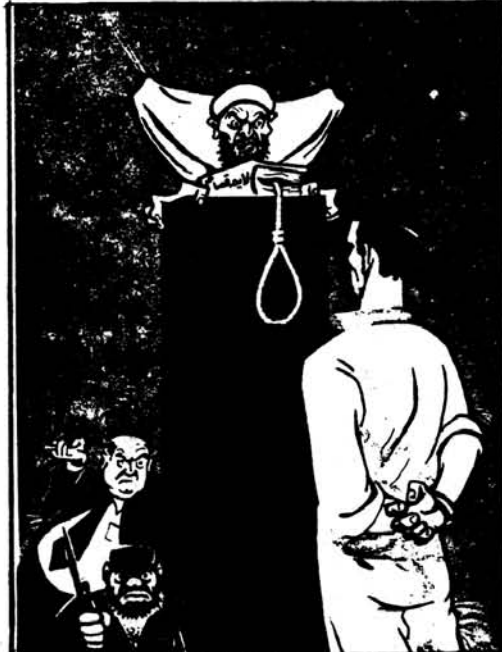
یکی از بارزترین موارد استفاده رژیم از مذهب و اعتقادات توده ها، لایحه قصاص است. ادامه حاکمیت این رژیم بنحو تفکیکناپذیری با ولایت فقیه و استفاده از مذهب بعنوان "چماق تکفیر و تحمیق" پیوند خورده است که تجسم آنرا در لایحه قصاص میتوان مشاهده کرد.

رژیم، هرچه توانسته است ارگانهای سرکوب و پاپه های حاکمیت طبقاتی خود را بیشتر تثبیت کند گام های بیشتری در سلب دستاوردهای قیام مسلحانه توده های بهمن ماه، در محدود کردن ونفی آزادیهای دمکراتیک، در سرکوب کارگران و زحمتکشان برداشته و با قانون اساسی و مومبات و لوایح قانونی نظیر لایحه قصاص، زنجیرهای تازه ای بردست پوی توده ها بافته است. رژیم در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، در انعقاد قرارداد دهکده های امپریالیستی و سازش با جها نخواران بین - المللی، در بازگذاشتن دست زمینداران و سرمایه داران داخلی برای بهره کشی بیشتر و در راه انداختن وادامه جنگ ارتجاعی، و غیره، در همه این موارد و نظایر آن از عامل مذهب و احساسات مذهبی توده های ناآگاه بیشترین سوء - استفاده را نموده است. وجود این عامل، به مبارزه کمونیستها و نیروهای انقلابی دمکرات و ویژگی خاصی میبخشد و ظرافت خاصی را می طلبد. برای مثال در افشای لایحه ارتجاعی قصاص و کوشش رژیم برای پیاده کردن یک سلسله قوانین قرون وسطائی، آبا میتوان به قوانین مذهبی که منشاء غیر قابل انکار لایحه قصاص است برخورد نکرد؟ آیا کافی است که تک مواد این لایحه را صرفا از جنبه طبقاتی (منظور زیربنائی است) مورد بحث قرار داد و تضاد آنرا با رشودتکامل تاریخ بشری و منافع کارگران و زحمتکشسان بررسی کرد و اصلا کاری به منشاء تاریخی و مذهبی آن نداشت؟ شاید اگر رژیم اینچنین صریح و سرسختانه از پیوند این قانون با مذهب استفاده نمی کرد ضرورتی فوری به برخورد با

مذهب در این رابطه، وجود نداشت و مساله بطور کامل به روال تاریخی اش واگذار میشد و لسی - هما نظور که گفتیم - لاینفک بودن این قانون و منشاء مذهبی آن برخوردی ویژه و ظریف را الزامی میسازد. اما چرا ویژه و ظریف؟ منظور ما از برخورد "ویژه و ظریف" دقیقا یک برخورد مارکسیستی است: از یکسو کمونیستها خود به مذهب اعتقاد ندارند و تحلیل شان بر اساس فلسفه علمی و ماتریالیسم دیا لکتیک و تاریخی، این است که با رشد مناسبات تولیدی و شناخت

اقتصادی درجا معیشت، کوه نظ - بوری بورژوازی خواهد بود. هیچ تعداد جزوات و هیچ مقدار موعظه، بیرولتا ربا را روشن نخواهد کرد. اگر وی از طریق مبارزه خود علیه نیروهای سیاه سرمایه داری روشن نشود. "رساله" سوسیالیسم و مذهب - تا کید زماست) بر همین اساس که کمونیستها: "مذهب را در ارتباط با دولت، بمنابا به یک امر خصوصی می نگردند، لیکن منته

● یکی از بارزترین موارد استفاده رژیم از مذهب و اعتقادات توده ها، لایحه قصاص است. ادامه حاکمیت این رژیم بنحو تفکیکناپذیری با ولایت فقیه و استفاده از مذهب بعنوان "چماق تکفیر و تحمیق" پیوند خورده است که تجسم آنرا در لایحه قصاص میتوان مشاهده کرد.



هرچه بیشتر جهان و پیشرفت علم و سوانجام لغاف جامعه طبقاتی، عقاید مذهبی که خود مولود مناسبات تاریخی کهن است بتدریج از بین خواهد رفت. مارکسیستها این عقیده خود را پنهان نمی کنند و ریشه های تاریخی و اقتصادی پیدایش و دوام مذهب در جوامع بشری را در نشریات ترویجی خود، برای کارگران و زحمتکشان توضیح میدهند و از سوی دیگر، بقول رفیق لنین: "این احقانه خواهد بود که فکر کنیم که در جامعه ای که برپایه ستم و خرافت نمودن بی پایان توده های کارگر بنا شده است - تعصبات مذهبی را میتوان با شیوه های ترویجی خالص از میان برداشت. فراموش کردن اینکه پیوغ مذهب که بر بشریت سنگینی میکند، صرفا نتیجه و انعکاس پیوغ

بهبیچوجه در ارتباط با خود، یعنی - مارکسیسم با حزب کارگران. " (رساله لنین در باره "روش حزب کارگران نسبت به مذهب"، تا کید زماست) برخورد ویژه و ظریف اینجاست که از یکطرف نباید به مذهب توده ها اعلان جنگ داد و آنرا اساسا باید به پیرویه تاریخی اش واگذار کرد و هرگز نباید با برخوردی روشنفکرانه و بورژوازی در باره مباحث مبارزه با ایده آلیم مذهبی بین توده های کارگران تفرقه انداخت، زیرا این همان است که سرمایه داران میخواهند. در همین رابطه لنین می آموزد: " (انگلس) بلانکیستها را بخاطر نفهمیدن این مطلب محکوم کرد که فقط مبارزه توده ای طبقه کارگر، درگیر کردن وسیعترین اقشار بیرولتا ربا در تمام اشکال آگاهانه و انقلابی عمل اجتماعی، خواهد توانست توده های تحت ستم را از زیر پیوغ مذهب واقعهارها سازد، حال آنکه اعلان جنگ علیه مذهب به منابا به یک هدف سیاسی حزب کارگران صرفا یک زست آنارشیستی است" (لنین - همانجا، تا کید زماست) وبعبارت دیگر بار بقول لنین: " اتحاد در مبارزه انقلابی طبقه تحت ستم، برای ایجاد بهشت بر روی زمین، برای ما مهمترین اتحاد عقیده بیرولتا ربا در مورد بهشت برین در آسمانهاست. (مذهب و سوسیالیسم) اما از طرف دیگر، ما در عین حال که وظیفه ترویجی خود را در بنیان نقطه نظرات مارکسیستی پیرامون مذهب فراموش نکرده ایم، از نظر تبلیغی با این مساله مواجهیم که در شرایط کنونی جامعه ما، بورژوازی حاکم با ویژگی مذهبی خود در قالب ولایت فقیه، تمام اقدامات



"وی با دیدک ما تریا لست دیا لکتیسی... یک ما رکسیست با دیدتوانا و وضع مشخص را بطور کلی مورد سنجش قرار دهد. وی با دیده همیشه قاربه تشخیص مرزین آنا ریشیم واپورتونیسیم بوده (این مرز، نسبی، متحرک و دانا تم لتغییر میا شد، لیکن وجود دارد) در انقلابیگری تجریدی، قافیه - با فانه و در واقع بی نتیجه آنا ریشیت و با در حماقت و فرصت طلبی خرده بورژوازی و با روشنفکر لیبرالی که از مبارزه علیه مذهب طفره رفته، وظایف خود را فراموش نموده، خود را با اعتقاد به خدا به سازش رسانده و جهتگیری خود را نه بر مبنای مبارزه طبقاتی بلکه بر پایه حس بگری های خرد و پست فطرتا نه ما تند: بر تراجا ندن، نر ما ندن و نتر ساینیدن پایه گذاری نموده... در نفلظت" (لنین: روش حزب کارگران نسبت به مذهب). این است موضعی مارکسیستی لنینیستی که در اهنمای ما در بر خورده به ساله مذهب است. مساله ای که در شرایط خاص کنونی جامعه ما بر خوردی شایسته را می طلبد بجوی که نه به آنا ریشیم در غلط و عملا سیاست بورژوازی را در ایجا دتفرقه بین کارگران و صف نیرو ه های انقلابی پیدا کند و نه به اپورتونیسیم و حساب - گریهای کاسیکارانه فرو افتد.

اما به بحث را در شماره آینده دنبال خواهیم کرد و به برخورد ما هدین به لایحه قضا ص خواهیم پرداخت.

و "تهدیده نا بودی" قرارداد، او برای لسوت کردن ما هیت انقلابی جنبش توده ها و بسیج طرفداران خود علیه این جنبش (ضمن انتساب کل این حرکت به جبهه ملی) به این حربه متوسل شد که "به اسلام سب و توهین شده است".

● آیا وقتی حیات یک رژیم تا این اندازه با توهنات مذهبی توده ها گره خورده است و آیا زمانیکه لایحه ای مانند قضا ص - که ماجنیه های از ماهیت ارتجاعی آنرا در شماره های گذشته پیکار افشا کرده ایم - بوسیله دگنگ مذهب به توده ها حقه میشود، میتوان طوری برخورد کرده جایی هم برای برداشت مترقیانه و البته التقاطی از منشا غیر قابل انکار همین قوانین یعنی قوانین شرعی باقی بماند؟ آیا عدم ذکر "شجره نامه" این لایحه، خود نوعی اپورتونیسیم نیست؟

آیا وقتی حیات یک رژیم تا این اندازه با توهنات مذهبی توده ها گره خورده است و آیا زمانیکه لایحه ای مانند قضا ص - که ماجنیه های از ماهیت ارتجاعی آنرا در شماره های گذشته پیکار افشا کرده ایم - بوسیله دگنگ مذهب به توده ها حقه میشود، میتوان طوری برخورد کرده جایی هم برای برداشت مترقیانه و البته التقاطی از منشا غیر قابل انکار همین قوانین یعنی قوانین شرعی باقی بماند؟ آیا عدم ذکر "شجره نامه" این لایحه، خود نوعی اپورتونیسیم نیست؟ آیا میتوان به بهانه نرمیدن برخی نیروهای انقلابی و کارگرانی که هنوز برخی عقاید مذهبی را با خود حمل میکنند، از افشای گوشه های از حقیقت خودداری کرد؟ یک مارکسیست، البته ماتریالیست است لیکن، بقول لنین:

انقلابی را با چماق تکفیر و دیوروشی طلبی وار می خواهد سرکوب کند، اینجا ست که عامل مذهب، در شرایط مشخص جامعه ما در پیوندی که با طبقه حاکم بعنوان "حکومتی الهی" دارد خود به مثابه نیروی مادی در جهت جلوگیری از پیشرفت انقلاب خود نمائی میکند. آیا مثلا در رابطه با تصویب و اجرای لایحه قضا ص میتوان این عامل را نادیده گرفت؟ در هفته گذشته، آیت الله خمینی برای مقابله با تزلی که ازگان رژیم را فرار گرفته و برای مقابله با تظاهراتی که بوسیله لیبرالها اعلام شده بود (دوشنبه ۲۵ خرداد) با توسل به حربه تکفیر و ارتداد، توده های نا آگاه را به دفاع از رژیم واداشت و در حالیکه راه بازگشت و "توبه" را برای لیبرالها بازمی - گذاشت، کمونیستها و ما هدین را آماج حملات

## چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!

آیت الله خمینی در سخنرانی روز ۲۴ خرداد، به فرماندهان ارتش دستور داد که:

اطلاعات خرداد ۶۰	<b>به سران ارتش امر میکنم به اینکه باید در ارتش مسائل سیاسی طرح نشود</b>	<b>وظیفه هر نظامی و پادگان این است که امور سیاسی بر او حکومت نکند</b>
	چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟! آیت الله خمینی در سخنرانی روز ۲۴ خرداد، به فرماندهان ارتش دستور داد که:	

بیرهیزند و سیاست را مانند "مواد مخدر" تحریم کنند تا بتوانند چماق خوبی برای سرکوب کمونیستها و انقلابیون باشند. آقای خمینی در موضعگیری اخیر خود از تحریک ارتشیان بمنفع فدا انقلابیون سلطنت - طلب و لیبرالها بویژه بنی صدریست دولتی هیچ شکی نمیتوان داشت که آیت الله از آگاهی سیاسی پرسنل انقلابی ارتش و حرکت آنان بسوی نیروهای کمونیستی و انقلابی بمراتب بیش از نفوذ سلطنت طلبان خائن و لیبرالها هراس دارد، زیرا تا امروز بسیاری از سران خائن ارتش وابسته به رژیم گذشته و لیبرالها در قدرت سهیم بوده و هستند ولی چنانکه با رها افشا کرده ایم کوچکترین نشریه انقلابی درون ارتش مثل جن ازیم الله ترسیده اند.

سرپازان و درجه داران انقلابی ارتش با پیدا آگاهی سیاسی هر چه بیشتری پیدا کنند، آنها با دیدن منافع کارگران و زحمتکشان وارد عمل شده، با ایجاد شوراهای انقلابی سرپازان، اطاعت کور کورا نه از ضد انقلاب حاکم را که یک اندیشه طبقاتی و ارتجاعی است بدور بیا نندازند و آماده باشند همان نقش شرافتمندانه ای را ایفا کنند که در قیام پرشکوه بهمن در کنار زلفیهای قهرمان ایران انجام دادند.

سازمان بیکار در آرزوی آزادی طبقه کارگر

اکثریت پرسنل ارتش سرپازان، درجه داران، با وجود آنکه در یک سیستم ضد خلقی فعالیت میکنند ولی خود از بین زحمتکشان برخاسته اند، همینها هستند که با دخالت خود در سیاست و حمایت از انقلاب توده ها ستون فقرات قدرت رژیم شاه را درهم شکستند و بویژه هم فرمان قهرمان طلبی قیام شکوهمند بهمن را فراهم آوردند. آیت الله خمینی که خود در هنگام اوج مبارزات توده ها علیه رژیم شاه، ارتشیان را به فرار از سرپازانها و در واقع دخالت در سیاست فرامی خواند امروز از آنها میخواهد که چشم و گوش بسته، اطاعت کور کورا نه از ما فوق رانصب - العین خود قرار دهند و بصورت یک ابزار سرکوب در دست رژیم بویژه حزب درآیند.

آیت الله خمینی از سرپازان و درجه داران انقلابی و زحمتکش میخواهد که از آگاهی سیاسی

چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!  
چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!  
چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!  
چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند?!

چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!  
چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند?!

چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند؟!  
چرا ارتشیان نباید در سیاست دخالت کنند?!

توضیح درباره کمکهای مالی

کارگران، زحمتکش و روشنفکران کمونیست و انقلابی!

سازمان ما با اتکا به کمکهای مالی شما تاکنون توانسته است اهداف انقلابی خود و بیکار پدر را آزادی طبقه کارگر را پیش ببرد. با کمکهای مالی هرچه بیشتر سازمان را در مبارزات انقلابی اثریاری نماییم. در مورد کمکهای مالی لازم به توضیح است که ارسال کمک همراهی جملات و یا اسامی که مل کمک کننده اشکالاتی برای صفحه مالی ایجاد مینماید. از این جهت ما مصرار رفقا و دوستان میخواهیم که کمکهای مالی خود را احتما با یک کدویک حرف الفبای فارسی برایمان ارسال کنند. پیروزباشید

کمکهای پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی

آذربایجان	
آرمن - ف	۲۰۰۰
اسکندر	۲۰۰۰
اکبر	۳۰۰۰
اکتبر ۱۹۱۷	۲۰۰۰
بابک	۵۰۰
جواد	۲۰۰
حسن	۵۰۰
حیدر	۵۰۰
دو عدد کوشواره	۱۱۱۴۰
رضا	۲۰۰
غلامرضا	۱۰۰
فرهاد	۱۰۰
ک	۱۱۱۴۰
م - قارا	۳۰۰۰
میانه	۲۰۰۰
م	۹۱۰۰
م	۱۱۰۱۰
معلم	۱۶۰۰
میاندوآب:	
الف	۱۰۰۰۰
ب	۱۱۰۰۰
ب	۱۲۶۰۰
ج	۱۰۰۰۰
ج	۱۰۰۰۰
ر	۸۷۰۰
ر	۱۱۲۰۰
س	۱۰۰۰۰
س	۱۰۶۰۰
س	۱۰۸۰۰
س	۹۸۰۰
س	۱۰۶۰۰
ع	۸۹۰۰
ع	۱۲۴۰۰
ع	۵۰۰
م - کارگر	۶۲۰۰
م	۱۲۲۰۰
اصفهان	
اف - کارگر	۳۰۰۰
ام - پی	۵۰۰۰
ب - کارمند	۳۰۰۰
پی	۵۰۰۰
ج - کارگر	۵۰۰۰
ج - کارمند	۸۱۲۰
ج - کارمند	۸۰۰۰
رفقای جنگزده صنعت نفت	۱۰۰۰۰
کسین	۲۲۰۰۰
ن - کارگر	۵۰۰۰
ن - تاهین شهر	۴۵۰۰
ع	۳۰۰۰
م	۷۸۰۰
بلوچستان	
ایرانشهر:	
رفقای هوادار در سراوان	۱۱۳۰۰

۵- خارج کشور

آلمان غربی	۱۰۰۰	
اتحادیه دانشجویان ایرانی	۵۰۰۰	
هوادار سازمان پیکار	۳۰۰۰	
آخن و ویرتال	۱۵۰۰۰	
داو	۱۰۰۰	
وسله گرم کوزن آب	۱۰۰۰۰	
اتحادیه دانشجویان ایرانی	۸۰۰۰	
هوادار سازمان پیکار	۵۰۰۰	
م - م	۱۰۰۰۰	
مهرداد	۵۰۰۰	
آمریکا:		
اتحادیه دانشجویان ایرانی	۱۶۳۰۰	
هوادار سازمان پیکار	۹۰۰۰	
هدایای ۵۰۶ و ۵۰۸	۱۰۰۰	
فرانسه:		
اتحادیه جهانی دانشجویان ایرانی	۵۰۰	
پیکار - پاریس	۱۰۰۰۰	
۶- خراسان		
مشهد:	۲۰۰۰	
امیر	۵۳۰۲۰	
د - خراسان	۱۰۰	
کارگری	۵۰۰	
معلم استادان	۷۵۰۰	
هواداران روستای شاندیز	۲۰۰۰	
هوادار	۱۰۰۰۰	
۷- خوزستان		
اهواز:	۵۷۷۰	
الف - ر	۵۰۰	
ع - دانش آموز هوادار	۱۲۰۰	
ک - دانش آموز هوادار	۵۰۰	
هسته کارگری	۱۰۰۰	
اندیمشک:		
و - دکهدار	۵۰۰	
دزفول:	۷۵۰۰	
الف - م	۲۰۰۰	
سهراب دانش آموز هوادار	۱۰۰۰	
۸- فارس		
بندرعباس:	۳۳۴۱	
الف - ۲۶	۲۰۰۰	
اسکندر	۱۰۰۰۰	
ت	۱۰۰۰۰	
ت - بوند	۲۲۴۱	
ج - کارگر	۲۰۰۰	
ج	۱۴۰۰۰	
ذ - انگشتر	۱۶۰۰۰	
ز - الله زنجیر	۵۰۰۰	
س	۹۲۱۰	
س	۶۳۰۰	
ع	۱۱۹۰۰	
ف	۷۰۰۰	
م	۴۰۰۰	
ن	۹۰۰۰	
ه	۷۰۰۰	
بوشر:		
ب	۲۹۰۰	
بیک رفیق	۱۰۰۰۰	
داراب:		
هوادار	۵۰۰	
هوادار	۱۰۰۰	
نسا:		
۳ انگشتر	۱۰۰۰۰	
شیراز:		
بدون کد	۱۰۰۰	
بویز	۱۰۰۰	
جنگزده هوادار	۱۵۰۰	
تهران		
الف سرماز ۱۵ بنزین	۲۲۲۰	
دسر	۲۰۰۰	
۱۸۲۱۰	۲۰۰۰	
۲۲۷۰۰	۲۰۰۰	
۵۰۰۰	۲۰۰۰	
۵۱۰۰	۲۰۰۰	
۶۸۰۰	۲۰۰۰	
آرش ۸ ساله		۲۲۲۰
آدین	۱۰۰۰	

الف	۱۰۵۰۰
۱۳۲۲۰	۱۰۰۰
۱۷۰۰۰	۱۰۰۰
۷۱۶۱۰	۱۰۰۰
۶۹۰۰	۱۰۰۰
احمد	۶۹۰۰
ازد - د ش	بنزین
اسلامشهر - م	۱۰۰۰
اسما عیال	بنزین
افتخار - م از کوه رشت	۲۰۰۰
اندیشه	۲۰۰
ب	۱۵۰۰۰
بنزین	۲۰۰۰
بهرنگ	۱۰۰۰
پ	۳۰۰۰
کرمان - ش - ج	۶۰۷۰
ماشهر اعظم	۱۰۷۰۰
شهریار	۷۸۰۰۰
ط	۵۰۰
ع	۹۰۰۰
بنزین	۴۵+۱۵۰۰
توسط بساط - روغن و	۱۰۸۰۰+۱۸
بنزین	۱۰۰۰۰
تسلیمات	۱۰۰۰۰
توماج - ب	۱۰۰۰
ج	۵۲۸۰
چ - س	۸۲۳۰
چ - س	۱۱۷۲۰
جمال	۱۰۰۰
جمع ۲۷	۷۲۰۰+۶۲۷۰۰
علی	۱۵۰۰
علی کبیری	۷۵۰۰
ع - ماشین ساز	۲۵۰۰۰
ع - م - پی	۴۱۰۰۰
ف	۲۲۰۰۰
حیدر	۱۰۰۰
حیدر	۱۰۰۰
خانواده حنکرده	۱۰۰۰
ح	۶۲۱۰
ح	۶۲۱۰
انوشیروان	۲۲۰۰
فر - م	۲۹۰۰
ف - ف - شوق هدیه	۴۲۱۰
فواد کوبین خوارسار	۵۸۰۰
ق - ن کودکی ۱۰ ساله	۸۲۲۰
ق - بنزینی اولدوز	۵۶۲۰
ق	۵۰۰۰
د - د - بابل ۳ قطعه طلا	۱۰۷۰۰
د - د - ج	۲۳۰۰
ر	۲۷۱۰
ز	۹۲۲۰
ر - ج از حوزه کارگری	۱۰۷۲۰
صنایع	۲۹۰۰۰
ر - ج - سرماز	۱۰۰۰
ر - م - الف	۱۰۰۰
ر - م - د	۵۰۰
رضا هسته داس و جکش	۲۵۰۰۰
رفقای قزوین	۲۵۰۰۰
رفیق بزرگ از محسود	۵۰۰۰
رفیق سرماز	۲۲۵۰
ر - ن - ز	۲۱۰ بنزین
ر - م - ب	۵۰۰
رهگذر خبا یا انقلاب	۲۱۱۰
ز	۱۵۰۰۰
ز	۱۷۰۰۰
ز	۲۴۰۰
ز	۵۰۰۰
تاب و دارو	۱۴۰۰
س - س - سیما ۲۷ و	۱۰۰۰
س - س - ش	۱۰۰۰
س - س - ع - ب - کارخانه متین	۵۰۰
سلمان بارسی ۳۰ بنزین	۵۰۰
کازگوان:	
ابوالفضل - جاب	۱۰۰۰
الف	۲۵۰۰
اتوشوی هوادار	۳۰۰۰
اخراجی	۱۰۰۰۰
جمع ناسیوال	۲۵۰۰
جمع ناسیوال	۱۰۰۰۰
حدرجاب	۱۰۰۰
دا روختن	۱۷۰۰۰
دفترچه ساز	۱۰۰۰
رها - دارو ساز	۵۰۰
ر - سیکار	۲۷۶۰
عبیرکار	۳۰۰۰
عسک ساز	۲۰۰۰
ع - دوربین آر بی جی	۵۰۰
کمک فرستادگان	۵۰۰
لوله کش - ب	۲۸۰۰

بقیه از صفحه ۱۲ - بودجه...

صرف طرح‌های میگردد که از رژیم مزدور شاه بجا مانده است. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون هیچ قدمی در راه قطع وابستگی به امپریالیسم برنداشته است و نمی‌تواند برودارد بودجه فعلی نیز تأشیدکننده این مطلب است. این مسئله، یک بار دیگر درستی پیش‌بینی کمونیست‌ها را در این باره ثابت میکند، زیرا با توجه به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی انتظار دیدگر نمی‌شد داشت. بسیاری از پروژه‌های رژیم گذشته نیز بنا تمام و متوقف مانده و رژیم قادر به تمام و بهره برداری از آنها نگردیده است. حجم کم اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت در امور زیربنایی و صنعتی نسبت به هزینه‌های جاری، عدم تغییر کیفی در سیاست‌های اقتصادی و توسعه مصرف این اعتبارات، شکاف میان نیازهای تولید و تقاضای کالاها در بازار که با تزریق بی‌حساب پول به اقتصاد توسط دولت افزایش می‌یابد و قدرت تولیدی را افزایش نداد و تورم را که در سال گذشته حدود ۳۰ درصد بوده است بالا خواهد برد. سیاست نفت‌فروشی و واردات وسیع کالا و تشدید وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم تنها راهی است که دولت در مقابل خود قرار داده و در بودجه خود نیز منعکس کرده است ولی ظرفیت واردات نیز محدود بوده و محدودیت امکانات بندری، تخلیه و انبارسازی، توسعه بیش از حد آن را غیرممکن می‌سازد. اتلاف کالاها نیز قیمت آنها را گرانتر میکند. از سوی دیگر تولید و صادرات نفت با در نظر گرفتن شرایط موجود بازار نفت و نیز امکانات رژیم از لحاظ فنی و غیره به میزان پیش‌بینی شده نرسیده و درآمد‌های ارزی کافی نیز برای انجام واردات به میزانی که برای مقابله با کمبودها و قحطی کالاها کافی باشد، حتی اگر رژیم این سیاست را نصب العین خود قرار داده باشد، بدست نخواهد آمد. این امر در شرایط نقصان تولید داخلی، توقف فعالیت‌های نازل صنایع و بحران صنایع وابسته که به واردات مواد خام و قطعات و لوازم متکی هستند به کمبود، گرانی و قحطی کالاها ابعاد جدیدی خواهد بخشید و فشار بر رتوده‌های مردم افزایش خواهد یافت.

دولت از یک سو برای حفظ اعتبار سیستم بانکی و نجات آن از ورشکستگی و تأمین منابع ارزی برای پشتوانه اسکناس‌های منتشره و همچنین واردات کالا و خریدهای کلان اسلحه برای ادامه جنگ ارتجاعی، درآمد نفت به میزان بی‌ما بقیه ۲۳۱۱/۶ میلیارد ریال را در بودجه خود گنجانیده و از سوی دیگر اعلام نموده است که به علت فروش نرفتن این مقدار نفت "اگر منابع نامیین اعتبارات طبق پیش‌بینی نبود برای تأمین کسری احتمالی بودجه از طریق استقرار اخذ سیستم بانکی و از طریق مکانیسم صرفه‌جویی اقدام خواهیم نمود. مشاوران سازمان برنا مسو بودجه‌تکلیفان ۱۳۶۰/۲/۱۶

بعبارت دیگر در صورت عدم توفیق رژیم به

صدور نفت به میزان پیش‌بینی شده، دولت برای تأمین مخارج خود هر چه بیشتر به ارجح دیپول و تزریق آن در اقتصاد بحران زده کشور اقدام می‌نماید. این امر دستمزد واقعی کارگران و قدرت خرید توده‌ها را بیشتر کاهش داده و فقر و فلاکت توده‌ها را افزایش بیشتری خواهد داد. در صورت عدم تأمین ارز کافی دولت بسیاری از مخارج خود را از طریق ارجح دیپول عملاً بندوش توده‌ها منتقل کرده و از خود را صرف هزینه‌هایی که برای اوجیاتی است یعنی خریدهای کلان اسلحه و تجهیزات و وسائل "ضروری" خواهد نمود. مناقشه جنجالی‌های بورژوازی بر سر لایحه بودجه: جناح بنی‌مدربان فراه‌پوزیسیون ارتجاعی بورژوازی بیرون مجلس لایحه بودجه را که توسط جناح مسلط حزبی و کابینه رجائی تنظیم و به مجلس آورده شده است زیر انتقادات و حملات شدید قرار دادند. تفاضلیان این نیروها بر سر سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی و نیز وحدت آنان در مقابل کارگران و توده‌های خلق از خلال این مشاجرات نیز خود را نشان میدهد.

بنی‌صدر در خلال انتقادات خود با ردیگر بنارفا بنی خود را از پیش روی جناح رقیب در جهت تحکیم مواضع و اعمال سلطه خود که بودجه دولت نیز به وسیله‌ای برای این منظور تبدیل شده اظهار نموده و در واقع جناح مسلط دولت سعی نموده است با گنجانیدن تبصره‌های متعدد در لایحه بودجه که اختیارات وسیعی برای هیئت وزیران و مقامات محلی در مصرف بودجه منظور می‌نماید خصوصیت برنامهای بودجه را نفی کرده و آن را به آلت پیشبرد منافع و تحکیم مواضع خود تبدیل نماید. این تبصره‌ها به‌ویژه امکان میدهد بطور خودسرانه بدون لزوم ادای توضیحات به مجلس و نیروهای رقیب جابجایی‌های کلان در ارقام و اعتبارات مختلف بودجه بعمل آورده و گذشته از آن مبالغ کلانی را نیز تحت عنوان عملیات اضطراری بدون اینکه شامل کنترل قانون محاسبات عمومی گردد و ارائه سند در الزامی نماید، در جهت منافع ویژه خود مصرف نماید.

در این لایحه حتی بسیاری از اختیارات مجلس در زمینه نظارت بر عملکرد بودجه و ضوابط خرج آن بطوریکه بجهت دولت تفویض شده است. نحوه و ضوابط مخارج بسیاری از آنها در سازمانهای وابسته به جناح مسلط تابع نظر مجلس و تحت کنترل قانون محاسبات عمومی نبوده و تابع تصویب نامهای هیئت وزیران است. اعتبار زیاد و بصورت معاف از نظارت قانون محاسبات عمومی به نخست وزیر داده شده و نیز وزرا و مقامات محلی میتوانند در مصرف زیاده‌ای از اعتبارات جاری و عمرانی را بدون کنترل قانون محاسبات عمومی و تحت عنوان "عملیات اضطراری" مصرف نمایند. اینها در واقع اعتبارات سری هستند. ولی دولت در بودجه اعتبارات سری بطور رسمی منظور نگردیده و به فریبکاری توسط چتهاست. این اعتبارات را میتوان به

مقصودی به مصرف رساند. طبق تبصره ۹، بیست درصد از اعتبارات عمرانی دستگا‌های اجرائی بنا تصویب وزیر مربوطه میتواند به اجرای عملیات اضطراری اختصاص یابد. این مبلغ به ۲۲۱/۸ میلیارد ریال میرسد. طبق تبصره ۱۸ استانداران معادل ۲۵ درصد اعتبارات عمرانی استان را می‌توانند به عملیات اضطراری اختصاص دهند. در تبصره ۴۱ نیز ۵۰۰ میلیون ریال بودجه سری برای نخست وزیر تعیین شده. تفویض کردن برنامها و تغییر اعتبارات طرح‌های مختلف توسط وزراء و مقامات محلی با امانت و وسیعی مجاز دانسته شده و عملاً مصرف بودجه متفاوت از برنامهای خواهد بود که پیش‌بینی شده است. این تبصره‌ها دست جناح مسلط را در مصرف خودسرانه بخش مهمی از اعتبارات بازمی‌گذارد و از سوی دیگر به امکان میدهد قسمت مهمی از اعتبارات را تحت عنوان عملیات اضطراری و بدون کنترل قانون محاسبات عمومی به جیب خود سرازیر کرده و در جهت تأمین مالی و تجهیز خود مصرف نماید.

اختلاف منافع و تفاوت در سیاست‌های دو جناح در مقابل بحران اقتصادی - اجتماعی موجود نیز در مناقشات حول بودجه متمرکز گشت. جناح مسلط حاکمیت که در مقابل بحران اقتصادی - اجتماعی موجود توان و درمانده گشته است (مثل تمام جناحهای بورژوازی دیگر) در تداوم جنگ ارتجاعی برای جلوگیری از فروپیزی بیشتر توهم توده‌ها، فریب آنها و موجه جلوه دادن فقر و فلاکت و استفاده از شرایط جنگی در زمینه تشدید اختناق و سرکوبان میدیستری بسته و برای تأمین منابع مالی برای خریدهای کلان اسلحه و نیز نجات موقتی از ورشکستگی و تثبیت و حفظ موجودیت و تسلط خود به نفت‌فروشی بی حساب روی آورده است. این جناح برای حفظ تسلط خود بویژه در شرایط جنگی و تشدید تفاذهای طبقاتی مجبور به افزایش دخالت‌های خود در تولید و توزیع و اعمال نوعی کنترل ارتجاعی و بوروکراتیک در جهت حفظ سیستمی باشد. جناح بنی‌صدر در مقابل به حریف در جهت تضعیف او و تحکیم موقعیت خویش، تکیه اصلی را بر افشای ناتوانی وی در مقابل بحران اقتصادی موجود و کاهش مداوم تولید و روی آوردن بیشتر به سیاست نفت‌فروشی گذاشته بود.

این جناح دخالت‌های بوروکراتیک در اقتصاد و نیز اعمال پارهای مداره‌ها از سرمایه داران در جهت منافع خود توسط جناح رقیب را محکوم کرده، برای بازسازی سرمایه‌داری وابسته و مقابل بحران خواهان جلب اعتماد بیشتر سرمایه داران، به مقابل کارگران و جلوگیری از افزایش دستمزد و حقوق‌ها و کاهش از هزینه‌های جاری دولت و انداختن بیشتر بار بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان میباید. او بحران موجود را زیرکانه فقط بیای حریف



# معرفی کتاب

## (ب) - نشریات تبلیغی

لنین در این مقالات اشاره میکند که عالیت‌ترین شکل نشریات تبلیغی یک روزنامه سراسری است. روزنامه‌ای که در عین دامن‌زدن به تبلیغات واحد مستمر، سازماندهی جنبش طبقه و توده‌های زحمتکش نیز می‌باشد. این روزنامه از طریق فرموله کردن مسائل اساسی جامعه و مشخص کردن خطوط کار برین تمام فعالین مناطق و نواحی دور افتاده با مرکز ارتباط برقرار کرده و رهبری کل جنبش را زیر پوشش خود می‌گیرد. لنین ضمن باز شکافی ضرورت ایجاد یک نشریه مرکزی و سراسری به جمع آوری کمک مالی از خود کارگران جهت توده‌ای شدن و استمرار رویشات نشریه، اشاره میکند. او در ارتباط با کمک مالی کارگران مینویسد:

"نشریاتی که برپا به سکه‌های پنج کوپکی که از محافل کارگری کوچک کارخانه جمع شده‌اند، ایجاد شده با شذیض بسیار قابل اعتماد و محکم و جدیدتری است (هم از نظر مالی و مهمتر از همه از نقطه نظر بیشتر جنبش دموکراتیک کارگران) تا نشریه‌ای که با دهها و صدها روبل اهدائی روشن‌فکران هوادار ایجاد شده باشد."

لنین میزان کمک مالی کارگران به نشریه را یکی از ملاکهای درجه و عمق نفوذ و توده‌ای شدن یک نشریه میدانند. او مطرح میکند که:

"اهمیت چنین کمک‌هایی بیش از همه بر اساس منظم بودن آنها در هر روز پرداخت، بدون وقفه بودن و تعداد هر چه بیشتر کارگران نیکه‌درا این کمک‌های منظم شرکت میکنند، می‌باشد."

بر اساس چنین دیدگاهی بود که لنین مطرح ساخت، می‌بایست شعار "هر کارگر روزی

اخبار کتاب "نشریات و تشکیلات کارگری" منتشر شده است. این کتاب حاوی مقالات ارزنده‌ای از لنین در ارتباط با سازماندهی حزبی است. لنین در این مقالات بنحوی درخشانی نشان میدهد که چگونه با تشکیلات محفلی و مطبوعات محلی نمیتوان به پیشواز جنبش خروشنده پرولتاریا رفت. او بنحوی برجسته‌ای تفاوت میان کار محفلی و کار حزبی را بر شمرده و نشان میدهد که چگونه اشکال عقب مانده سازماندهی یا سخگوی جنبش اعتلائی طبقه کارگر نبوده و ابزارهای لازم را برای هدایت و رهبری پرولتری مهیا نمی‌سازند. لنین در این مقالات به دو امر اساسی هدایت و رهبری پرولتری اشاره کرده و در ارتباط با مادیت بخشیدن آنها در شرایط روسیه رهنمودهایی ارائه میدهد. این امرها عبارتند از:

## (الف) - تشکیلات

در این مقالات بحث بر سر اهمیت تشکیلات برای پرولتاریا نیست بلکه بحث بر سر بهبود سازماندهی و بکارگیری اشکال جدید است. در اولین مقاله این کتاب لنین مختصات جنبش کارگری روسیه را در سال ۱۸۹۹، چنین ترسیم میکند:

"بدون بهبود در تشکیلات هرگونه پیشرفت جنبش کارگری ما، بطور عام و ابجا در حزبی فعال با ارگانی با عملکردهای صحیح بطور خاص غیر ممکن است"

این گفته لنین بهیچوجه بمعنای برتر دانستن تشکیلات نسبت به ایدئولوژی نیست. چرا که لنین در این کتاب در واقع رهنمودهایی در ارتباط با رشد کیفی و بهبود تشکیلات ارائه داده است. او مکرراً مطرح می‌سازد که برای رهبری یک مبارزه منظم بر علیه حکومت، یک سازمان انقلابی می‌بایست انضباط و فنون کار را به بالاترین درجه تکامل برساند. بسا عزیمت از دیدگاه فوق لنین مطرح می‌سازد که تنها با سازماندهی حزبی میتوان اجرای منظم "اصول تقسیم کار" و "اصل صرفه‌جویی نیروها" را ممکن ساخت. لذا جهت تحقق پذیری اصل تقسیم کار حزبی مطرح می‌سازد:

"ضروری است که تک‌اعضای حزب و سایر گروه‌های عضو در باره امور مختلف حزب تخصص یابند، عده‌ای در امر چاپ نشریات، عده دیگر در امر وارد کردن آنها از مرز، گروه سوم برای توزیع آنها در داخل روسیه و..."

سین در مقایسه با کار محفلی مینویسد: "ما می‌دانیم که چنین تخصصی نیاز به خودداری به مراتب بیشتر، نیاز به قابلیت‌های به مراتب بیشتر برای تمرکز در کارهای روزمره کوچک و کم‌اهمیت که به چشم نمی‌آیند و نیاز به مراتب بیشتری به قهرمانی واقعی تا کار محفلی دارد."

یک کوپک به نشریه کارگران کمک کند تا تبلیغ کرد. لنین مصرا نه مطرح می‌کند:

"با ید این را بصورت سنت در آورده که هر کارگری در هر روز پرداخت حقوق، یک کوپک به نشریه کارگران کمک کند. بگذارید اشتراک نشریه رواج یابد و بگذارید آنها که میتوانند بیشتر اعانه بدهند اینکار را بکنند همچنان که در گذشته این کار را کرده‌اند."

لنین، سپس به مسئله ارتباط یک نشریه مرکزی و نشریات محلی و نحوه همکاری ریه‌های آنها در زمینه تبلیغات می‌پردازد و بوسیله شخصی به سه نکته در این رابطه اشاره میکند:

(۱) - نشریات محلی حزب می‌بایست برخی مقالات و مطالب نشریه مرکزی را دوباره چاپ کنند،

(۲) - بیشتر شعارها و مقالات ارگان (نشریه) مرکزی را بزبان قابل فهم برای عامه در بولتن‌های محلی تبیین و تفسیر کنند و بطور مشخص با شرایط محلی و اوضاع توده‌های آن منطقه، تطبیق دهند.

(۳) - نشریات محلی در شنا سازی ارگان (نشریه) مرکزی به توده‌ها بکوشند.

بلاشک مطالعه این کتاب در ارتقاء درک و آشنائی با رهبری پرولتری موثر خواهد افتاد. و مطالعه آنرا به کلیه رفقا بویژه رفقای تشکیلاتی و هوادار توصیه میکنیم.



ترجمه حسین زیدی  
۱۳۰۱

## کتابهای جدید

دو اثر از لنین را که اخیراً به چاپ رسیده است، برای مطالعه رفقا و توده‌های انقلابی معرفی می‌نمایم. ما خواهیم کوشید معرفی کتاب‌های جدید را همچنان ادامه دهیم.



ترجمه احمد باغی



ترجمه حسین زیدی  
(مترجم)



**امپریالیسم آمریکا نوکران  
خود را مسلح می کند!**

امپریالیسم جنایتکار آمریکا یک لحظه از مسلح کردن رژیمهای مزدور و ارتجاعی غافل نمیشود. امپریالیستهای آمریکائی با فروش اسلحه نه تنها مبالغ هنگفتی از ثروت خلقها را به بیغما می برند، بلکه علاوه بر رژیمهای ارتجاعی را مسلح میکنند تا انقلاب را وحشیانه سرکوب کنند. رژیم پاکستان که رژیم جمهوری اسلامی آنرا بنام «رژیم اسلامی و مترقی» جا میزند در واقع یکی از حکومتهای مرتجعسی است که مورد حمایت نظامی گسترده یانکیهاست. چندی پیش امپریالیسم آمریکا مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار کمک نظامی - اقتصادی به رژیم پاکستان داد. اما علاوه بر این وام، قرار است ظرف پنج سال آینده آمریکا دو میلیارد و پانصد میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی در اختیار رژیم مزدور پاکستان قرار دهد. بر اساس همین قرارداد دینجمله اخیراً دولت پاکستان توافق نموده ۱۵ هواپیمای بمب افکن «اف-۱۶» به پاکستان تحویل دهد. این هواپیماها که توسط کمپانی «جنرال داینا» یک کورپوریشن ساخته میشود هر کدام ۱۴/۵ میلیون دلار قیمت دارد. در واقع پس از سقوط رژیم شاه خائن آمریکا بیش از پیش به تسلیح رژیمهای وابسته بخود بخصوص عربستان سعودی و پاکستان پرداخته تا بدین ترتیب بتواند خلا ناشی از حضور رژیم شاه را پر کند و بیرواضح است که این کمکها نه تنها ضد انقلاب را در برابر کارگران و زحمتکشان مسلح میکند، بلکه علاوه بر این امکان را بوجود می آورد تا آمریکا از طریق رژیمهای دست نشاندۀ خود در منطقه کمربند حفاظی در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی را مستحکم سازد.

علاوه بر اینها بطوریکه میدانیم پس از کودتای امپریالیستی شوروی در افغانستان، امپریالیستهای غربی و بخصوص آمریکا به تسلیح سازمانهای ضد انقلابی اسلامی در این کشور پرداخته تا بدین ترتیب بتوانند بیغما بله با روسها سیردازند. فعلاً این سازمانها که ما هیتا متضاد با مبارزات توده های زحمتکش افغان علیه رژیم وابسته «بیرک کارمل» می باشد در جهت منافع امپریالیستها قرارداد دویزه همین خاطر کشورهای سرمایه داری غرب از طریق رژیم وابسته پاکستان مزدوران افغانی را مسلح مینمایند. در سال ۱۹۸۱ این کشورها مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار در اختیار پاکستان قرار دادند تا سازمانهای اسلامی ضد انقلابی افغانستان به فعالیت خود ادامه دهند. علاوه بر موسسات بین المللی امپریالیستی غرب قول داده اند تا برای سال مالی آینده مبلغ یک میلیارد و یکصد و هفتاد میلیون دلار به پاکستان بدهند.



این مبلغ که نهمصد میلیون دلار بیش از کمک سال جاری است، برای حمایت از مزدوران افغانی میباشد. بدین ترتیب درمی یابیم که چگونه امپریالیسم آمریکا و نیز سازمانهای لیستیهای غربی رژیم سرسپرده ضیاء الحق را مسلح مینمایند و چگونه رژیم پاکستان با تمام قدرت بهاریان جهانی خود خدمت میکند. این واقعیت یکبار دیگر نشان میدهد که زیر حجاب اسلامی، رژیمهای ارتجاعی بزرگترین خدمتها را به امپریالیستها میکنند. خدمتها که جز خیانت همه جا نبه نسبت به منافع خلق معنای دیگری ندارد.

**بحران اقتصادی  
در شوروی  
سوسیال امپریالیستی!**

سخنرانی برژنف مرتددر کنگره ۲۶ حزب روزیونیست شوروی علیرغم تمام عوامفریبیها، یکبار دیگر نشان داد که جامعه سرمایه داری شوروی دچار بحران اقتصادی می باشد. یک اقتصاد سوسیالیستی هرگز مواجها با بحران نمیشد. زمانی که بر اقتصاد دسود حاکم است، زمانی که بر اقتصاد دقانون هرج و مرج و آنارشی غلبه دارد، زمانی که هدف اقتصاد دهنه تا مین منافع کارگران و سایر زحمتکشان، بلکه تا مین سود هر چه بیشتر بورژوازی می باشد، آری در چنین هنگامی اقتصاد نمیتواند بدون بحران باشد. اقتصاد شوروی از آنجا که یک اقتصاد سرمایه داری امپریالیستی میباشد دستخوش بحران بوده و نمیتوانیم انکار کنیم بحران را در تشدید استعمار طبقه کارگر، در رشد بیکاری، در بحران کشاورزی و در کاهش آهنگ تولید در این کشور مشاهده نمائیم. نمونه زیر یکی از دهها مواردی است که بروشنی واقعیت بحران در شوروی سوسیال امپریالیستی را ثابت میکند.

برژنف خیانتکار در منطق خود برنا اقتصاد پیش بینی شده را به این ترتیب

ا اعلام نمود:

پیش بینیهای اقتصادی

الف - سهم برداشت شده از درآمد ملی برای مصرف و انباشت	۹۰-۱۹۸۰	۴۰ درصد
ب - سرمایه گذاری	۹۰-۱۹۸۰	۴۰ درصد
ج - محصول ناخالصی اجتماعی (درآمد ملی)	۸۵-۱۹۸۰	۲۰-۱۸ درصد
د - تولید صنعتی	۸۵-۱۹۸۰	۲۸-۲۶ درصد

روزیونیستهای شوروی در بیان هر برنامه اقتصادی، برنامۀ جدیدی ارائه میکنند اما هرگز برنامۀها نمیتوانند هدف پیش بینی شده خود دست یابند. گذشته از این امر، اگر ما مقایسه ای میان ارقام فوق و ارقام سالهای گذشته بکنیم بوضوح مشخص میشود که اقتصاد شوروی دستخوش بحران است.

اگرنگاهی به کتاب حاوی سخنرانی برژنف بیا نندازیم متوجه میشویم که:

- بندالف در دهه ۸۰ - ۷۰ از رشد ۵۵ درصدی برخوردار بوده، در حالی که برای دوره ۹۰ - ۸۰ بعبران ۴۰ درصد افزایش پیش بینی شده است.
- بندب در دهه ۸۰ - ۷۰ از رشد ۶۶ درصدی برخوردار بوده، حال آنکه برای دوره ۹۰ - ۸۰ بعبران ۴۰ درصد افزایش پیش بینی شده است.
- بندج در برنا ما پنجساله دهم نسبت به برنا ما نهم از رشد ۲۹ درصدی برخوردار بوده، در حالی که برای برنا ما میا زدهم (۸۵ - ۸۰) برابر ۲۰ - ۱۸ درصد پیش بینی شده است.
- بندد در برنا ما پنجساله دهم نسبت به برنا ما نهم از رشد ۳۳ درصدی برخوردار بوده، حال آنکه برای برنا ما میا زدهم (۸۵ - ۸۰) برابر ۲۸ - ۲۶ درصد پیش بینی شده است.

این واقعیتها نشان میدهد که چگونه اقتصاد بحران زده شوروی در موقعیت رکود به سر برده و قادر نیست آهنگ رشد سالهای قبل خود را جبران نماید. این واقعیتها یکبار دیگر مشت محکمی بر دهان روزیونیستهای خائنین توده ای و اکثریتی کوبیده و تسلیفات عوام - فریبنا نه آنها را رسوا می سازد. این واقعیتها یکبار دیگر نشان میدهد که در شوروی سوسیالیسم بلکه سرمایه داری امپریالیستی حاکم است.



# تظاهرات عظیم ۱۰۰ هزار نفری علیه رژیم حاکم در تهران!



وتفنگ وحشیانه به  
کشتار مردم اقدام کرده  
عده‌ای را بشهادت رسانده  
ومداهای نفرا زخمی و  
دستگیر نمودند.  
میدان فردوسی از خون  
شهیدان گلگون شد و لکه  
ننگ دیگری بر دامنه  
رژیم جمهوری اسلامی  
نشست. با این حمله  
وحشیانه

در میدان فردوسی، توده‌های مبارز ما شین پا سداران را به آتش کشیدند.

تظاهرات از یک خصلت کاملاً انقلابی برخوردار نبود و فاقد مضمون دمکراتیک و تسخیر بود. مجاهدین حتی میکوشیدند تا جمعیت را وادار به گفتن "درود بر بنی صدر" نکنند، اما عده معدودی این شعار را سر داده و خیلی فوری نیز قطع میگردد. در واقع توده‌های مبارز تمایلی به بیان این شعار نداشتند و ما هیت انقلابی آنها بطور غریزی این شعار را شکار الیبرالیستی را پس میزد. اما بهر حال مسئله‌ای که بسیار مهم است اینست که کمونیستها میبایست هر چه بیشتر در اینگونه تظاهرات شرکت کرده و سطح شعارها را بسوی دمکراتیک و انقلابی ارتقا بخشند. کمونیستها باید بدین جهت لیبرالیتهای خائن را که میکوشند بر جنبش سوار شوند افشاء کرده و به توده‌ها نشان دهند که لیبرالها نیز مانند حزبی‌ها دشمن زحمتکشان میباشند و بهیچوجه نمی‌توانند مدافع آزادی برای توده‌های زحمتکش باشند. بعلاوه کمونیستها باید با بدین پیگیری شدید مجاهدین را بر ملا ساخته و به کارگران و سایر زحمتکشان نشان دهند که فقط به اتکا یک مبارزه انقلابی علیه کل بورژوازی است که میتوان به دمکراسی واقعی دست یافت. تظاهرات دیروز و گسترده‌گی آن بیانگر این مسئله بود که حرکت اعتلائی جنبش با زهمه مسیر فزاینده خود ادامه داده و علیرغم سرکوب وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی بسوی سردمداری حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد. کارگران و سایر توده‌های مبارز در تجربه خود به اتکا فعالیت آگاهانه گرانه کمونیستهای راستین، عوام فریبیهای لیبرالها را رسوا خواهند ساخت و بسوی انقلاب به پیش خواهند رفت.

یکبار دیگر توده‌های مبارز در تجربه خود دیدند که رژیم جمهوری اسلامی فقط به اتکا گلوله و فریب مردم می‌تواند با برجا بماند، یکبار دیگر در تجربه خود فهمیدند که رژیم جمهوری اسلامی در کشتار خلق هیچ دست کمی از رژیم جنایت پیشه پهلوی ندارد. یکبار دیگر فهمیدند که رژیم جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان را می‌سرما به داران است. پس از بخون کشیده شدن تظاهرات عظیم، تظاهرات در کشتار به بخشهای مختلف تقسیم شده و دوباره با روحیه‌ای رزمنده به تظاهرات دست زدند. در خیابان طالقانی یک ما شین جهاد را مورد حمله انقلابی قرار دادند و به یک مینی-بوس حامل فالانژها بشدت با سنگ و چوب حمله کرده و تمام شیشه‌های آن را می‌شکنند و بسوی بسه ایجاد راه بندهان در وسط خیابان می‌پردازند و با سنگ و چوب به طرف سفارت امپریالیزم امریکا حمله می‌برند. این تظاهرات عظیم بیانگر به نمایش گذاردن خشم و نفرت توده‌های مبارزی بود که از جنایات و ستمگریهای رژیم حاکم و حزب جمهوری به ستوه آمده‌اند. اما مسئله مهمی که باید بدیدان توجه شود این است که مجاهدین می‌کوشیدند تا شعارهای لیبرالی را در میان مردم نفوذ دهند. شعارهای تظاهرات از جمله عبارت بود از: "حزب چاق بدستان باسد بره کورستان"، "مرگ بر بهشتی"، "نصر من الله وفتحاً قریب مرگ بر این جزیک مردم فریبنا بهشتی"، رجائی خلق آمده کجائی؟ "زندانی سیاسی، آزادی بدرگردد"، "مرگ بر استبداد"، "سلام بر آزادی..."  
همانطور که می‌بینیم شعارهای مسلط بر

شنبه ۳۰ خرداد تهران شاهد تظاهرات عظیم مردم بود. تظاهراتی که بیش از صد هزار نفر در آن شرکت نمودند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بخود لرزانده. توده‌هایی که دو سال تمام دروغ و فریب رژیم حاکم را دیده‌اند، توده‌هایی که دو سال سرکوب و غفلت را تجربه کرده‌اند، توده‌هایی که طی دو سال اخیر جز فقر بیشتر، بیکاری بیشتر، تورم و گرانی بیشتر چیز دیگری ندیده‌اند، مشتاقانه به صف تظاهرات عظیم می‌پیوستند. توده‌ها در تظاهرات شرکت کردند تا نفرت خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، سردمداران آن و حزب منافق جمهوری اسلامی به نمایش بگذارند. صف انبوه تظاهرات ساعت ۴ بعد از ظهر از چهار راه مصدق بسوی طالقانی و بسوی خیابان طالقانی (تخت جمشید) پیچید. در طول تظاهرات مردم کوچک و بزرگ جمعیت تظاهرات کردند. میبویستند. مردم از پنجره‌های خانه‌های خود برای تظاهرات کنندگان کف میزدند و مشت‌های گره کرده خود را بالا میگرفتند. آنها به هیجان آمده بودند. در مسیر خیابان طالقانی چند موتور متعلق به پاسداران به آتش کشیده شدند و چندین نفر از پاسداران که در لباس شخصی قصد حمله داشتند شیدا مورد ضرب و شتم توده‌های مبارز قرار گرفتند. تظاهرات کنندگان هر جا که عکس سردمداران رژیم و از جمله خمینی را می‌دیدند پاره میکردند و با اگر به شیشه‌های دولتی بود با سنگ مورد هدف قرار میدادند. صف تظاهرات از خیابان بهار بسوی جنوب آمده و بسوی در خیابان انقلاب بسوی میدان فردوسی حرکت نمود. تمام عرض خیابان و تمام طول خیابان از حدود بیچ شمیران تا میدان فردوسی مملو از جمعیت تظاهرات کننده بود. در مسیر خیابان انقلاب چند موتور دیگر از پاسداران جنايتكار و حزب اللهی‌ها به آتش کشیده شدند. در طول تظاهرات تا میدان فردوسی از دسته‌های فالانژ و پاسداران ژ-۳ بدست خبری نبود، آنها از وحشت در مقابل توده‌های عظیم خلق پنهان شده بودند. هنگامی که صف تظاهرات به میدان فردوسی رسید پاسداران جنايتكار که در قسمت جنوبی میدان و روی پشت بامها مستقر شده بودند اقدام به شلیک هوایی نمودند. جمعیت فریاد می‌زد: "بچه‌ها مقاومت مقاومت!" و "توپ، تانک، مسلسل، دیگرانترندارد!" و "ویران ما را مسلح کنید!" بدنبال این شلیک هوایی جمعیت به طرف یک ماشین متعلق به پاسداران که در میدان مستقر بود حمله کرده آنرا با باران پرتوان خود بلند کرده و سرنگون کردند و بسوی با کوهن مولوتوف به آتش کشیدند و موتور دیگری را نیز آتش زدند. در این هنگام پاسداران جنايتكار روخون آشامه بسوی صف تظاهرات شلیک کردند. آنان با مسلسل

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



بدنبال تلاهرات چند هزار نفری کارگران شهر صنعتی قزوین وسامتهاد رگیری با مزدوران :

## دهها کارگر زحمتکش توسط پاسداران جمهوری اسلامی بخاک و خون کشیده شدند

برای شنیدن اراجیف استنادار، بنما بند، اما کارگران با تهدید، این مرتجعین را فراری میدهند. در این موقع "طاهر خانی" رئیس کمیته شهر صنعتی و مزدور فدکا رگروشنا خته شده برای کارگران به همراه دو پاسدار ربمیان کارگران میاید و از آنها میخواهد که به محل سخنرانی بیرونند. کارگران که از یک طرف دلبری از این عنصر سرکوبگرداشته و از طرف دیگر نمیخواستند که سخنرانی مزدور سرما به را گوش دهند کینه طبقاتی خود را با کتک زدن این سه نفر به نمایش می گذارند.

بدین ترتیب درگیری آغاز میشود و کارگران صفوف خود را فشرده ساخته و برای رسانیدن فریادشان به گوش سایر زحمتکشان روانه شهر میشوند تا اینکه نرسیده به قزوین و در نزدیکی های پلیس راه، مسلسل بدستان مزدور رژیم سرمیرسد. آنها با گشودن آتش بروی کارگران بیدفاع، فاجعه ده سال پیش کاروانسرا سنگی را تکرار کرده و نشان میدهند که تما می رژیمهای سرما به داری تحت هربوش و ظاهرعوا مغربیانته - ای که باشند آنجا که منافع طبقاتی سرما به داران حکم کند، در مقابل خروش قهرآمیز طبقه کارگر، با سخنی نادرند جز آتش و خون. این قانون مبارزه طبقاتی است. و طبقه کارگر زمانه خود اهدتوانست راه خود را بسوی نابودی طبقات استیما رگرو برقراری حاکمیت واقعی زحمتکشان باز نماند که با تکیه بر اتحاد و تشکیلات خود، نبرد قاطعی و خونین فردا را تدارک ببیند!

بعدا ز بخون کشیدن کارگران، درگیری

بقیه در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی که بمنظور سرکوب انقلاب و تحکیم سیستم سرما به داری وابسته، در بسیاری از موارد، گوی سبقت را از رژیم جنایتکار شاه رسیده است، ما هیت فدکا رگیری خود را با بخون کشیدن کارگران مبارز شهر صنعتی البرز به آشکارترین شکلی به نمایش گذاشت. اگر رژیم مزدور شاه با انجام فجایعی نظیر به رگبار بستن کارگران جهان چیت در سال ۱۳۵۰ دشمنی آشفتی ناپدید خود را با طبقه کارگر نشان میداد، اینک رژیم جمهوری اسلامی که قدرت اصلی آن را دارا روده است ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی بدست گرفته است، توسط مزدوران مسلح به مسلسلهای آمریکائی و روسی خوددها تن از کارگران قهرمان قزوین را به خاک و خون کشیده و شهید و یا زخمی می نماید.

روز چهارشنبه ۲۷/۳/۶۰ استاندار زنجان برای سخنرانی و در واقع عوامفریبی به شهر صنعتی البرز میاید. مزدوران حزبی رژیم نیز به تنگابومی افتند تا کارگران را برای شنیدن مزخرفات استاندار جمع کنند. اما کارگران زحمتکش که فشا رشید اقتصاد از یکسوی و هوش و حسیانه داروده است "مکتبی" رژیم به آزادیهای دمکراتیک و ایجاد محیط خفقان و سرکوبگری در کارخانه ها از سوی دیگر موجب حادث شدن خشم و کینه طبقاتی تیشان گردیده بود، با نارضایتی در میدان شهر صنعتی اجتماع کرده بودند. افشاگرهای عده ای از کارگران که در نزدیکی میدان جمع شده بودند، موجب گردید که فالانتهای حلقه بگوش حزب با شمار دادن قصد متفرق کردن کارگران و کشتن آنها

بقیه از صفحه ۱۴ چگونه...

تما یلاتمان، بینشی چپروانه و ایده آلیستی است که ذهن را برعین مقدم می شمارد. خطر این بینش غالباً از آن جهت است که پس از طی یک پروسه به عکس خود یعنی سیر انداختن در مقابل واقعیات و دنباله روی از آنها منتهی میشود با توجه به آنکه غلو کردن در کم و کیف مبارزات توده ای در گزارشات ارسالی رفقای یکدوره جنبه همگانی و گسترده ای داشته است.

۴- یک گزارشی زمانی میتواند از انحرافات مذکور برتری بوده و بیشترین استفاده را برای ارگان مرکزی در برداشته باشد که محصول یک کارجمعی باشد. بصورتی که رفقای گزارشیگر حتی الامکان سعی کنند گزارشی خود را بر پایه یک بحث جمعی با سایر رفقای حول مضمون آن تنظیم نمایند و با حداقل رفقای دیگری قبل از ارسال آن برای نشریه، آنرا خوانده و نظرداده

۵۲۰۰۰	معلمین	۲۰۰۰	بقیه از صفحه ۲۱
۱۰۰۰۰	مهمین	۱۰۰۰	محمد دا روسا ز
۵۰۰	۱۰ کوبین	۱۵۰	نچا ر
۱۰۰۰	و- س	۱۶۰۰۰	هوادار
۱۵۰	و- س	۳۲۶۰	کد
۱۰۰۰	۱۵۰ بنزین	۵۰۰	کس بلوط اتوبوس
۱۰۰۰	دکه دار	۵۰۰	کمال کارمند
۷۰۰۰		۱۰۰۰	کمون اژدر- با با دداشت
۱۲۸۰۰		۲۰۰۰۰	کهن - برای کومله
۱۶۰۰۰		۳۱۰۰	ی
۱۷۰۰۰		۳۰۰۰	م
۱۰۰۰	ن - ب	۳۲۸۰	
۳۳۰۰	ن - م	۵۸۰۰۰	
۱۵۰۰۰	ن - محمود برای کومله	۶۰۰۰	برای کردستان
۶۲۳۰		۹۵۰۰	
۶۲۳۰		۹۶۴۰	
۶۲۳۰		۱۲۸۰۰	
۶۲۳۰		۱۶۲۰۰	
		۲۱۸۰۰	م- آ
		۱۰۰۰	م- احمد
		۱۰۰۰	ما در پرویز
		۱۱۳۰۰	ما داری - خرج بکروز
		۱۲۲۰۰	خانواده اش
		۱۴۱۴۰	ما در ش - ج
		۲۸۲۰۰	ما در ماریا - کرج
		۳۲۷۰۰	ما در ماریا زکود - قاطعه
		۱۰۰۰	م- آ
		۵۰۰	ما در هوادار - ش
		۶۰۰۰	م- ج
		۸۴۰۰	م- جنگزدگان
		۷۵۰۰	م- ج
		۱۶۳۰۰	م- ر
		۲۲۶۰۰	م- س
		۲۵۰۰	م- بنزین
		۱۰۰۰	م- ک
		۲۰۰۰۰	م- گمنام
		۱۴۰۰۰	م- م
		۳۰۰۰۰	م- منفی
		۱۲۰۰	موسی ازبوشهر
		۴۰۰۰	مهرداد
		۶۰۰۰	مهوش
		۱۰۰۰	میثو
			معلمین:
		۱۰۰۰	پرشد
		۱۲۰۰۰	جدی
		۶۰۰۰	جمشید
		۱۰۰۰۰	زری
		۷۰۰۰	سیمما
		۱۰۰۰۰	شیرین
		۵۰۰۰	ص
		۸۰۰۰	ع - الف - کرج
		۱۰۰۰۰	ع و منا حیه ۶۹
		۲۵۶	ف - ۲۵۶
		۲۵۰۰	ف - سیرجان
		۳۰۰۰	محمود - بن خواریه
		۱۰۰۰	معلم زکرج

با یوزش از اینکته نتوانسته بودیم به علت کمبود جا فهرست کامل کمکهای مالی هفته گذشته را در شمار ۱۱۰۰ درج نمائیم، لیست کمکهای مالی هفته گذشته در این شمار درج گردید. کمکهای مالی این هفته در شمار آینده خواهد آمد.

ارگان مرکزی سازمان را پیش بریم. بکوشیم تا هریک از ما بعنوان یکی از چند هزار همکاران هیئت تحریریه پیکار در آئیم و با غنی تر کردن محتوی ارگان مرکزی، امر مهم تبلیغ، ترویج و سازماندهی توده ها در شرایط اعتلاشی جا معمان پیشبرده و جنبش کمونیستی را در جهت برداشتن گامهای استوار روبلند، باری رسانیم! هرگز فراموش نکنیم که امر رهبری پرولتاریا و پیروزی انقلاب، آن بدست شما مده و فداکارها، از جان گذشتگیها و تلاش شبانه روزی کمونیست - های پیکار میطلبند.

"پس دست بکار شویم، رفقا!"  
به امید پیروزی!

## بخشش از دسترنج زحمتکشان برای که؟

**غیبر**  
۶۰/۳/۱۶

**۱۰۸ دستگاه اتوبوس واحد بطور  
رایگان در اختیار نهادهای انقلابی  
شیراز قرار گرفت**

**شیرازی شیراز - استفاده  
اتوبوس بطور رایگان  
در اختیار نهادهای انقلابی  
چک زنگ بستن اتوبوس  
سپاه پاسداران بنیاد شهید  
کمیته فرهنگی مراسم  
کمیته بنیاد شهید  
آذرخه ستاد برگزاری نماز  
جمع و نماز بنیاد شهید  
ماه است.**

مختلف بدنیال خود میکشاند، مشا هده نما شیم .  
طبق خبر روزنامه "غیبر" (شیراز) شهرداری  
شیراز ۱۰۸ دستگاه اتوبوس در اختیار نهادهای  
انقلابی " در واقع ارگانهای سرکوب و تحمیق  
توده ها و به رایگان قرار داده است. شهرداری  
شیراز که در قبضه مرتجعین حزب جمهوری اسلامی  
است ۱۰۸ دستگاه اتوبوس را که از دسترنج و خون  
زحمتکشان تهیه شده اند به رایگان در اختیار:  
■ "ستاد بسیج سپاه پاسداران" قرار  
میدهد تا در اسرع وقت او با شان مسلح راجهت  
سرکوب توده های انقلابی و کمونیست بفرستد؛  
■ "بنیاد شهید" قرار میدهد تا از کمیته  
زحمتکشان برای عوام فریبی و تبلیغات  
ارتجاعی استفاده نماید؛

■ "بنیاد فرهنگی مسجد آتش ها"، "ستاد  
برگزاری مراسم دعای کمیل" و "ستاد برگزاری  
نماز جمعه" قرار میدهد تا برای تحمیق توده ها و  
تاشید زورگی گرفتن از آنان جهت قطعنامه های  
ارتجاعی و از جمله به رخ رقیب لیبرال کشیدن  
تعداد آنها و... سودجویید.

کارگران و زحمتکشان ایران!  
در مقابل غارت دسترنج و ادا ما است شمار  
خود بدست مزدوران و سردمداران رژیم جمهوری  
اسلامی و بیوزنه جناح حزب جمهوری اسلامی  
وسوء استفاده ها، توطئه ها و تیرنگهای  
رژیم در سرکوب، تحمیق و فریب توده ها، مبارزات  
خود را گسترش داده و با درهم شکستن تشبثات  
جناح حزب، عوام فریبی ها و فریادهای دروغین  
آزادی خواهی لیبرالهای ضد انقلابی را نیز  
افشا و طرد نماید.

به پیش برای مبارزه در راه پیروزی  
انقلاب و سوسیالیسم!

روشنائی صبح از منزل بیرون آید تا بتوانند  
خود را بموقع سرکار برسانند تا با قطع دستمزد،  
کسرحقوق و انواع تضییقات دیگر کارفرما  
روبروشوند.

۰۰۰ رژیم جمهوری اسلامی بنا بر این هیتش  
نخواست و نمیخواهد که کوچکترین قدمی در  
جهت حل این مشکل زحمتکشان بردارد و چنین  
انتظاری نیز از او نمبرود.

اما سردمداران مرتجع رژیم جمهوری  
اسلامی برای نیل به هدف و مقاصد خود و ارتجاعی  
خود صدها هزاران اتوبوس آماده میکنند. کافی  
است که بهنگام برگزاری برنامه های حزب  
جمهوری اسلامی نگاهی به اطراف محل برنامه  
بیندازیم تا صف طولانی اتوبوسها و کامیونها  
را که برای ایجا دیسباهی لشکر با تهدید و اوعیاب  
و نیز سوء استفاده از معتقدات مذهبی و توهمات  
توده ها، مردم نا آگاه را از روستا ها و محلات

زحمتکشان میهن ماها نظریکه از همه  
نهایهای حداقل زندگی بی بهره هستند،  
همانطور که از گرانی، قحطی، بی مسکنی، نبود  
بهداشت و... که از زمان رژیم سرما بسده دار ی  
میباشند درنج می برند، برای رفت و آمد و حمل و  
نقل روزانه خود نیز با مشکلات فراوانی روبرو  
هستند.

توده های زحمتکش، زنان پیره مردانیکه  
گمرشان در زیر دست و استعمار خرم شده است، کودکان  
بیمار با بد در زیر برف زمستان و آفتاب سوزان  
تاستان سا عتها در انتظار اتوبوس صف بکشند و  
چه پیشما رهستند زحمتکشان بیماری که در اثر  
دسترسى نداشتن به وسیله نقلیه قبل از رسیدن  
به دکتر و بیمارستان میمیرند، کارگران زحمتکش  
با ید برای رسیدن به محل کار خود بدون دریافت  
دیناری بخاطر ما عتها وقتی که در راه رسیدن به  
کارخانه و کارگاه تلف میکنند با بد قبل از

## نمونه دیگری از حقوقهای کلان مرتجعین "مکتبی"!

جمهوری اسلامی و چپا ولهای نظیر آنرا با رها  
افشاء کرده ایم.

■ در زیر بندی را که میبینید مربوط به ریخته  
شدن ۱۴ هزار و هفتصد و پنجاه و پنج تومان  
(۱۴۷۵۵۹ ریال) بابت حقوق خرداد ما "حسین  
محمدی تربتی" رئیس کل سازمان قند و شکر از  
زعمای حزب جمهوری اسلامی به حساب وی و آنهم  
یکهفته قبل از پایان خرداد ما میباشد. (البته  
اینمقدار پس از کسر چند هزار تومان بابت  
مالیات پرداخت شده است و اصل حقوق این  
"مکتبی" مرتجع ۲۵ هزار تومان میباشد).

آری! مرتجعینی چون تربتی "حزبی" که  
چندی پیش در یک معامله خرید شکر با همدستی  
شرکای حزبی اش ۱۶۰ میلیون دلار از دسترنج  
شما زحمتکشان را بالا کشیدند، حقوقهای کلان  
می گیرند و با وقاحت تمام زحمتکشان ما را به  
قناعت و بر دباری، تولید بالا و مزد کم و...  
دعوت میکنند. این منطق همه سرمایه داران است.

کارگران و زحمتکشان ایران!

■ در حالیکه سردمداران "مکتبی" رژیم  
جمهوری اسلامی در مقابل خواستهای عادلانه  
و بحق شما برای گرفتن بخشی از دستمزدتان  
(عیدی، پاداش، سود ویژه و...) پاسخی جز  
اخراج، زندان و گلوله پاسداران به شما  
نمیدهند و در شرایطی که کارکنان جنگزده هنوز  
نتوانسته اند حقوقهای عقب مانده ماههای گذشته  
و حتی بخشی از آنرا از حقوق سرما به داران بیرون  
بکشند،

■ در حالیکه سران جمهوری اسلامی فریبکارانه  
توده های زحمتکش را به قناعت و ساختن با  
"نان و پنیر" و... دعوت کرده و ادعا میکنند که  
حداکثر حقوق **وزراء** فقط ۷ هزار تومان است  
مقامات مرتجع و حزبی رژیم جمهوری اسلامی  
حقوقهای کلان ۲۵ هزار تومانی و... دریافت میکنند.  
■ ما در گذشته حقوق بیست و چند هزار تومانی  
غرضی مرتجع استاندار خوزستان و از سران حزب

سازمان قند و شکر  
جمهوری اسلامی ایران  
تاریخ: ۱۳۳۰/۲/۲۰  
پست: ۱۳۳۰/۲/۲۰  
سازمان قند و شکر

۰۰۰ بانک ملی ایران شعبه آرک  
از: اداره کل امور مالی قند و شکر

چک شماره ۱۱۰۲۳۸-۱۱۰۲۳۸-۶۰ مبلغ یکصد و  
چهل و نه هزار و پانصد و پنجاه و نه ۱۴۷۵۵۹ ریال ب حساب  
شماره ۴۰۲۸۴ آن شرجه بابت حقین یکماهه خرداد ما  
سالجاری آقای حسین محمدی تربتی رئیس کل سازمان قند و  
شکر از پیرونده هفت شماره ۳۴۵۰-۳۴۴۰-۳۴۴۰-۳۴۴۰ از  
گروهی باین اداره نامه فرمایند

مظہری  
معاون اداره کل امور مالی  
گیرنده روز نوشت

مرگ خوبست اما برای همایه!  
زحمتکشان ما تنها با اتحاد و همبستگی  
طبقا تری و ادا ما مبارزه است که میتوانند حق خود  
را از گلولی سرما به داران بیرون بکشند!  
مبارزات خود را بر علیه رژیم جمهوری  
اسلامی تا پیروزی نهائی ادا ما دهیم!

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله...

در این شرایط است و اگر این درست است که لیبرالها، علیرغم وحدت طبقاتی با حزب، در بستر این مبارزه توده‌ها و برپا به تضاد ضد انقلابی شان بطور عمده نقشی در سرکوب بالفعل و عربان رژیم نداشته (نه اینکه خواهان سرکوب نیست!) و عملاً در صحنه سیاسی کشور بی‌عوا مغربیتی و فریفتن توده‌ها مشغول بوده و می‌کوشند، منافع مستتر در ضدیتش با حزب را، منافع نهفته در مبارزه توده‌ها با روند سرکوب و اختناق حزب جا بزنند، و در این راه موفق شده‌اند با برانگیختن توهم توده‌ها نقش مهمی در مخدوش کردن مرزدموکراسی انقلابی و لیبرالیسم ضد انقلابی و ارتجاعی خود داشته باشند؛ آری اگر اینها واقعیت‌های عینی کنونی هستند، بنا بر این تا کنیک پرولتاریا باید بر چنگال منبثی استوار باشد که اولاً در برابر تعرض بالفعل حزب در هجوم به انقلاب و دست‌آوده‌های دموکراتیک آن، مقابله نماید و آن را به گامی در جهت تکامل مبارزه خویش بر علیه کل نظام تبدیل سازد، و ثانیاً عوام مغربیتی لیبرالها را در بستر این مبارزه افشا نموده و نفوذ ضد انقلابی آن را در میان توده‌ها، در بستر مبارزه و تجربه آتی توده‌ها از یک سو و تجربه گذشته آنها از سوی دیگر از میان ببرد، و ثالثاً با درهم شکستن این توهمات، در بستر تجربه توده‌ها، آنها را به دموکراسی انقلابی و نیروهای انقلابی مدافع آن نزدیک سازد و ایده سرنوشتی کل رژیم طبقاتی حاضر را در ذهنیت آنان پرورش دهد.

تحقق اهداف فوق نیازمند در پیش گرفتن تا کنیک ذیل است: اولاً باید برای خارج کردن مبارزه توده‌ها و جنبش انقلابی از زیر ضرب ضد انقلابی بورژوازی، که اکنون توسط جناح معینی از آن یعنی حزب، سازمان داده می‌شود، و گام ابتدائی خود را در جهت تشدید سرکوب و خفقان و تشدید هجوم به آزادی‌های دمکراتیک یافته است، متمرکز کرده و با تمرکز نقل مبارزه در این بستر و بر این نیرو اردوی انقلاب را به جلو سوق داد.

ثانیاً با دوسیم بر علیه بورژوازی لیبرال و عوام مغربیتی‌های آن در همسویی ظاهری با انقلاب و دلسوزی ریاکارانه به حال انقلاب و "آزادیها" به افشگری پرداخت و نفوذ آن را در جنبش مورد ضرب قرار داد. افشگری بر علیه لیبرالها با چنین مضمونی درست به معنای وارد آوردن ضرب به آن از همان دری است که وارد شده است! در غیر این صورت بی‌گمان، ضرب ما جز تیریه تاریکی انداختن، و خارج کردن لیبرالیسم ضد انقلابی از جهت اصلی ضربی که متناسب با کارکردش با بدسیر آن وارد آید، نخواهد بود.

طرح شعار اساسی دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در شرایط کنونی، و به پیش کشیدن مطالبات مشخص با مضمون دموکراتیک و انقلابی، تنها اهرمی است که می‌تواند توده‌ها را در برابر تعرض حزب به آزادی‌های دموکراتیک بسیج و گردآوری نموده و مبارزه آنها را در جهت مقابله با این تعرض بطور یکپارچه به حرکت اندازد، و هم‌عوا مغربیتی لیبرالها و ضدیت واقعی آنها را با دموکراسی انقلابی در بستر این مبارزه خنثی نماید.

مطالبات دموکراتیکی همچون ایجاد شوراهای واقعی، دفاع از آزادی مطبوعات، اجتماعات، و... و یا مطالبات مشخص در رابطه با جنبش خلق کرد (متناسب با همین شعار اساسی دفاع از آزادی‌های دموکراتیک) که خواست‌ها و مطالبات عینی و ملموس توده‌ها هستند، صرف نظر از اینکه بطور آشکار و پنهان با مطالبات لیبرالی مرزبندی می‌کنند؛ آنها را در برابر خواست‌هایی قرار میدهند که توده‌ها خواهان آنند و به مبارزه برای تحقق آن تمایل ملموس نشان می‌دهند، اما لیبرالها به حکم ماهیت طبقاتی و مضمون حرکت و تضاد خویش، از پاسخ گویی و همراهی با آن عاجز و ناتوانند و هیچگاه نخواهند تحقق آن نیستند (هرچند که ممکن است در شرایطی بحکم اجبار، و برای حفظ موقعیت و نفوذ خود، عوام مغربیه تا به جراتی از این مطالبات تن در دهند بدون آنکه خود خواهان آن باشند تجربه بسیار این عقب نشینی‌ها را نشان داده است.) این مطالبات به توده‌ها اجازه می‌دهد که به تجربه خود، سیمای واقعی لیبرالها را بازشناسند و بتدریج از آنها فاصله گیرند.

طرح این مطالبات به معنای آنست که ما ایده سرنوشتی را بطور غیر مستقیم به میان توده‌ها می‌بریم. وقتی که ما در کنار تبلیغ ایده جمهوری دموکراتیک خلق (که خود به معنای بردن غیر مستقیم ایده سرنوشتی به میان توده‌هاست)، این مطالبات را که خود بخشی از مطالبات حداقل پرولتاریاست به پیش می‌کشیم؛ و توده‌ها را به حول آن بسیج می‌نمائیم؛ این امر به معنای آنست که بدون جدا شدن از بستر مبارزه توده‌ها - چیزی که برای ما حائز اهمیت فراوان است - آنها را بطور غیر مستقیم و باتکیه بر تجربه خودشان به سمت ایده سرنوشتی سوق داده ایم. ما با طرح این مطالبات لیبرالها را در پیش توده‌ها بطور آشکار به محاکمه میکشائیم و خصلت واقعی حرکت، تضاد و همسویی آنان را بر ملا می‌سازیم. طبیعی است که تجربه گذشته توده‌ها پس از قیام یعنی در زمانیکه لیبرالها با حزب مشترکاً بالفعل به سرکوب انقلاب دست می‌یازیدند، در اینجا به کمک ما می‌آید و ذهن توده‌ها را در بستر کارآگاهانه

ما به سمت ماهیت واقعی لیبرالها و مطالبات آنها، معطوف می‌گرداند.

البته روشن است که طرح این مطالبات به معنای آن نیست که در چهار چوب قانونیست رژیم جمهوری اسلامی، اساساً قابل تحقق است؛ هرچند که ممکن است، فشار نیروی جنبش در جریان توسعه و گسترش آن برخی از آنها را از چنگال بورژوازی حاکم بیرون کشد و تحقق آن را تا حدی تسهیل نماید. طرح این شعارها و مطالبات، صرف نظر از تحقق برخی از آنها و یا عدم تحقق آن، اساساً هدف تکامل مبارزه توده‌ها و سوق دادن آنها در مسیر انقلاب را دنبال می‌کند. این مطالبات، با توجه به زمینه عینی پذیرش توده‌ای آنها در شرایط حاضر، بهترین بستری است که می‌تواند این جنبش و مبارزه توده‌ها را تکامل و ارتقاء دهد.

بدین ترتیب، شعار دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی در شرایط حاضر بهترین اهرمی است که در این شرایط توسعه و گسترش انقلاب را تضمین و تا مین خواهد نمود و ما را در بردن ایده سرنوشتی به میان توده‌ها، متکی به تجربه خودشان به بهترین نحوی یاری خواهد نمود. ما در شماره‌های بعدی در این زمینه بیشتر سخن خواهیم گفت.

دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در برابر تعرض حزب جمهوری اسلامی را به اهرمی در جهت گسترش انقلاب تبدیل کنیم!

بقیه از صفحه ۱ بازهم...

دولت ارتجاعی رجائی در جلسه دوشنبه ۶۰/۳/۲۵ تصویب نموده است که:

- مبلغ سی میلیون ریال وام جهت تأمین مخارج پلیس قضائی

- مبلغ دویست میلیون ریال وام جهت تأمین هزینه‌های اضطراری در استان کردستان

بپردازد ("صبح آزادگان" - ۲۶ خرداد ۶۰)

کیست که نداند "پلیس قضائی" ابزار سرکوب دیگری است در دست شورای عالی قضائی

به سردمداری بهشتی مرتجع و کیست که نداند تا مین هزینه‌های اضطراری در کردستان، جز

تا مین بخشی از هزینه‌های سرکوب و کشتار خلق قهرمان کردهج مفهوم دیگری ندارد.

کارگران و زحمتکشان ایران:

تنها با تشدید و گسترش مبارزه انقلابی علیه سرمایه‌داری و وابسته ایران و اتحاد و

همبستگی انقلابی میتوان با توطئه‌ها و یورشهای وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به سردمداری حزب

جمهوری، علیه انقلاب و خلقهای زحمتکش مقابله کرد.

با ادامه مبارزه و اقامت ارگانهای سرکوب رژیم توطئه‌های خائسانه سردمداران جمهوری اسلامی را بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی درهم شکنیم!

کارگران! در صف مقدم مبارزه برای دفاع از آزادی‌های دموکراتیک و ایجاد شوراهای واقعی به پیش!





## جنبش کارتگری

بقیه از صفحه ۴ **کارتگران** ...

و کارمندان ، بلکه با فریب و سیرنگ و با زور مسلسل و گلوله با سداران سرمایه عملی شده است . دولت و هیئت مدیره اش برای بالا بردن تولید همواره مبارزات بحق ماکرگان شرافت - مند را با گلوله و گاز اشک آور با بیخ گفته ، دست به اخراج وسیع کارتگران آگاه و مبارز زده ، ساعت کارمان را از ۴ به ۴۸ ساعت افزایش داده ، در بعضی از شرکتها گروهی از کارکنان اجباری را برقرار کرده و حالاهم خیال خام گرفتن پنجشنبه ها یمان را در سر می پروراند !

اما ادامه مبارزات قدرتمند و متحد ما کارتگران زحمتکش مشت محکمی خواهد بود بر دهان این دروغگویان !

مرگ بردشمان طبقه کارگر !  
پیروز با دمبارزات طبقه کارگر !  
برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق !

## “جلوگیری از اخراج کارتگران کروپ : عوامفریبی رژیم جهت پوشاندن قراردادهای امپریالیستی !

رژیم جمهوری اسلامی در جهت وابستگی هر چه عمیقتر و سریع ترش به امپریالیستها با جای پای رژیم شاه خاش گذاشته و با بستن قراردادهای جدید با امپریالیستها و حیای قراردادهای اسارت با رگدشته ، خدمت خود به امپریالیستها و خیانت آشکار خود را به کارتگران و زحمتکشان ، بوضوح نشان میدهد . هم اکنون قراردادهای چون قرارداد با “تالیبوت” انگلستان و “کروپ” آلمان و قراردادهای چند میلیونی اسلحه با امپریالیستها و رنگارنگه پوچی فریادهای دروغین “فدا امپریالیستی” را با نشانیهای و به یمن همین قراردادهاست که رژیم ضد خلقی با تکیه بر امپریالیستها ، مبارزات کارتگران و توده های زحمتکش را تا جاییکه بتوانند مرکوب کرده و دستاوردهای مبارزاتی آنان را پس میگیرد . رژیم برای منتقل کردن با برحمان اقتصادی و سیاسی خود بر دوش کارتگران که ناشی از برحمان جهانی امپریالیسم است ، دست به اخراجهای دسته جمعی کارتگران میزند و با زینا بر همین مایه ها سرمایه داران را ، چهره دروغین دفاع از کارتگران را به خود میگیرد . سند زین نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه اخیراً در یکجا حدود ۱۰/۰۰۰ کارتگرما به فولادها و زرا عملاً اخراج کرده است چگونه با عوامفریبی به اخراج ۵ هزار از کارتگرمان

اتحار امپریالیستی “کروپ” که از سها سداران آن نیز میماند ، ا اعتراض میکند :

**نمایندگان مانع اخراج ۵۵ هزار کارتگر از کارخانجات فولاد کروپ آلمان گردیدند**

دردی کن - سود استبداد و زور مطلق از مبارکات ایران در سرمایه کارتگرمان کروپ برای دولت امپریالیستی آلمان در جمهوری آلمان استفاده کرده است و سبب انقراض آلمان برای آلمان میگرد که در تاریخ پس از جنگ آلمان میگرد تاکنون دیده نشده بود که امپریالیستی با انگیزهای طبعی اتحاد خود در صنایع ایران که نماینده دولت ایران در شورای نظارت کارخانجات فولاد کروپ در شهر پوم است مانع از اخراج کارتگرمان در این کارخانجات شود . نمایندگان کارتگرمان در این کارخانجات با تکیه بر اتحاد و همبستگی خود مانع از اخراج کارتگرمان گردیدند . نمایندگان کارتگرمان در این کارخانجات با تکیه بر اتحاد و همبستگی خود مانع از اخراج کارتگرمان گردیدند . نمایندگان کارتگرمان در این کارخانجات با تکیه بر اتحاد و همبستگی خود مانع از اخراج کارتگرمان گردیدند .

کیهان - یکشنبه ۲۶ خرداد ۶۰  
احمدزاده مرتجع شما بیننده رژیم در مخالفت با طرح اخراج ۵ هزار کارتگر کروپ میگوید که “طبق عقیده و ایدئولوژی ماسونوستان انسانها مهمتر از امور و مصالح اقتصادی است . باین ترتیب اعتراضات کارتگران در شورای نظارت کارخانه فولاد کروپ منتهی به تکیه بر اتحاد و همبستگی خود گردیدند . نمایندگان کارتگرمان در این کارخانجات با تکیه بر اتحاد و همبستگی خود مانع از اخراج کارتگرمان گردیدند .

آیا ایدئولوژی سرمایه داران رژیم جمهوری اسلامی مملحتی جز اخراج کارتگران میبیند؟ ببینید چگونه غرضی مرتجع استاندار خوزستان اخراج کارتگران را مری موجه جلوه میدهد :  
“... استاندار خوزستان گفت : بغا طبر و ابستگی این صنعت به آمریکا و عدم اجرای قرارداد توسط آمریکا شیها پس از شکست سیاسی شان در ایران ، آنها دیگر نخواهند این صنعت گسترش پیدا کند . لذا دولت سعی میکند کارتگران این صنعت را به کارهای دیگری بگمارد . . . استاندار خوزستان در پاسخ این سؤال که آیا قصد گشایش مجدد کارخانجات صنایع فولاد را دارید یا خیر؟ گفت : در مورد صنایع فولاد چون هنوز به تولید نرسیده ایم معلوم نیست بتوانیم با طرف دیگر قرارداد که متاسفانه به قرارداد نگاه میکند عمل کنیم و بعد است که آمریکا با ما دست خودی آلمان حاضر باشد قرارداد را به اجرا بگذارد .”

اطلاعات ۶۰/۳/۲۵  
وقاحت هم حدی دارد . رژیم از یکطرف بخشی از صنایع “کروپ” امپریالیسم آلمان را به خاطر جلوگیری از ورشکسته شدن آن میبرد . و از طرف دیگر گشایش صنایع فولاد را به بهانه همدستی آلمان با آمریکا و اینکه بعید است مجدداً با ایران قرارداد ببندد ، عملاً منتفی اعلام میکند . از یکطرف کارتگران صنایع فولاد هوا را اخراج میکند و از طرف دیگر برای کارتگران آلمانی دل سوزانده و در صدد جلوگیری از اخراج آنها بر می آید !! اما حقایق رژیم دیگر رنگی ندارد . بیرولتاریای آگاه ایران به همراه بیرولتاریای آلمان و جهان ، تنها راه نجات خود را در سرنگونی سیستم جهانی سرمایه داری دیده و تشکیلات خود را جهت پیشبرد این مبارزه مقدس و انقلابی سازمان میدهند .

بقیه از صفحه ۲۲ **بودجه** ...

خود میگذارد و فریبکارانه خود را طرفدارد مکرسی و حقوق مردم جا میزند . بنی صدر در نقد بودجه دولت مینویسد :  
“ ما درگیری تولید و روابط تولید هستیم ” ، ما تکلیف روابط قانونی را در بخش های مختلف فعالیت های اقتصادی روشن نکرده ایم . ما مشکل روابط اجتماعی داریم ” ، “ عدم امنیت قضائی و فقدان روابط حقوقی مشخص میان اجزای تولید و صاحبان عوامل تولید ما را به توسعه واردات وادرا خواهد کرد . سرمایه هاراکد خواهد ماند و سرمایه کارخانه فرار میجوید و جلوگیری از آتیم عملاً غیر ممکن است . ” ( انقلاب اسلامی ۱۳۶۰/۲/۱۶ )  
منظور بنی صدر از “ مشکل روابط اجتماعی ” و “ درگیری روابط تولید ” و “ عدم امنیت قضائی ” چیست ؟ قطعاً ونگران امنیت قضائی برای توده های مردم نیست ، و در واقع خواهان تامین امنیت و آزادی هر چه بیشتر برای سرمایه داران وابسته ، راه اندازی هر چه سریعتر چرخهای اقتصادی با سرکوب کارتگران و بقول خودش حل “ درگیری روابط تولید ” است . و خواهان تضمین بیشتر “ امنیت قضائی ” برای “ صاحبان و وسائل تولید ” یعنی سرمایه داران است . ولی جناحهای رقیب رژیم ، علیرغم اختلافات خود در زمینه سیاست های اقتصادی و اجتماعی ، در ستایش از جنگ ارتجاعی ، تقویت ارتش و نهادهای سرکوب ، با بازی سیستم و مقابله با برحمان موجود از طریق افزایش فشار بر توده های خلق وحدت دارند . حالا از آنچه تا کنون گفتیم جمع بندی مختصری بعمل آوریم :

- ۱- بودجه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی آن ، بودجه ای است که در جهت تحکیم سرمایه داری وابسته ، دفاع از منافع سرمایه داران ، انتقال بیش از پیش بار برحمان بدوش کارتگران و زحمتکشان و تشدید فقر و فلاکت آنها حرکت میکند .
- ۲- با اختصاص یافتن بیش از یک کل بودجه برای تقویت و تحکیم ارگانهای سرکوب ، قصد رژیم جمهوری اسلامی برای نفی هرگونه آزادی و سرکوب شدن مبارزات کارتگران و زحمتکشان بر ملا میشود .
- ۳- مضمون مبارزه جناحهای مختلف بورژوازی ( لیبرالها و حزبی ها ) بر سر بودجه اشبات میکند که اختلاف و مبارزه میان این جناحها بر سر دفاع از منافع کارتگران و زحمتکشان نیست ، بلکه اختلاف بر سر تامین هر چه بیشتر و بهتر منافع این یا آن جناح از بورژوازی ضمن در نظر داشتن منافع کل طبقه بورژوازی است .
- ۴- ترکیب درآمدهای بودجه و چگونگی مصرف آن ، یکبار دیگر ما هیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی وضیعت ناموتام آن را با کارتگرمان و زحمتکشان نشان میدهد .
- ۵- بودجه رژیم جمهوری اسلامی و هدفهای این رژیم با زهم اشبات میکند که بدون نابودی سرمایه داری و استقرا روسیالیسم ، راهائی کارتگران و زحمتکشان از قید استعمار وستم و فقر و فلاکت امکان پذیر نیست .

( پایان )



بقیه از صفحه ۲ وضعیت ...

ب- کارگران دائم (آتشکار)  
محاسبه بر مبنای تولید ۲۵۰ تن در هفته (یکس  
آتش)

بلکه تا قهای زندگی کارگران را "سلولهای  
انفرادی" مینامند. و با درجسای که در  
وزارت کار رجعت رسیدگی به وضع کوره پزخانه ها  
در اسفند ماه سال گذشته تشکیل گردید، تصمیمات  
زیر گرفته میشود:

- ۱- گاز سوز کردن کلیه کوره های زیر نظر
- اتحادیه صنف فکار جدا کثرتا پان سال ۱۳۶۰.
- ۲- رعایت اصول بهداشتی و رفاهی

نمایندگانی از کارگران توافق شده که سازمان -  
های کارگری و کارفرمایی وزارت کار به امر  
انتخاب نمایندگان کارگران در هر منطقه  
کمک و نظارت نمایند و در نهایت شورای از جمع  
کارگران هر منطقه با تمام مناطق نیز بوجود  
آید. "و با ... اگر در حل مسائل تسریع نشود  
اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها شروع خواهد شد".  
اما کارگران مبارز کوره پزخانه ها علیرغم  
عملکردها و توطئه های ضد کارگری رژیم مبارزات  
خود را جهت افزایش دستمزد، بدست آوردن  
امکانات رفاهی و ... به پیش میبرند. این  
مبارزات که اتفاق خونین خود را در اعتصاب ۴۰  
هزار نفری کارگران کوره پزخانه ها در ۱۳۳۸ در  
رژیم شاه خاش، نشان داد، اینک ادامه راه خود  
را در اعتصابات پراکنده ۵۸ واخبر ادر  
اعتصاب کارگران کوره پزخانه های "خاتون  
آباد" بر وجود، کرمانشاه و ... در رژیم جمهوری  
اسلامی می بیند.

در تاریخ ۶۰/۲/۱۸ کارگران کوره پزخانه های  
"خاتون آباد" تصمیم میگیرند جهت برآورد شدن  
خواستهای زیر تاریخ شنبه ۶۰/۲/۱۹ اعتصاب نمایند:

- ۱- با توجه به چند ایراد بر شدن قیمت مواد  
مصرفی مثل گوشت، تخم مرغ، روغن و نان و ...  
دستمزد هر هزار ری خشت هم با دیده همان نسبت  
افزافه گردد.
- ۲- مسائل بهداشتی چون: ساختن حمام  
ساختن توالت.
- ۳- آتاشا میدنی کافی تهیه و در دسترس  
کارگران گذاشته شود.

۴- داشتن بیخ و یخچال برای هر خانواده.  
۵- دادن کفش و دستکش به قالب کفشها  
و قالبدارها.

۶- استادکاران زهرتومان خشت ده شاهی  
و نه یک ریال، حق استادکاری بیشتر بر ندارد.  
۷- کارگران کوره پزخانه ها باید بیمه شوند.

۸- تامین خانه های مسکونی برای کارگران.  
کارگران اعتصابی در روز ۶۰/۲/۱۹ با  
پیوستن عده ای دیگر از کارگران که مشغول  
کار بودند، در جاده تهران - خاتون آباد، دست  
به تظاهرات میزنند.

کارگران شعار میدادند: "درود بر کارگر،  
مرگ بر سرما به دار"، "کارگران به ما ملحق  
شوید، شهید راه حق شوید"، "خشت هزار ری ۱۵۰  
تومان با یدگردد" و ...

کارگران در بین راه با تعیین شعارها و  
تدوین خواسته ها و با محکم تر کردن صفوفشان  
جهت جلب دیگر کارگران به کوره پزخانه های  
دیگر میروند.

این اعتصاب در کنارسای اعتصاباتی که  
در کوره پزخانه های بروجرد، کرمانشاه و ...  
بوقوع پیوسته و خواسته های کارگران مطرح  
کرده اند، نشانگر ادامه وضعیت مشقت بار  
زندگی کارگران کوره پزخانه ها در رژیم جمهوری  
اسلامی و عوام فریبانه بودن تبلیغات رژیم  
مبنی بر "رسیدگی به مشکلات کارگران" میباشد.

نوع کار	تعداد لازم	تقریب درآمد هفتگی یکمکی + مزیای	نوع کاری که انجام میدهند
۱ چرخ کش	۵	۱۴۲۹۰ ریال	خشتهای زده شده را بوسیله فرقان از محوطه کوره به قلمبرهای کوره حمل مینمایند.
۲ کوره چین و کمکی کوره چین	۱	کوره چین ۱۹۱۰۰ کمکی کوره چین ۱۶۱۰۰ ریال	خشتهای آورده شده توسط چرخ کش را با نظم خاصی در قلمبرهای کوره میچینند.
۳ کوره سوز	۲ (استاد و کمکی)	استاد کوره سوز ۱۷۹۰۰ ریال کمک کوره سوز ۱۰۰۰۰ ریال	مسئولیت تنظیم سوخت کوره را بر عهده دارند
۴ اجریارکن	۳ یا بیشتر	۱۱۵۰۰ ریال	مسئولیت بار کردن اجرها پس از پخت به گامیون دارند که توسط دستیاران انجام میگیرد.
۵ پای چرخ کش	۶۲۰۰ ریال	مسئولیت هموار کردن راه بین محوطه کوره و قلمبرهای کوره را برای چرخ کشها بعهده داشته و علاوه بر آن وظایفی مانند تهیه غذا، چای، نان، آب، گوشت و سایر مباحث کارگران آتشکار را بر عهده دارد.	
۶ زغال کش	۹۷۲۵ ریال	مسئولیت مخلوط نمودن مواد سوخت را بعهده داشته و موظف است سوخت را پس از تهیه توسط چرخ دستی نزد کوره سوز در روی قلمبرها بیاورد.	
۷ عمله آریایی (کارگران متفرقه)	دستمزد بصورت روزمزدی و با توافق طرفین تعیین میگردد	برای کارفرما (آریایی) کار کرده و کارهای متفرقه را انجام میدهند.	

نارسانها در کلیه کوره ها.  
۳- تهیه آتاشا میدنی بهداشتی و تصفیه  
شده برای کلیه کوره ها وسیله مالکین کوره.

۴- بیمه کردن کلیه کارگران  
۵- اتمام کار ساختمانی درمانگاه  
خاتون آباد و تامین کار در پرسنلی و وسایل  
مورد نیاز آن وسیله وزارت بازرگانی.

۶- اتمام کار ساختمانی ع شرکت تعاونی  
مصرف کارگران کوره پزخانه ها  
۷- ...

جالب اینجاست که برای برآورد شدن  
موضوعات بالا حداکثر یک ماه یعنی تا پایان  
فروردین ۶۰ به کارفرمایان "مهلت" داده  
میشود. اما نه تنها کارگران کوره پزخانه ها  
بلکه بر همه زحمتکشان ما پوشیده نیست که چگونه  
فقر و فلاکت آنها در رژیم جمهوری اسلامی همچنان  
ادامه یافته و نه تنها خواسته های انقلابیشان  
برآورده نشده بلکه زورگویی سرما به داران حاکم  
بر آنان چندین برابر گشته است.

هدف دیگر رژیم زبرگزاری این جلسات  
برنامهریزی برای جلوگیری از تشکیل شدن  
شوراهای واقعی کارگران کوره پزخانه ها و  
ایجاد شوراهای فرمایشی جهت به شکست کشاندن  
مبارزات خود بخودی آنان است. مسئولان رژیم  
در جلسه ای که در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ در وزارت کار و  
برگزار شد مطرح میکنند که: "در خصوص انتخاب

ج: انبار رزن - که در دو گروه فوق جای نمیگیرد  
انبار رزن موظف است که خشته را در محوطه کوره  
به ترتیب خاص چیده و روی آنان را با خاک  
پوشاند. تا از باران در امان باشند.

**سیاستهای عوام فریبانه رژیم  
در مورد کوره پزخانه ها**

از آنجا که شرایط سخت و طاقت فرسا و  
استثمار و خشیانه کارگران کوره پزخانه ها  
آنان را به اعتصاب و گرفتن حق خود از حلقوم  
رژیم سرما به داری، میکشاند. که سال گذشته  
شاها اعتصابات وسیع آنان بودیم - رژیم با  
گذاشتن جلساتی با شرکت عوامل و دست  
اندرکارانش و دادن طرحهایی جهت "بهبود"  
وضع کارگران کوره پزخانه ها، چهره به اصطلاح  
دفاع از آنان در برابر کارفرمایان را به خود  
می گیرد. وضعیت اسفناک روز زندگی کارگران  
کوره پزخانه ها به حدی است که رژیم در تحقیقات  
خودناچاراً از اعتراف بدانها شده است. برای  
مثال هنگامیکه عوامل رژیم از کوره پزخانه های  
واقع در "خاتون آباد" دیدن کرده اند، نه  
تنها شرایط کار را "اسفناک" توصیف میکنند

یعنی کوره در ۲۴ ساعت یکبار روشن شود.

بقیه از صفحه ۳۲ فراخوان...

روی دیوار با گرفتن دردست در معرض دید عابریان دیوار نویسی کوتاه شده اخبار افشاگریها ، تکثیر این مندرجات بصورت اعلامیه ها و تراکتها و پخش وسیع آنها ، بویژه در کارخانه ها ، نقل شفا های آنها در هر نقطه و فرصت ممکن ... هستند .  
۴- اگر چه برای فروش خبرنا مه های مرکزی و محلی ممکن است بهائی تعیین شود ، اما ما سا هدف پخش هر چه وسیعتر و توده ای تر آن مدنظر است . از همین جهت در پخش آن ، مسئله فروش در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد .

۵ - کلیه اخبار و گزارشات و افشاگریهای مربوط به خبرنا مه را به هیئت تحریریه بیکار - پخش خبرنا مه بیکار - ارسال دارید .

۶- ارگانهای محلی سازمان باید بیک نسخه از کلیه اخبار و گزارشات و افشاگریهای خود را قبل از انتشار در خبرنا مه محلی ، در اولین فرصت ممکن ، برای خبرنا مه مرکزی بفرستند .

۷ - هما نظور که میدا نید ضمن ثابت بودن مضمون و ماهیت افشاگری ما در قبال حزبی ها و لیبرالها ، شکل این افشاگری در مورد لیبرالها تا حدی متفاوت بوده و می بایست با طرح و بهیبه در شعارها ئی که عوام فریبی و خیانت پیشگی لیبرالها را در جریان مبارزات روزمره توده ها بنمایش میگذارند آنها را افشا نمود . در همین رابطه رفا با بد در تجربیات و گزارشات خود ، میزان تاثیر گذاری شعارها و افشاگری های ما در قبال لیبرالها را بر ذهنیات ، روحیات و حرکات توده ها ، نـوع عکس العمل های مثبت و منفی توده ها در قبال این شعارها ، را دقیقاً و موبه مود ذکر نمایند .

۸- رفا باید تجربیات مبارزات توده ای را با کلیه نمودها و علائم مثبت و منفی آنها برای برخورد آموزشی در خبرنا مه در جهت ارتقاء جنبه های مثبت این مبارزات و تصحیح نکات منفی آنها ، بطور کامل و دقیق برای ارسال دارند .

۹ - در اخبار ، گزارشات و افشاگریهای خود ، میزان و ترکیب طبقاتی شرکت کنندگان در هر حرکت را ذکر کنید . البته این مسئله فقط به حرکات دمکراتیکی که توده ها صورت میدهند محدود نمی شود و در مورد توده های شرکت کننده در راهپیمائی ها و اجتماعاتی هم که حزب برآه می اندازد صادق است .

۱۰- در مواجیه با اشکال مختلف مبارزاتی که در جهت کسب آزادیهای دمکراتیک و برضد خفقان حاکم صورت میگیرد ، اعم از درگیریهای خیابانی ، اعتصابات ، کم کاریها ، راهپیمائی ها ، اجتماعات ، اظهارنارضایتی ها و ... معمولاً بخشهای مختلف مردم ، عکس العملها و انعکاسات نظری و عملی گوناگونی از خود بروز می دهند . نوع این عکس العملها و

بقیه از صفحه ۳۲ یادداشتها...

سیاسی خارج شود و محدود آرد اذهان مطرح شود ، بلکه حتی بزم غم خویش توانسته است خود را "زادبخواه" و "مخالف استبداد حاکم" جلوه دهد و بر بستر تلاش برای تحقق چنین اهداف ضد انقلابی ای . "جبهه ملی" دست به عبارت - پردازی زده و مردم را به قیام نیز دعوت مینماید!! اما تلاش جبهه ملی و حرکت وی برای برگسزاری راهپیمائی اعتراضی بی شک نمیتواند بیه نیابت از سوی کل لیبرالهای ایران ، چه آنانکه فراری و مخفی اند و چه آنانکه بدلیل محظورات و حضورشان در مجلس و ... در شرایط کنونی قادر نیستند که دست به حرکت اعتراضی زنند صورت گیرد . از اینرو بیالتین اعتراضخواهین عوام فریبی به دوش جبهه ملی افتد و سایر لیبرالها نیز بصورت کتبی و شفاهی و بطور مستقیم و غیر مستقیم از آن حمایت میکنند تا آنجا که حتی زمه حمایت عملی نهفت آزادی و رئیس جمهور نیز از تظاهرات "جبهه" بگوش میرسد . و اما اگر آنان بدلیل محظورات مستقیم به حمایت از این حرکت ضد انقلابی و عوام فریبانه لیبرالها نمی پردازند ، ما سلطنت طلبانسی چون "ارتش راهپیمائی ایران" ! با صدور اطلاعیه ای از راهپیمائی "مترقی" ! "جبهه ملی بر علیه" استبداد و خفقان " حمایت میکنند . رادبخواه های "صدای آزاد" و "رادبوی ایران" و امثالهم نیز به حمایت فعال از تظاهرات "جبهه" می پردازند و از آن حمایت میکنند . در روستا های رویزیونیستی نظیر نجران نیز دعوت جبهه را لبیک گفته ، توده ها را بزرگوارم بورژوازی لیبرال ضد انقلابی در مخالفت با "انحصار طلبی" و "استبداد" حزبی فرا میخوانند . در سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی و نوکران رویزیونیست شان نظیر اکثریت و حزب توده به آرایش قوامی پردازند و در صدد برمی آیند که راهپیمائی را با شدت هر چه بیشتر سرکوب نمایند ، اعلامیه "تحریم" رویزیونیستهای اکثریت که در حقیقت اطلاعیه تهدید جبهه ملی و

بسیج نیروهای خود علیه آن است جلوه ای از در یوزگی رویزیونیستها در دفاع از رژیم حاکم است . حزبیها نه تنها با بسیج نیروهای خود مانع از اجرای تظاهرات می گردند ، بلکه با حملات تبلیغاتی خود لیبرالهای شریک خود نظیر بنی صدوبا زرگان را "تطهیر" میکنند .

خمینی در سخنرانی خود جبهه ملی را "مرتذ" میخواند و خواهان روشن شدن موضع بنی صدوبا زرگان در مقابل تظاهرات "جبهه ملی" است با زرگان به سیاق همیشگی خود فوراً "جا" زده و با صدور اطلاعیه ای حمایت خود را از تظاهرات تکذیب میکند . اما بنی صدوبا زرگان مسئله سکوت میکند و معنی این سکوت چیزی جز حمایت تلویحی از این تظاهرات و تشدید موضعگیری در مقابل خمینی نیست . اما این موضعگیری بنی صدوبا زرگان به دیگری به دست خمینی و حزب جمهوری میدهد تا حملاتشان را علیه وی تشدید نمایند .

امروزه اگر چه کاریکای توری از نقیض لیبرالها در قدرت باقی مانده است ، اما در واقع آنان کاملاً از قدرت رانده شده اند و این خود زمینه اتحادهای بیشتر در روستا های مختلف لیبرالها را نزدیک خواهد نمود . و متحد شدن جبهه لیبرالها را که حتی حمایت سلطنت طلبان را نیز با خود به همراه دارند ، رنگ خطر بیشتری را برای جنبش خلق به مداد درمی آورد . کمونیستها و نیروهای انقلابی باید بکوشند با افشای بی ایمان ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی بورژوازی لیبرال ، به هر رنگ و لباس و با حزب و جبهه ای که در آیند ، ما سک آزادیخواهی آنان را در برده و با توضیح ماهیت واقعی آنان ، مانع از آن شوند که لیبرالها بتوانند سوار بر جنبش شده و آنرا در جهت منافع خود سوق دهند .

آلترنا تیبو کمونیستی تنها میتواند بدیر بستر مبارزه علیه رژیم ، افشای بی ایمان لیبرالها ، زدودن و جدا کردن صف خرده بورژوازی دمکرات از بورژوازی لیبرال و کشاندن آن سوی خود شکل گیرد . این وظیفه ای است تاریخی که امروز بیش از پیش بر جستگی می یابد .

۱۲ - در ارسال کلیه اخبار ، گزارشات ، افشاگریها ، تجربیات مبارزاتی توده ای و ... ضمن رعایت کامل و دقیق بودن ، هر چه کاملاً ملتبس بودن ، انطباق برواقعیت و سایر موارد تکنیکی از قبیل زمان و محل رویداد و ... میزان موثق بودن ، نیمه موثق بودن یا شایعه بودن آن را حتماً ذکر کنید .

۱۳ - تنها زمانی مینواند این تشریح به اهداف خود برسد که هر فریقیمانندیک خبرنگار مرموزی تشریح شده و در ارسال سریع و بموقع و فعال خبر و گزارش از یک سو و پخش و تکثیر تشریح به هر نحو ممکن از سوی دیگر ، ما را یاری رسانند .

با درودهای کمونیستی !

انعکاسات را که از سطوح مختلف آگاهیه های سیاسی توده ها و توان ذهنی مبارزاتی شان ناشی میشود ، بطور کامل و دقیق در گزارشات تان منعکس نمائید و در این رابطه بویژه تشریح وضعیت کارگران ، مسائل مطروحه و نوع عکس العملهای آنان در قبال مسئله سرکوب و اختناق و ... از اولویتهای خاص برخوردار است .

۱۱ - تجربیات افشاگریها و تبلیغات خود را که در اشکال مختلف صورت میدهد و همچنین اشکال نوینی از این افشاگریها و تبلیغات را که در جریان مبارزاتی کشف میکنید برای انتقال و وسیعتر و توده ای تر کردن آنها از طریق خبرنا مه ، برای ما ارسال دارید .

مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک از مبارزه ضد امپریالیستی جدانیست!



## فراخوان درباره خبرنامه

رفقا!

برای مقابله با یورش حزب جمهوری اسلامی و شکستن جوخفان و سانسور در همین رابطه ضرورت انعکاس اخبار و گزارشات مبارزات دمکراتیک و ضداستعماری توده‌های مبارزان و ضرورت ارائه طرح و گسترش آلترا تیبی و برولتری بر بستر مبارزه در راه آزادی‌های دمکراتیک تصمیم به انتشار خبرنامه پیکار گرفته ایم. در این رابطه رهنمودهایی را لازم به تذکر میدانیم که در زیر آنها اشاره میکنیم:

۱- مضمون این خبرنامه صرفاً جنبه دمکراتیک و ضداختناق دارد. با این ترتیب کلیه اخبار و گزارشات مبارزات دمکراتیک و ضداختناق توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در هر شکلی که صورت میگیرد و افشاگریهای مربوط به عملکردهای ضددمکراتیک رژیم و بویژه حزب جمهوری اسلامی، در این خبرنامه منعکس نمیشود. سایر اخبار و گزارشات و افشاگری‌هایی که خارج از این مضمون قرار دارند، مثلاً اعتماد کارگران در کارخانه که با خواسته‌های افزایش دستمزد و... همراه باشد، مضمونی سوسیالیستی داشته و در چارچوب این نشریه قرار نمیگیرند. این قبیل اخبار و کمپان در جای ویژه خود در ریکا رونیشریات فابریک و محلی قرار دارند. در عین حال انعکاس اخبار مبارزات سیاسی کارگران بر علیه انجمنهای اسلامی و در راه شکستن جوخفان در کارخانه‌ها و بدست آوردن آزادیهای دمکراتیک نظیر حقوق ایجاد شورای واقعی، مقابله با سرکوب رژیم، اخراج پاسداران از کارخانه‌ها و... در همین نشریه منعکس میگردد.

۲- علاوه بر خبرنامه مرکزی که در تهران منتشر میشود، کلیه ارگانهای سازمانی در نقاط مختلف کشور باید به انتشار خبرنامه‌های محلی با مضمون ذکر شده در بالا، اقدام کنند. در این خبرنامه‌ها علاوه بر اخبار و گزارشات و افشاگری‌های دمکراتیک و ضداختناق محلی، آن بخش از مندرجات خبرنامه مرکزی نیز که مربوط به وقایع و مسائل سایر نقاط کشور و بخصوص تهران است، درج میگردد.

۳- علاوه بر خبرنامه پیکار که شکل محوری انعکاس مسائل نامبرده است، کلیه بخشهای سازمان و رفقای هوادار موظف به انتشار مندرجات خبرنامه مرکزی و خبرنامه محلی در اشکال مختلف بزرگ نویسی برای چسباندن

بقیه در صفحه ۲۱

## یادداشت‌های سیاسی هفتگی

می‌خورد، همان مخالفت‌های "قانونی" - "بی قانونی" های حزب جمهوری و "هرج و مرج" و "آشوب" بود.

اما گذشت زمان و روند تصفیه لیبرالها از سوی حزب جمهوری در حاکمیت از یکسو و تشدید مبارزاتی و مبارزات توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، "جبهه ملی" را نیز همچون سایر لیبرالها به رجزخوانی و تشدید مخالفت‌های خود با حزبها از یکسو و تشدید عوامفریبی و گرفتارن زست "آزادیخواهی" در بین توده‌ها از سوی دیگر واداشت "جبهه ملی" که خود طرفدار پروپاقرص مناسبات با امپریالیست‌های غربی و بویژه آمریکا است ناگهان "ضد-امپریالیست" از آزاده و به آزادی‌گروگان‌ها و نگرفتن پولهای بلوکه شده توسط آمریکا اعتراض نموده و اینرا سازش مفتضح در پی می‌رود. زست "ضد امپریالیستی" حزب جمهوری میخوانند! به قرار دادنا لیبوت اعتراض کرده و آنرا نشانه تشدید وابستگی میخوانند! به کشتار دانشجویان در سال ۵۹ اعتراض کرده و به حمایت ظاهری از مبارزات دانشجویان و اعتراض علیه حزب جمهوری بر می‌خیزند! به لایحه بودجه، لایحه قضا و فقدان آزادی مطبوعات و... اعتراض کرده و آنرا نشانه حاکمیت استبداد میخوانند! و جالب تر از همه آنکه این دارودسته ضداقتلایی بورژوازی، برای فریب کارگران، شعار کارگران و زحمتکشان جهان متحد شوید را بمناسبت اول ماه مه سر می‌دهند!!

آری این "چرخشهای" "جبهه ملی" که همزمان با چرخش لیبرالهای درون حکومت همراه است، و گرفتارن زست "آزادیخواهی" و ضد-امپریالیستی "برای آنست که اینبار ریتوانند برخلاف دفعه گذشته از جنبش عقب نمائند بالعکس تا آنجا که میتوانند بر آن مهار زده، بر آن سوار شده و جنبش توده‌ای را در جهت منافع ضد-انقلابی خود منحرف نماید. از اینروست که این لیبرالهای "قانون پرست" دست به "قانون-شکنی" زده و در چنین شرایط جوخفانی تصمیم می‌گیرند که میتینگی را بر علیه جناح حزبی و در جهت بدست گرفتن رهبری جنبش برپا دارند و اگر معلوم است که امکان برگزاری چنین تظاهراتی نیست چه باک! "جبهه" خود خویش را برده است و نه تنها توانسته است از آنسوی

بقیه در صفحه ۳۱

## "جبهه ملی" جبهه به اصطلاح ملی: نمونه‌های از تلاشهای عوامفریبانه لیبرالها

دوشنبه پیش بدعوت "جبهه ملی" قرار بود میتینگ و تظاهراتی برپا شود. که همانطور که از پیش روشن بود برگزار نشد. چه، دارودسته‌های مسلح حزب جمهوری اسلامی اینک صرفاً به آنها چشم علیه انقلاب بسته نکرده، بلکه مخالفت‌های ضد انقلابی لیبرالها را علیه خود نیز نمیتوانند تحمل کنند. توقیف روزنامه‌های انقلاب اسلامی و میزان، غیرقانونی نمسودن دفترها هنگی رئیس جمهوری مردم و حملیه مسلحانه در این دفتر، خود شمه کوچکی از این واقعیت بود.

این امر که این تظاهرات در شرایط کنونی هیچگونه امکان برپائی "موفقیت آمیز" خود را نمیتوانست داشته باشد چیزی نیست که تعجب انگیز باشد. اما آنچه که ظاهراً تعجب انگیز است و با بد مورد توجه قرار گیرد. علت برپائی چنین تظاهراتی از سوی جبهه ورشکسته - اصطلاح "ملی" "وصف بندی خمینی و حزب جمهوری اسلامی و سایر نیروهای سیاسی در مقابل این رویداد بود.

دارودسته "جبهه ملی" که بدلیل کسوف رسوایی سلطنت طلبی اش از یکسو که در شعار معروف "شاه با بد سلطنت کندنه حکومت" جلوه گر می‌گشت و از سوی دیگر به دلیل نزدیکی بسیاری از سران آن همچون بختیار، مدنی و... با امپریالیسم آمریکا و اصولاً مناسبات حسنه "جبهه ملی" با امپریالیست‌ها که در جریان مبارزات میلیونی توده‌ها نیز منزوی گشته بود، بعداً زقیام نیز همواره بمناسبت به یک جریان ورشکسته سیاسی مورد نفرت توده‌های زحمتکش بود.

"جبهه ملی" اگر چه بعداً مدت کوتاهی با حاکمیت نوین بدلیل هژمونی خمینی و حزب، با آن از در مخالفت در آمد، اما هرگز هیچگونه حرکت و اعتراضی علیه حاکمیت صورت نداد که سهل است، در مواردی به یاری مستقیم رژیم جمهوری اسلامی نیز در آمد. تلاشهای سنجایی در جریان جنگ ارتجاعی و گسیل ابل سنجایی‌ها به جبهه‌های جنگ ارتجاعی خود جلوه‌ای از این واقعیت است.

در عین حال آنچه بمناسبت حداکثر مخالفت‌های علمی جبهه ملی با جناح مسلط حزب به چشم

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست